



معاونت آموزش قوه قضائیه

ماہنامہ وثیقہ قوانین و مقررات

سال اول، شماره دوم، مردادماه ۱۳۸۸

معاونت آموزش قوه قضائیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۹
بخش اول: قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی	۱۳
۱. قانون الحاق یک ماده به عنوان ماده (۵۶۶) مکرر به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵	۱۵
۲. قانون تفسیر تبصره (۱) ماده واحده قانون الحاق صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به فهرست نهادهای و مؤسسات عمومی غیردولتی	۱۶
۳. قانون اصلاح تبصره (۱) بند (الف) ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین	۱۷
بخش دوم: آیین نامه های قوه قضائیه	۱۹
۱. اصلاحیه آیین نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۲۱
۲. اصلاح آیین نامه مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایات از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱	۲۸
بخش سوم: بخشنامه ها و دستورالعمل های قوه قضائیه	۲۹
۱. بخشنامه به مراجع قضایی کشور (راجع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام)	۳۱
۲. دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری	۳۱
۳. دستورالعمل اجرایی تشکیل و فعالیت مناطق سازمان بازرسی کل کشور	۳۴
۴. دستورالعمل ماده ۱۵ اصلاحی آیین نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۳۸
بخش چهارم: آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری	۴۷
۱. رأی شماره ۳۳۷ درخصوص ابطال تبصره یک بند ۳ طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۸۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران	۴۹
۲. رأی شماره ۳۴۲ درخصوص اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف اداره کار	۵۲

۳. رأی شماره ۳۲۵ درخصوص ابطال بخشنامه شماره ۲۹۸۹/۳۳۲۰۷-۲۱۱ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۳ رئیس سازمان امور مالیاتی کشور و رأی شماره ۳۰/۴/۹۹۹۲ مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۶ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی ----- ۵۶
۴. رأی شماره ۳۲۶ درخصوص استخدام رسمی مربیان کودک شاغل در آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران ----- ۵۹
۵. رأی شماره ۳۳۹ درخصوص اعتراض به آراء قطعی هیأتهای رسیدگی به تخلفات اداری ----- ۶۱
۶. رأی شماره ۳۴۰ درخصوص اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی ----- ۶۴
۷. رأی شماره ۳۴۳ درخصوص عدم امکان الزام شهرداری به صدور پایان کار تجاری برای گرمابه عمومی ----- ۶۸
۸. رأی شماره ۳۴۴ درخصوص ابطال مصوبه جلسه شماره ۱۸۹۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ شورای اسلامی شهر قائم شهر- ۷۱
۹. رأی شماره ۳۵۲ درخصوص صلاحیت شعب تشخیص دیوان عدالت اداری ----- ۷۵
۱۰. رأی شماره ۳۷۳ درخصوص دریافت حقوق وظیفه همسر متوفی ----- ۷۷
۱۱. رأی شماره ۳۷۵ درخصوص ضرورت احتساب مدت ۲۴ ماه خدمت طرح پرستاری با رعایت مقررات مربوط -----
۱۲. رأی شماره ۴۰۰ درخصوص ابطال ماده ۳ آیین نامه اجرائی تبصره الحاقی به قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران بسیجی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی مصوبه ۱۳۷۷ ----- ۸۱
۱۳. رأی شماره های ۴۰۱ الی ۴۰۵ درخصوص ابطال بخشنامه شماره ۶۰۹-۳۴/۳ مورخ ۱۳۸۷/۵/۶ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ----- ۸۵
۱۴. رأی شماره ۴۰۶ درخصوص ابطال ردیف ۲۳ بخشنامه های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ----- ۸۶
۱۵. رأی شماره ۴۰۹ درخصوص صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به خواسته ابطال اقدامات سازمان زمین شهری در زمینه تملک ----- ۸۸
- بخش پنجم : نظریات مشورتی اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه --- ۹۳**
۱. ارش کلیه ----- ۹۵
۲. مطالبه مهریه در نکاح موقت ----- ۹۵
۳. مطالبه خسارت بیکاری ----- ۹۵
۴. صدور قرار نهایی در وقت کشیک ----- ۹۶
۵. عدم جواز حکم به الزام تنظیم سند ملک مرهون ----- ۹۶

۶. مرجع صالح در رسیدگی به قاچاق کالای بلاصاحب یا	۹۷
۷. تغییر عنوان اتهامی در مرحله بعدی رسیدگی	۹۷
۸. مسؤول پرداخت دیه	۹۸
۹. لزوم تودیع سهم محکوم علیه از فروش ملک مشاع	۹۸
۱۰. لزوم صدور قرار تأمین خواسته در مورد مهریه توسط دادگاه خانواده	۹۹
بخش ششم : مصوبات هیأت وزیران	۱۰۱
۱. آیین نامه اجرایی استفاده از تسهیلات موضوع بند (۲۵) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور	۱۰۳
۲. آیین نامه شرح وظایف تفصیلی شورای مسکن استان	۱۰۴
۳. تصویب نامه درخصوص اقدامات وزارت نیرو	۱۰۶
۴. تصویب نامه در خصوص تأسیس شهرستان خور، بیابانک به مرکزیت شهر خور در تابعیت استان اصفهان	۱۱۱
۵. تصویب نامه درخصوص تعیین درصد سهام دولتی قابل واگذاری در هر شرکت بابت سهام عدالت به شرکتهای سرمایه گذاری استانی	۱۱۱
۶. آیین نامه اجرایی نحوه تشکیل و نظارت بر شرکتهای تعاونی سهام عام	۱۱۳
۷. آیین نامه نحوه تشکیل جلسات و چگونگی اتخاذ تصمیمات هیئت داورى موضوع ماده (۲۱) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۱۱۴
۸. اصلاح ماده (۲۳) و تبصره آن و ماده (۲۴) آیین نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی	۱۱۸
۹. تصویب نامه درخصوص الگوی مصرف آب در مصارف مختلف	۱۱۹
۱۰. الحاق تبصره های (۱)، (۲) و (۳) به ماده (۳) آیین نامه اجرایی ماده (۸) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان	۱۲۲
۱۱. تصویب نامه درخصوص اجرای اجباری استاندارد نصب کیسه ایمنی هوا بر روی خودرو (AIR BAG) از ابتدای برنامه پنجم توسعه	۱۲۳
۱۲. تصویب نامه درخصوص تعیین استانداردهای هوای پاک برای سال های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰	۱۲۳
۱۳. تصویب نامه در خصوص قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا و دستگاههای اجرای موضوع ماده (۸۶)	۱۲۵

بخش هفتم : مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش ----- ۱۲۹

۱. مصوبه هفتصد و هشتاد و هشتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۸/۲/۱ موضوع: آیین نامه توسعه مشارکتهای مردمی به شیوه مدیریت هیأت امنایی در مدارس ----- ۱۳۱
۲. مصوبه هفتصد و نودمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۸/۴/۹ موضوع: الحاق تبصرههایی به برخی از مواد آیین نامه آموزشی دوره متوسطه روزانه (سالی - واحدی) ----- ۱۳۹
۳. مصوبه هفتصد و نود و یکمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۳ موضوع: برگزاری یک نوبت ارزشیابی اضافی برای مردودین دو ساله دوره راهنمایی تحصیلی ----- ۱۴۰

بخش هشتم : گوناگون ----- ۱۴۳

۱. تغییر نام بنگاه تعاون و حرفه آموزی و صنایع زندانیان کشور ----- ۱۴۵
۲. تغییر عنوان مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه ----- ۱۴۵

ضمائم ----- ۱۴۷

- ضمیمه ۱ : فهرست موارد حذف شده از شماره های مرداد ماه روزنامه رسمی ----- ۱۴۹
- ضمیمه ۲ : آیین نامه [سابق] اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ----- ۱۵۱

۱- نیازی اطلاعاتی قنات:

قوانین و مقررات ابزار کار قاضی و حقوقدان است. تغییر مستمر و پرشتاب قوانین و مقررات امری محتوم است و مقاومت در مقابل آن چاره ساز نیست. بر این اساس باید ساز و کاری مستقر کرد تا «اطلاعاتی قنات» از تغییر قوانین و مقررات با سهولت و سرعت لازم و با امکان بازیابی سریع اطلاعات فراهم شود.

۲- تحول در مدل‌های اطلاع رسانی و اطلاع یابی:

تا این نیاز «اطلاعات یابی قنات» از تغییرات قوانین و مقررات با روشیایی که قریب به یک قرن از آن می‌گذرد «تصمیمی بینه» نیست. چرا که در حال حاضر شاخه علمی جدیدی در حوزه کتابداری با نام «علم اطلاع رسانی»^۱ ایجاد شده است و از مسلمات این رشته علمی آنست که طراحی و ارائه «خدمات اشاعه اطلاعات»^۲ باید متناسب با نیاز مخاطبان باشد و از منطقی پژوهشی تبعیت کند.

۱. مزیانی، علی، کتابخانه و کتابداری، ست، چاپ دوم، ص ۱۳۱.

۲. دآمدی، کتابداری، ص ۱۱.

۳- پژوهشهای انجام شده:

کتابخانه مرکزی قوه قضائیه به عنوان یکی از زیرمجموعه های معاونت آموزش قوه قضائیه دو تحقیق در این زمینه به انجام رسانده است. در تحقیق اول «رفار اطلاع یابی قضات از تغییر قوانین و مقررات» به پژوهش گذاشته شده است و در تحقیق دوم «وضعیت سنجی توزیع روزنامه رسمی در سطح کشور» بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش ها حاکی از آن است که:

اولاً: روزنامه رسمی با بهنجیره فناوریهای نوین تحول زیادی برای انجام مأموریت های سازمانی داشته است. ثانیاً: ارسال نسخه کاغذین روزنامه رسمی برای اطلاع رسانی تغییرات قوانین و مقررات از نظر اثربخشی با تردیدهایی مواجه است.

برخی از این تردیدها عبارتند از:

- یک بار مصرف بودن نسخه های کاغذین روزنامه رسمی
- عدم امکان با یگانی آسان و باز یابی سریع اطلاعات
- ضعف مکانیزم اطمینان از وصول روزنامه رسمی به مصرف کننده
- انبوهی و تراکم روزنامه ها در طول یک یا چند سال که مشکل نگهداری آنها را پدید می آورد.
- هزینه سنگین ناشی از تولید و توزیع شماره های مختلف از روزنامه مزبور در سطح کشور

1 و 2. پژوهش های مزبور در مجموعه اسناد سازمانی و مدارک علمی معاونت آموزش قوه قضائیه مضبوط است.

ثالثاً: بر مبنای پژوهش و بررسی انجام شده طراحی و انتشار «کتابچه تعصیر قوانین و مقررات» به صورت «پی‌آیند» مورد تأیید قرار گرفته است.

۴- مجموعه پیش رو:

بر این اساس مجموعه حاضر با عنوان «ماهنامه ویژه قوانین و مقررات» به عنوان ضمیمه نشریه پیام آموزش تهیه شد و اینک به صورت آزمایشی در سطح کشور عرضه می‌شود. از کلیه صاحب نظران و قضات فرهیخته تقاضا دارد با ارائه نظر و پیشنهاد خود در انجام این مأموریت مهم ما را یاری نمایند. در همین زمینه فرم نظر بنجی نیز در صفحات پایانی این کتابچه ضمیمه شده است. امیدواریم با کسب نظر صاحب نظران بتوانیم خدمتی شایسته تر ارائه کنیم. بون الله تعالی

محمد درویش زاده

مدیرکل برنامه ریزی و تدوین
متون آموزشی

بخش اول:

قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی

۱. قانون الحاق یک ماده به عنوان ماده (۵۶۶) مکرر به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۷۵

ماده واحده - متن زیر به عنوان ماده (۵۶۶) مکرر به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ الحاق می‌گردد:

ماده ۵۶۶ مکرر - هر کس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود.

تبصره ۱- نمونه تقلبی به اشیائی اطلاق می‌گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آن که نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ۲- چنانچه شیء تقلبی نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می‌گردد.

تبصره ۳- اشیاء مکشوفه موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می‌گردد. حکم این تبصره شامل اشیائی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون ضبط شده نیز می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و ششم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۸ به تأیید شورای نگهبان رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۳ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲)

۲. قانون تفسیر تبصره (۱) ماده واحده قانون الحاق صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر

به فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی

ماده واحده - آیا موضوع تبصره (۱) ماده واحده قانون الحاق صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر به فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مبنی بر اضافه نمودن نام صندوق به تبصره (۲) ماده (۶۴) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ که در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید ناظر به اعتبارات تخصیصی که تاکنون به استناد قوانین بودجه کل کشور به آن صندوق پرداخت گردیده نیز می‌باشد؟

نظر مجلس:

بلی، اضافه نمودن نام صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر به فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مذکور در تبصره (۲) ماده (۶۴) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ موضوع تبصره (۱) ماده واحده قانون الحاق صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر به فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی که در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید ناظر بر اعتبارات تخصیصی که تاکنون به استناد قوانین بودجه کل کشور به آن صندوق پرداخت گردیده نیز می‌باشد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ دهم تیر ماه یکم هزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۱۴ به تأیید شورای نگهبان رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۳ مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۲)

۳. قانون اصلاح تبصره (۱) بند (الف) ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و

مصرف آن در موارد معین

ماده واحده - عبارت «و فعالیت‌های ورزشی» بعد از عبارت «و مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی» به تبصره (۱) بند «الف» ماده (۱) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین اضافه می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم خردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۸ به تأیید شورای نگهبان رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۶ مورخ ۸۸/۵/۱۵)

بخش دوم:

آمین نامه های قوه قضائیه

۱. اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی^۱ بند الف ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول - تعاریف

ماده ۱- پرونده قضایی: پرونده قضایی مذکور در ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که در این آیین‌نامه «قانون» نامیده می‌شود شامل کلیه پرونده‌های مدنی، جزایی و امور حسبی است که در دادسراها و دادگاههای عمومی و انقلاب، انتظامی قضات، نظامی، ویژه روحانیت، دادگاه تجدیدنظر، محکمه عالی انتظامی قضات، دیوان عالی کشور دیوان عدالت اداری و سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی و منتهی به اتخاذ تصمیم نهایی و صدور رأی گردیده و مختومه شده است.

تبصره - پرونده‌های شوراهای حل اختلاف نیز مشمول مقررات این آیین‌نامه خواهد بود.

ماده ۲- اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری آنها ضروری می‌باشد.

اسناد و اوراق مذکور در قانون شامل احکام، قرارها، تصمیمات و دستورهای قضایی، تحقیقات و معاینات محلی و نیز هرگونه سند، مدرک و صورتجلسات، دفاتر، گزارش‌ها فرم مشخصات پرونده، فرم مخصوص بایگانی راکد و مانند آنهاست که مورد استناد طرفین پرونده واقع گردیده یا در اتخاذ تصمیم توسط مراجع قضایی مؤثر بوده و نگهداری سوابق آنها و تبدیل به اسناد الکترونیکی به تشخیص هیأت مذکور در ماده ۸،^۲ این آیین‌نامه ضروری باشد.

تبصره - علاوه بر موارد فوق هیأت مزبور می‌تواند با توجه به نوع، اهمیت دعوی یا شکایت، خواسته، خواهان، عنوان جرم، طرفین پرونده، زمان و مکان رسیدگی، ارزش قضایی و مانند آنها، نگهداری سوابق اوراق و اسناد پرونده قضایی و تبدیل آن به سند الکترونیکی را ضروری تشخیص دهد.

۱. متن قبلی آیین‌نامه اجرایی مذکور مصوب ۱۳۸۵ در ضمیمه ۲ همین ماهنامه آمده است و این اصلاحیه جایگزین آن شده است.

۲. به نظر می‌رسد کاما زاید است.

- ماده ۳- بایگانی قطعی: بایگانی قطعی مورد نظر قانون همان بایگانی راکد پرونده‌هایی است که منتهی به صدور حکم یا قرار قطعی گردیده و حسب مورد مختومه شده است، تاریخ مختومه شدن پرونده شروع بایگانی قطعی محسوب می‌شود.
- پرونده‌های قضایی در موارد زیر مختومه تلقی و با دستور مقام صالح بایگانی خواهند شد:
- ۱- پرونده‌هایی که منتهی به اجرای کامل حکم شده است.
 - ۲- پرونده‌هایی که موضوع آن مشمول مرور زمان گردیده و یا به هر علتی قرار موقوفی اجرای حکم صادر شده است.
 - ۳- پرونده‌هایی که منجر به حکم برائت، بی‌حقی، بطلان دعوی و مانند آن گردیده است.
 - ۴- پرونده‌هایی که منجر به صدور قرار نهایی و قطعی گردیده است.
 - ۵ - پرونده‌هایی که موضوع آن تأمین دلیل یا دستور موقت است، پس از اتمام اقدامات قانونی لازم.
 - ۶ - سایر پرونده‌ها به تشخیص هیأت مذکور در ماده ۸ این آیین‌نامه.

فصل دوم- مقدمات

- ماده ۴- مدیردفتر مرجع قضایی یا جانشین وی موظف است مشخصات پرونده‌ای را که دستور بایگانی قطعی آن توسط قاضی صادر گردیده حداکثر ظرف یک هفته در « فرم مشخصات پرونده » درج نموده همراه پرونده در مقابل اخذ رسید به بایگانی راکد مربوط تحویل دهد.
- تبصره ۱- در شعب دادسرا منشی شعبه یا جانشین وی وظایف مدیر دفتر مرجع قضایی را به عهده خواهد داشت.
- تبصره ۲- « فرم مشخصات پرونده » که توسط اداره اسناد و بایگانی راکد قوه قضاییه تهیه و در اختیار مراجع قضایی قرار خواهد گرفت، متضمن نکات زیر می‌باشد:
- ۱- مشخصات پرونده:
 - الف: مدنی است یا کیفری یا امور حسبی؛
 - ب: موضوع پرونده؛
 - ج: کلاسه پرونده؛

د: تاریخ تشکیل پرونده؛

ه: تاریخ مختومه شدن پرونده؛

و: تعداد اوراق پرونده؛

۲- مشخصات طرفین پرونده: اعم از خواهان و خوانده یا شاکی و متشاکی

۳- مرجع یا مراجع رسیدگی کننده، نظیر دادسرا، دادگاه بدوی حقوقی یا جزایی، دادگاه تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و غیره.

۴- نتیجه رسیدگی:

الف - حکم یا قرار و غیره و موضوع آن؛

ب - شماره و تاریخ حکم یا قرار و غیره؛

ج - علت مختومه شدن اعم از اجرای کامل حکم، قطعیت حکم برائت یا قرار، مرور زمان و غیره.

۵ - ذکر ضمایم پرونده و سایر مشخصات که درج آن ضروری است.

۶ - درجه اهمیت پرونده از لحاظ ضروری یا غیرضروری بودن مطابق اصلاحیه این آیین‌نامه و دستورالعمل آن و سایر اوضاع و احوال پرونده.

۷- مشخصات تنظیم کننده فرم مذکور و تأیید کننده آن.

فرم مشخصات پرونده باید در سه نسخه به نحو کامل و دقیق و خوانا تنظیم گردد، یک نسخه در دفتر شعبه دادسرا یا دادگاه یا سایر مراجع قضایی مربوط نگهداری و دو نسخه دیگر به پیوست پرونده به بایگانی راکد ارسال شود. مسئولان مراجع رسیدگی کننده موظفند از تاریخ ابلاغ اصلاحیه آیین‌نامه نسبت به تکمیل فرم مزبور اقدام نمایند.

تبصره ۳- برای پرونده‌های مختومه غیرضروری که پیش از تاریخ اصلاحیه آیین‌نامه به بایگانی‌های راکد سپرده شده‌اند، نیازی به تکمیل فرم مذکور نیست.

تبصره ۴- پرونده‌هایی که منتهی به محکومیت‌های مشروط، معلق و مانند آن گردیده‌اند تا پایان موعد تعیین شده در دادنامه، در دفتر مرجع قضایی نگهداری و سپس برای ارسال آنها به بایگانی راکد اقدام خواهد شد.

ماده ۵ - به دستور قاضی مربوط قبل از ارسال پرونده به بایگانی راکد کلیه اسناد، وثایق و دستورات قضایی به شرح زیر باید تعیین تکلیف و رفع اثر شود:

- ۱- دستور احضار یا جلب؛
 - ۲- قرار ممنوعیت خروج از کشور؛
 - ۳- دستور ورود به منزل یا تفتیش آن؛
 - ۴- وثایق و تأمین خواسته؛
 - ۵ - اسناد، قبوض یا وجوه نقدی؛
 - ۶ - اموال یا اشیاء مرتبط با پرونده؛
 - ۷- دستور انسداد حساب بانکی؛
 - ۸ - دستور ممنوعیت از معامله نقل و انتقال؛
 - ۹- سایر موارد به تشخیص قاضی مربوط.
- ماده ۶ - مسئول بایگانی را کد موظف است از تحویل گرفتن پرونده‌هایی که فاقد فرم مشخصات پرونده می‌باشند، خودداری نماید.
- ماده ۷- قاضی مربوط باید نظارت کافی بر اجرای صحیح مواد ۴، ۵ و ۶ این آیین‌نامه و دستورالعمل آن را داشته باشد.

فصل سوم - فرآیند تشخیص ضرورت نگهداری اسناد و اوراق پرونده‌های

قضایی

ماده ۸ - به منظور برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای کامل این آیین‌نامه، هیأتی به عنوان « هیأت تشخیص دهنده ضرورت نگهداری سوابق اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی و تبدیل آنها به اسناد الکترونیکی و امحا» که در این آیین‌نامه « هیأت تشخیص مرکزی» نامیده می‌شود، تشکیل خواهد شد.

تبصره - مصوبات این هیأت پس از تنفیذ رئیس قوه قضاییه لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۹ - اعضای هیأت تشخیص مرکزی عبارتند از:

۱- رئیس دیوان عالی کشور (رئیس هیأت)؛

۲- دادستان کل کشور؛

۳- وزیر دادگستری؛

- ۴- معاون حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه (دبیر هیأت)؛
- ۵ - معاون اداری - مالی قوه قضائیه؛
- ۶- رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح؛
- ۷- رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛
- تبصره - دعوت از سایر مسؤولان و صاحب نظران جهت شرکت در جلسه و مشاوره با موافقت اکثر اعضای هیأت بلامانع است.
- ماده ۱۰ - به منظور تسهیل و تسریع اجرای این آیین نامه و اجرای وظایف مربوط به هیأت تشخیص مرکزی در استانها، هیأتی با عنوان « هیأت تشخیص استانی » با شرکت مقامات ذیل در مراکز استان تشکیل می گردد:
- ۱- رئیس کل دادگستری استان یا معاون وی (رئیس هیأت)؛
- ۲- دادستانی شهرستان مرکزی استان یا معاون وی؛
- ۳- نماینده سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی؛
- ۴- رئیس اداره اسناد و بایگانی راکد دادگستری استان (به عنوان دبیر هیأت)؛
- ۵ - رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان یا معاون وی؛
- ۶ - مسؤول حفاظت و اطلاعات دادگستری کل استان یا معاون وی.
- تبصره - دعوت از سایر مسؤولان و صاحب نظران جهت شرکت در جلسه و مشاوره بلامانع است.
- ماده ۱۱- جلسات هیأت تشخیص مرکزی و استانی با حضور اکثر اعضاء رسمی و نظر اکثریت حاضر معتبر خواهد بود.
- ماده ۱۲- مدیران بایگانی راکد مراجع قضایی و شبه قضایی پس از وصول پرونده نسبت به تکمیل ردیف مخصوص بایگانی راکد در فرم مشخصات پرونده اقدام می نمایند.
- ماده ۱۳- ردیف مخصوص بایگانی راکد دارای موارد زیر می باشد:
- ۱- تاریخ تحویل پرونده به بایگانی راکد
- ۲- شماره ردیف، قفسه و سالن بایگانی
- ۳- تاریخ و شماره ارسال به مرجع درخواست کننده
- ۴- تاریخ و شماره بازگشت از مرجع درخواست کننده
- ۵ - تاریخ انقضاء مدت نگهداری؛

۶- تاریخ تعیین تکلیف نهایی؛

۷- نام و نام‌خانوادگی مسئول بایگانی راکد

تبصره ۱- نحوه چیدمان پرونده‌ها در بایگانی راکد براساس شماره ردیف مسلسل و در صورت امکان، با ذکر دقیق شماره قفسه، سالن و ساختمان بایگانی خواهد بود.

تبصره ۲- در صورتی که پرونده‌های بایگانی راکد توسط مراجع قضایی مورد استناد و مطالبه قرار گیرد، بندهای ۳ و ۴ تکمیل می‌گردد.

تبصره ۳- پس از وصول پرونده به بایگانی راکد زمان دقیق نگهداری اعم از امحاء یا انتقال طبق دستورالعمل در بند ۵ قید و تاریخ اقدام عملی در این خصوص در بند ۶ ذکر می‌گردد.

ماده ۱۴- هیأت تشخیص استان وظیفه آموزش و نظارت کامل بر عملکرد واحدهای قضایی و شبه قضایی و کارشناسان منتخب آنها^۱ منطبق با مفاد این آیین‌نامه و دستورالعمل آن و دستورهای هیأت تشخیص مرکزی بر عهده خواهد داشت.

تبصره ۱- در صورت تردید در ضرورت نگهداری سابقه اسناد و اوراق پرونده قضایی یا عدم آن اصل بر ضرورت نگهداری سابقه و تبدیل به اسناد الکترونیکی است.

تبصره ۲- در صورت ابهام و بروز موارد استثنایی که قابل تطبیق با مقررات قانون، آیین‌نامه و دستورالعمل آن نباشد نظر هیأت تشخیص مرکزی استعلام خواهد شد.

ماده ۱۵- تشخیص نهایی ضروری و آرشیوی بودن پرونده‌های قضایی به عهده هیأت تشخیص مرکزی و با هماهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی است. این هیأت ضوابط و معیارهای تشخیص پرونده‌های ضروری و مهم و ملی را طی دستورالعملی^۲ مشخص، به مراجع قضایی اعلام خواهد نمود.

۱. به نظر می‌رسد کلمه «را» جا افتاده است.

۲. این دستورالعمل در بخش سوم همین مآهنامه درج شده است.

فصل چهارم - تبدیل اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری

آنها ضروری است به اسناد الکترونیکی

ماده ۱۶- پس از تکمیل قسمت مخصوص بایگانی راکد در فرم مشخصات پرونده توسط مدیر و کارشناسان اداره اسناد و بایگانی راکد در مورد پرونده‌های ضروری و تأیید مسئول مراجع قضایی و شبه قضایی یا کارشناس منتخب آنها پرونده در بایگانی راکد ثبت خواهد شد.

ماده ۱۷- کلیه پرونده‌های ضروری که از تاریخ ابلاغ اصلاحیه آیین‌نامه و دستورالعمل به بایگانی راکد واصل می‌شوند، می‌بایستی حداکثر ظرف یک ماه پس از تکمیل ردیف مربوطه طبق مفاد آیین‌نامه و دستورالعمل به اسناد الکترونیکی تبدیل شوند.

فصل پنجم - اسباب پرونده ها

ماده ۱۸- در مورد پرونده‌های غیرضروری پس از انقضاء مواعد مقرر در دستورالعمل به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی و موافقت رئیس کل دادگستری استان و نسبت به سایر مراجع قضایی و شبه قضایی با پیشنهاد مدیر یا مسئول بایگانی راکد و موافقت بالاترین مقام آن مرجع ضمن تکمیل فرم رایانه‌ای پرونده‌های مختومه غیرضروری - حاوی کلاس پرونده و مشخصات طرفین موضوع؛ شماره، تاریخ دادنامه و نتیجه رسیدگی (شامل حکم و قرار) - و ورود آن در سیستم رایانه، امحاء پرونده‌ها توسط مسئول بایگانی راکد مربوطه با نظارت نماینده مراجع قضایی و شبه قضایی، مسئول حفاظت و اطلاعات دادگستری استان یا نماینده وی و نماینده تام‌الاختیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد.

تبصره - علاوه بر پرونده‌های ضروری در مورد سایر پرونده‌های آماده امحاء نیز چنانچه سازمان اسناد و کتابخانه ملی آمادگی خود را جهت تحویل و انتقال به سازمان اعلام نماید باید پرونده‌های مورد درخواست به جای امحاء تحویل آن سازمان شود. در صورتی که سازمان ظرف ۲ ماه از تاریخ مقرر جهت امحاء نسبت به انتقال پرونده‌های غیرضروری اقدام ننماید طبق ماده ۱۸ نسبت به امحاء آنها اقدام خواهد شد.

ماده ۱۹- معاونت اداری و مالی قوه قضائیه موظف است اعتبار مورد نیاز برای اجرای این آیین نامه را در ردیف بودجه قوه قضائیه تأمین نماید.

ماده ۲۰- مسؤولیت حُسن اجرای این دستورالعمل با هیأت تشخیص مرکزی و رؤسای کل دادگستری استان ها می باشد.

این آیین نامه اصلاحی در ۲۰ ماده و ۱۶ تبصره در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۳۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۶ مورخ ۸۸/۵/۱۵)

۲. اصلاح آیین نامه مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایات از عملیات

اجرائی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

به پیوست یک نسخه اصلاح آئین نامه مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایات از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ که در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۸ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی کشور ارسال می گردد.

رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - موحدی

ماده ۱۹۴ آیین نامه مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایات از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ به شرح زیر اصلاح می گردد:

ماده ۱۹۴ اصلاحی - « صدور اجرائیه نسبت به آراء داوری بورس اوراق بهادار وفق تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ به عهده ادارات و دوائر اجرای ثبت اسناد و املاک می باشد.»

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۶)

بخش سوم:



بخشنامه ها و دستورالعمل های قوه قضائیه



۱. بخشنامه به مراجع قضایی کشور [راجع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام]

با اصلاح اخیر آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ و حذف ماده ۶ آن برای برخی سازمان‌ها و ادارات این تصور پدید آمده است که ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) دیگر مسؤولیتی درخصوص اموال قاچاق بلاصاحب و صاحب متواری ندارد و حال آن که با اصلاحیه مزبور رسیدگی به پرونده‌های کالاهای قاچاق مرقوم، از صلاحیت دادگاه‌های اصل ۴۹ خارج و طبق اصل کلی در صلاحیت محاکم عمومی قرار گرفته است و لذا از ستاد اجرایی در سرپرستی اموال مذکور سلب اختیار نشده است و با عنایت به ماده ۱۱ اساسنامه ستاد مرقوم و در اجرای ماده ۲۰ آیین‌نامه مورد اشاره، اقتضاء دارد احکام و قرارهای صادر در مواردی که از مصادیق اموال در اختیار ولی فقیه است، کماکان به نام ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) صادر و ابلاغ گردد.

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۳ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۴)

۲. دستورالعمل ساماندهی واحدهای اجرای احکام کیفری

نظر به تراکم غیرمتعارف پرونده‌ها در بعضی از واحدهای اجرای احکام کیفری و در راستای ساماندهی و کارایی بیشتر واحدهای اجرای احکام مقرر می‌دارد:

۱- واحدهای اجرای احکام در اسرع وقت نسبت به بازشماری و تطبیق و تصحیح آمار پرونده‌های موجود اقدام و گزارش آن را به رؤسای کل دادگستری ارائه نمایند.

۲- کلیه دادستانها، ظرف یک ماه گزارش تحلیلی دقیقی از تعداد، نوع و علت تأخیر در اجرای حکم تهیه و در همین مدت نسبت به ارائه راهکار مناسب اجرایی اقدام و به مراجع قضایی ذیربط ابلاغ نمایند.

۳- به منظور پیشگیری از وقفه در امور مربوط به مرحله اجرای حکم کلیه کارکنان واحدهای قضایی موظف به قید مشخصات دقیق کفیل و وثیقه‌گذار و نشانی کامل محل اقامت آنان در اوراق قضایی می‌باشند.

- ۴- به منظور پیشگیری از بروز هرگونه ابهام و اجمال در مرحله اجرای حکم، قضات مکلف به قید دقیق و صریح محکوم به و نحوه و چگونگی اجرای آن می‌باشند.
- ۵ - قضات دادسرا و واحدهای اجرای احکام باید به نحو مقتضی و از طریق نظام جامع املاک کشور نسبت به احراز هویت وثیقه‌گذار و بررسی دقیق و کامل سند ابرازی جهت وثیقه اقدام نمایند.
- ۶ - سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است در اسرع وقت تدابیر و اقدامات لازم جهت اجرای مفاد ماده قبل را فراهم نموده و مراتب را طی بخشنامه‌ای به واحدهای ثبتی ابلاغ نماید.
- ۷- اجرای احکام صادره راجع به ضرر و زیان ناشی از جرم همچنین قرارهای تأمین خواسته کیفری و دستور ضبط وثیقه به استناد ماده ۳۵ اصلاحی آئین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب بر عهده واحدهای اجرای احکام کیفری می‌باشد.
- ۸ - جهت تسریع در ابلاغ اوراق قضایی و اجرای احکام به تعداد لازم کارمند و نیروی انتظامی آموزش دیده در محل دادسرا مستقر تا تحت نظارت و تعلیمات دادستان و معاونان او نسبت به انجام امور محوله اقدام نمایند.
- ۹- دادستان عمومی و انقلاب هر شهرستان موظف است به طور مرتب نحوه اجرای دستورات قضایی توسط ضابطین را کنترل نموده و چنانچه با ناهماهنگی و تخلف مواجه شود باید ضمن صدور دستور مقتضی جهت حل و فصل، مراتب را به رئیس کل دادگستری استان گزارش نماید.
- ۱۰- رئیس کل دادگستری هر استان در صورت ضرورت با مقامات عالی استان در جهت تسریع اجرای احکام هماهنگی لازم به عمل آورده و نتیجه را به واحدهای اجرای احکام و سایر مبادی ذیربط ابلاغ خواهد نمود.
- ۱۱- کلیه پرونده‌هایی که در آنها حکم به صورت غیابی صادر شده است و محکوم‌له بیش از دو سال از صدور حکم قطعی، برای پی‌گیری به اجرای احکام مراجعه ننموده است و محکوم‌علیه نیز توسط مقام قضایی شناسایی نشده است از آمار پرونده‌های جاری کسر گردیده و بصورت موقت بایگانی می‌شود. بدیهی است به محض مراجعه محکوم‌له اقدامات اجرایی مطابق مقررات پیگیری خواهد شد.
- ۱۲- کلیه پرونده‌های مربوط به تقسیط دیه که از تاریخ پرداخت آخرین قسط معوقه بیش از دو سال گذشته و محکوم‌له نیز برای پیگیری مراجعه نکرده است از آمار پرونده‌های جاری کسر و

بصورت موقت بایگانی می‌شود. بدیهی است به محض مراجعه محکوم‌له مطابق مقررات اقدامات اجرایی پیگیری خواهد شد.

۱۳- رؤسای واحدهای اجرای احکام باید اسامی زندانیان اعم از محکومان به حبس و بدل از جزای نقدی را در محل مخصوص ثبت و به طور مستمر بررسی نمایند به نحوی که هیچ یک از محکومان بیش از حداکثر مجازات تعیین شده، متحمل حبس نشوند.

۱۴- نسبت به پرونده‌های مشمول موارد صدور قرار موقوفی از جمله مرور زمان موضوع مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری اقدامات لازم به منظور صدور قرار موقوفی اجرا صورت گیرد.

۱۵- با توجه به اهمیت اجرای احکام در تعیین قضات و کارکنان اجرای احکام به تجارب و سوابق قضایی و اداری توجه کافی معمول گردد.

۱۶- معاونت آموزش مکلف است دوره‌های آموزشی فن‌آوری اطلاعات (IT) به ویژه دوره‌های فراگیری نحوه کار با نرم‌افزار سیستم مدیریت پرونده (CMS) را برای کارکنان اجرای احکام کیفری اعم از قضات و کارکنان اداری برگزار نماید.

۱۷- دادیاران ناظر زندان باید هماهنگی و همکاری‌های لازم را به طور مستمر با واحدهای اجرای احکام کیفری در جهت حسن اجرای احکام زندانیان داشته باشند.

۱۸- دادستانها پس از ابلاغ این دستورالعمل هر سه ماه یک بار موظف به ارائه گزارش جامع و مستند از پیشرفت در اجرای احکام به رئیس کل دادگستری استان می‌باشند.

۱۹- رؤسای کل دادگستری استان پس از بررسی و گزارش تحلیلی جامع از روند امور مراتب را به دادستان کل کشور گزارش خواهد نمود.

۲۰- رؤسای کل دادگستری استان و دادستانهای واحدهای قضایی نسبت به اجرای دقیق دستورالعمل اقدام و تدابیر لازم در اجرای بهتر دستورالعمل به عمل خواهند آورد.

۲۱- نظارت بر حسن اجرای دستورالعمل به عهده دادستان کل کشور می‌باشد.

۲۲- این دستورالعمل در ۲۲ ماده در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۶)

۳. دستورالعمل اجرایی تشکیل و فعالیت مناطق سازمان بازرسی کل کشور

ماده ۱- هدف

در اجرای ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان و به منظور تمرکز زدایی، تسهیل در نظارت و بازرسی، تقویت توان کارشناسی و تفویض اختیار به مناطق با حفظ استقلال و اختیارات کنونی ادارات کل بازرسی استان‌ها، مناطق سازمان بازرسی کل کشور تشکیل می‌گردد.

فصل اول - شورای منطقه، دبیرخانه منطقه

ماده ۲- منطقه با عضویت چند استان همجوار یا نزدیک به هم و مرکزیت یک استان تشکیل می‌شود.

تبصره - تشکیل مناطق سازمان و تعداد آنها حسب نیاز و با تشخیص رئیس سازمان می‌باشد.

ماده ۳- در هر منطقه شورایی مرکب از مدیران کل استان‌های عضو تشکیل و با همفکری و تعامل و در حدود اختیارات مقرر در ماده ۱۱ این دستورالعمل به وظایف خود عمل می‌نماید.

ماده ۴- مدیرکل بازرسی استان مرکز منطقه با حکم رئیس سازمان به عنوان رئیس منطقه منصوب و ریاست شورا را بر عهده خواهد داشت.

ماده ۵ - مدیران کل عضو شورای منطقه موظف به حضور منظم و فعال در جلسات شورا بوده و لازم است در جهت ارتقای امور و رفع مشکلات، نواقص و نارسایی‌ها مشارکت و تشریک مساعی نمایند.

ماده ۶ - جلسات شورای مدیران منطقه حداقل ماهی یکبار با دعوت رئیس منطقه و با حضور اکثریت اعضاء تشکیل می‌شود. مصوبات شورا با رأی اکثریت اعضاء قابل اجرا بوده و توسط رئیس منطقه ابلاغ خواهد شد.

تبصره - نسخه‌ای از مصوبات و صورت‌جلسات شورا حداکثر ظرف مدت ده روز به دفتر ریاست سازمان و رونوشت آن به معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع سازمان ارسال می‌گردد.

ماده ۷- رؤسای مناطق عضو شورای سازمان بوده و موظف به شرکت منظم در جلسات می‌باشند. ترتیب دعوت رؤسای مناطق توسط دفتر ریاست سازمان انجام می‌گیرد.

- ماده ۸ - در هر منطقه دبیرخانه‌ای زیر نظر رییس منطقه با چهار پست دبیر، مسوول دفتر و کارشناس تشکیل می‌گردد.
- ماده ۹- دبیر و اعضای دبیرخانه توسط رییس منطقه تعیین و احکام آنان صادر می‌گردد.
- ماده ۱۰- در هر منطقه گروه بررسی و تنقیح گزارش زیر نظر رییس منطقه تشکیل می‌گردد. اعضای گروه به پیشنهاد شورای منطقه و تأیید و حکم مرکز منصوب می‌شوند.

فصل دوم - وظایف و اختیارات

- ماده ۱۱- شورای منطقه
- ۱- بررسی و تصویب برنامه‌های استانی و منطقه‌ای و ارسال به مرکز.
 - ۲- ایجاد هماهنگی و تمهیدات لازم جهت اجرای برنامه‌های نظارت و بازرسی.
 - ۳- بررسی و تأیید طرح‌های مطالعاتی و پژوهش‌های کاربردی استانی و منطقه‌ای.
 - ۴- بررسی و تأیید برنامه‌های آموزشی استانی و منطقه‌ای.
 - ۵ - بررسی مسایل منطقه‌ای و آسیب‌شناسی مربوطه و ارائه راهکارهای مناسب.
- ماده ۱۲- دبیرخانه
- ۱- بررسی و تصویب طرح و بازبینی برنامه‌های نظارت و بازرسی ادارات کل منطقه.
 - ۲- بررسی طرح و بازبینی برنامه‌های نظارت و بازرسی مشترک منطقه‌ای.
 - ۳- تشکیل بانک اطلاعات از منابع و نیروهای متخصص موجود در منطقه.
 - ۴- طراحی و برگزاری دوره‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌های علمی و آموزشی مشترک با ادارات کل بازرسی منطقه در چهارچوب سیاست‌های کلی آموزشی و پژوهشی سازمان.
 - ۵ - انجام امور دبیرخانه‌ای.
 - ۶ - سایر امور محوله از سوی رییس منطقه.
 - ۷- بررسی پیشنهادهای دریافتی استانها و انجام بررسی‌های کارشناسی لازم و اظهارنظر درخصوص آنها و عنداللزوم طرح در شورا.
- ماده ۱۳- دبیر منطقه
- ۱- پیگیری مصوبات شورا

- ۲- تهیه دستورجلسات و صورتجلسات شورا و ارسال آن به مرکز پس از تأیید رییس شورا.
- ۳- تشکیل کارگروه‌های مورد نیاز منطقه حسب مورد با تأیید رییس شورا.
- ۴- تهیه و تنظیم و ارائه گزارش‌های ادواری از فعالیت‌ها و عملکرد شورا و دبیرخانه به رئیس شورا و سایر مراجع ذی‌ربط.

فصل سوم - روش‌های اجرایی

الف - برنامه‌های نظارت و بازرسی

- ماده ۱۴- برنامه‌های نظارت و بازرسی ادارات کل در شورای منطقه بررسی و پس از تصویب به معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع جهت سیر مراحل تأیید نهائی ارسال می‌شود.
- تبصره - حذف و یا تغییر ۱۰ درصد برنامه‌های استانی مصوب، توسط شورای منطقه و بیش از آن با تأیید معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع می‌باشد.
- ماده ۱۵- برنامه‌های نظارت و بازرسی مشترک به منطقه و برنامه‌های ادارات کل استانی به ادارات کل ابلاغ خواهد شد.
- تبصره - رونوشت از برنامه‌های استانی به دبیرخانه منطقه جهت اطلاع ارسال می‌گردد.

ب - طرح‌های بازرسی

- ماده ۱۶- طرح و بازبینی برنامه نظارت و بازرسی استانی توسط اداره کل بازرسی استان تهیه و در کارگروه مربوط در دبیرخانه منطقه بررسی و تصویب گردیده و پس از تأیید رییس شورا به اداره کل بازرسی استان ابلاغ خواهد شد.
- تبصره ۱- موارد اصلاحی توسط دبیر به اداره کل اعلام می‌گردد.
- تبصره ۲- بررسی و تصویب طرح و بازبینی برنامه‌های منطقه‌ای، سراسری و سایر موارد به تشخیص معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع بر عهده مرکز می‌باشد.
- ماده ۱۷- معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع مسئولیت نظارت بر نحوه تهیه طرح و بازبینی برنامه‌های نظارت و بازرسی را بر عهده خواهد داشت.

ج - انجام مأموریت‌های نظارت و بازرسی و ارسال گزارش

ماده ۱۸- نظارت و بازرسی از دستگاه‌های مندرج در تبصره ۲ و ۳ ماده ۸ آئین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان توسط هیأت‌های مشترک استان‌های منطقه انجام می‌پذیرد.

ماده ۱۹- گزارش‌های نظارت و بازرسی استان پس از طی مراحل آن در استان و تأیید مدیرکل بازرسی استان به دبیرخانه منطقه جهت بررسی، تنقیح و ارزشیابی در گروه مربوط ارسال می‌گردد. تبصره - گروه بررسی و تنقیح گزارش‌ها موظف است حداکثر ظرف یک هفته از زمان دریافت گزارش نتایج بررسی خود را به اداره کل بازرسی استان اعلام نماید و در موارد خاص با تأیید رئیس شورا تا یک هفته قابل تمدید است.

ماده ۲۰- گزارش نظارت و بازرسی پس از طی مراحل تنقیح و تأیید رئیس شورا به شرح زیر ارسال خواهد شد:

۱- گزارش‌های نظارت و بازرسی که در مورد عملکرد مدیران ادارات کل استان و یا مدیریت‌های منطقه‌ای باشد به استثنای دستگاه‌های مندرج در تبصره ۲ و ۳ ماده ۸ آئین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان و اصلاحات بعدی آن با امضای رییس منطقه ارسال می‌گردد.

۲- گزارش‌های نظارت و بازرسی در مورد عملکرد دستگاه‌های مندرج در تبصره‌های فوق با امضای معاون ذی‌ربط سازمان در مرکز ارسال می‌گردد.

تبصره ۱- گزارش‌های اختصاصی تابع مفاد بند ۱ و ۲ این ماده می‌باشند.

تبصره ۲- چنانچه مدیر کل استان و یا رئیس شورا تشخیص دهد لازم است گزارش برای مقام معظم رهبری و یا سران سه قوه و یا وزرا و یا معاونین آن‌ها و یا مقامات هم‌تراز ارسال گردد. پس از تأیید شورای مدیران منطقه جهت بررسی و تنقیح و طی تشریفات قانونی به مرکز ارسال می‌گردد. ماده ۲۱- در صورت اختلاف نظر بین مدیر کل بازرسی استان و کارگروه بررسی و تنقیح منطقه ابتدا اختلاف در شورای مدیران مطرح و در صورت عدم رفع اختلاف برابر دستورالعمل بررسی و تنقیح عمل خواهد شد.

برنامه‌های آموزشی و پژوهشی

ماده ۲۲- برنامه‌های آموزشی و پژوهشی در مناطق به تأیید معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع خواهد رسید. هزینه اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مشترک از سرجمع اعتبارات ادارات کل

بازرسی استان پرداخت خواهد شد. گواهی آموزشی دوره‌های برگزار شده در مناطق با امضای رئیس منطقه و مدیرکل توسعه منابع انسانی خواهد بود.

این دستورالعمل در ۲۲ ماده و ۹ تبصره در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۸ به تصویب رسید.

رئیس قوه قضائیه - سیدمحمود هاشمی شاهرودی

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

۴. دستورالعمل ماده ۱۵ اصلاحی آیین‌نامه^۱ اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول: کلیات

ماده ۱: این دستورالعمل بر اساس مواد ۸، ۱۵ و تبصره ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۱۳۱ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تعیین نحوه نگهداری سوابق اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی و تبدیل به سند الکترونیکی و سپس انتقال آنها به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران صادر شده است.

ماده ۲: دادگستری‌های سراسر کشور موظف‌اند بر اساس این دستورالعمل پرونده‌های ضروری و غیرضروری موجود در بایگانی‌های راکد خود را شناسایی و پس از طی مدت زمان قانونی ذکر شده، اوراق ضروری را به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس طبق ضوابط مطرح در آیین‌نامه و این دستورالعمل نسبت به امحاء یا انتقال آنها به سازمان اسناد و کتابخانه ملی در تهران و یا شعب آن در شهرستان‌ها اقدام نمایند.

ماده ۳: مسئولان سازمان‌ها و نهادهای مطرح شده در ماده یک آیین‌نامه فوق‌الذکر نیز موظف‌اند طبق ماده ۲ این دستورالعمل اقدام نمایند.

ماده ۴: در صورتی که عناوین برخی پرونده‌های موجود در بایگانی‌های راکد در عناوین مطروحه در این دستورالعمل منظور نشده باشد و یا طبق شرایط آینده پاره‌ای پرونده‌های جدید پدید آید که

۱. این آیین‌نامه در بخش دوم همین مآهنامه مندرج است.

قابل تطبیق با عناوین مذکور نباشد، این موارد در جلسات هیأت تشخیص مرکزی مطرح و در مورد آنها تصمیم‌گیری و تعیین تکلیف خواهد شد.

فصل دوم: اسناد و اوراق پرونده‌های ضروری

ماده ۵: اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آنها ضروری می‌باشد:
الف: کیفری:

- ۱- جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو یا حبس ابد است.
- ۲- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض.
- ۳- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.
- ۴- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب به منظور مقابله با نظام و جاسوسی.

- ۵- جرایمی که مجازات قانونی آنها ۱۰ سال حبس و بالاتر می‌باشد.
- ۶- مصادره اموال و پرونده‌های اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۷- اخلال در نظام اقتصادی کشور بر اساس ماده یک قانون مذکور.
- ۸- جرایم مطبوعاتی و سیاسی.
- ۹- اعمال منافی عفت موجب حد.

ب: حقوقی:

- ۱- پرونده‌های انحصار وراثت.
- ۲- پرونده‌های اثبات مالکیت.
- ۳- پرونده‌های اثبات نسب.
- ۴- پرونده‌های ابطال سند ثبتی.
- ۵- پرونده‌های اثبات وقف.
- ۶- پرونده‌های سرپرستی.
- ۷- وصیت.

ج - در کلیه پرونده‌های بایگانی راکد که در متن دادخواست یا شکوائیه یا دادنامه صراحتاً ذکر شده یا به نحوی اطلاع حاصل شود که یکی از طرفین پرونده از اعضاء مجمع تشخیص مصلحت

نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس خبرگان و شورای اسلامی ملی و سنا، وزراء و معاونین آنها، رؤسای سه قوه، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفراء، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه‌های قضایی، استانداران، فرمانداران، شهرداران، افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، مدیران کل اطلاعات استانها و مشاهیر کشوری می‌باشد.

تبصره ۱: اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی فوق‌الذکر پس از انقضای مدت ۳۰ سال به سند الکترونیکی تبدیل و سپس به سازمان اسناد و کتابخانه ملی منتقل خواهند شد.

تبصره ۲: ملاک عناوین مجرمانه و مجازات‌ها بر اساس قوانین معتبر در زمان صدور رأی می‌باشد.

فصل سوم: پرونده‌های غیرضروری

ماده ۶: پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آنها غیرضروری و مشمول ماده ۵ نیستند و پس از تکمیل فرم پرونده‌های مختومه غیرضروری و ثبت در سیستم رایانه‌ای امحاء می‌گردند به شرح زیر می‌باشند:

الف - پرونده‌هایی که ۲ سال پس از مختومه شدن قابل امحاء می‌باشد:

- پرونده‌های خلافی.

- گواهی عدم سوء پیشینه.

ب - پرونده‌هایی که ۳ سال پس از مختومه شدن قابل امحاء می‌باشد:

- پرونده‌های فحاشی.

- پرونده‌های رد اعسار.

- پرونده‌های قرار رد دفتر.

- پرونده‌های ترک انفاق.

- پرونده‌های رانندگی بدون پروانه.

ج - پرونده‌هایی که ۵ سال پس از مختومه شدن قابل امحاء می‌باشد:

- پرونده‌های ایراد ضرب و جرح ساده (عمدی و غیرعمدی تا خمس دیه کامل).

- پرونده‌های صید غیرمجاز.

- پرونده‌های عدم صلاحیت دادگاه.
- بدل پرونده‌های موجود در بایگانی راکد.
- پرونده‌های توهین به مأمور دولت در حین انجام وظیفه.
- پرونده‌های شرب خمر.
- پرونده‌های نگهداری، حمل، ساخت و خرید و فروش مشروبات الکلی.
- پرونده‌های ولگردی.
- پرونده‌های قماربازی.
- پرونده‌های نگهداری و استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره.
- پرونده‌های تخریب اموال خصوصی و دولتی.
- پرونده‌های مطالبه جهیزیه.
- پرونده‌های ازدواج مجدد.
- پرونده‌های طلاق.
- پرونده‌های عسر و حرج.
- پرونده‌های هتک حرمت.
- پرونده‌های دخالت در امور پزشکی.
- پرونده‌های الزام به تمکین.
- پرونده‌های ابطال دادخواست.
- پرونده‌های اجور معوقه.
- پرونده‌های تهمت و افتراء.
- پرونده‌های منع پیگرد.
- اظهارنامه‌ها.
- قرار عدم استماع.
- پرونده‌های موقوفی تعقیب.
- قرار رد دعوی.
- پرونده‌های قرار تأمین دلیل.
- پرونده‌های قرار تأمین خواسته.

- پرونده‌های تعدیل اجاره بها.
- پرونده‌های صدور چک بلامحل.
- پرونده‌های مطالبه وجه.
- پرونده‌های مطالبه مهریه.
- د - پرونده‌هایی که ۱۰ سال پس از مختومه شدن قابل امحاء می‌باشد:
- پرونده‌های سقط جنین.
- پرونده‌های قطع اشجار.
- پرونده‌های شهادت کذب.
- پرونده‌های سوء استفاده و غصب عناوین دولتی.
- پرونده‌های فک پلمپ دوایر دولتی.
- پرونده‌های ورود ثالث.
- پرونده‌های تصرف عدوانی و مزاحمت.
- پرونده‌های اثبات زوجیت.
- پرونده‌های حکم رشد.
- پرونده‌های جبران ضرر و زیان ناشی از جرایم کیفری.
- پرونده‌های تعیین تکلیف و استرداد طفل (حضانت).
- پرونده‌های عبوردهندگان اشخاص غیر مجاز از مرز.
- پرونده‌های اخاذی.
- پرونده‌هایی که مجازات آنها صرفاً انفصال از خدمات دولتی می‌باشد.
- پرونده‌های تخلیه محل‌های تجاری و مسکونی.
- ه - پرونده‌هایی که ۱۵ سال پس از مختومه شدن قابل امحاء می‌باشد:
- پرونده‌های فسخ معامله.
- پرونده‌های قتل غیر عمد، شبه عمد و خطه‌ای^۱.
- پرونده‌های اختلاس، ارتشاء، جعل، تدلیس و کلاهبرداری.

۱. به نظر می‌رسد کلمه «خطایی» مدنظر بوده است.

- پرونده‌های جعل اسناد.
 - پرونده‌های خرید و فروش اموال مسروقه.
 - پرونده‌های ایراد ضرب و جرح منجر به نقص عضو و صدمه بدنی (عمدی و غیرعمدی با بیش از خمس دیه کامله).
 - پرونده‌های سرقت موجب تعزیر.
 - پرونده‌های جلب ثالث.
 - پرونده‌های خیانت در امانت و تصرف غیرمجاز.
 - پرونده‌های قذف.
 - پرونده‌های قوادی.
 - پرونده‌هایی که مجازات آنها تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیری یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی یا تا یکسال حبس باشد.
 - دعاوی مالی و غیرمالی که مشمول موارد ذکر شده در این دستورالعمل نگردد و جز پرونده‌های ضروری نباشد.
 - و - پرونده‌هایی که ۲۰ سال پس از مختومه شدن قابل امحاء می‌باشد.
 - پرونده‌های فسخ صیغه.
 - پرونده‌های قلع و قمع بنا.
 - پرونده‌های ابطال و اصلاح شناسنامه.
 - پرونده‌های الزام به تنظیم سند رسمی.
 - پرونده‌های تعیین و نصب قیم.
 - پرونده‌های ورشکستگی.
 - ز - پرونده‌هایی که ۳۰ سال پس از مختومه شدن قابل امحاء می‌باشد:
 - پرونده‌های تحریر ترکه.
 - پرونده امور مربوط به غایب مفقودالاثر.
 - کلیه دفاتر مراجع قضایی و شبه قضایی.
- ماده ۷: کلیه سوابق پرونده‌های تجدیدنظر و دیوان عالی کشور حسب مورد تابع مقررات مندرج در مواد ۵ و ۶ می‌باشد.

ماده ۸: در پرونده‌هایی که احکام حقوقی و کیفری توأم صادر شده است، ملاک ضروری و غیرضروری بودن و نیز مدت زمان نگهداری هر دو حکم حداکثر زمانی است که برای نگهداری هریک از پرونده‌های جزایی یا مدنی منظور شده است.

ماده ۹: چنانچه در پرونده‌ای اصل سندی که مورد استناد طرفین قرار گرفته موجود باشد، آن سند به سند الکترونیکی تبدیل و اصل آن مسترد و در صورتی که استرداد ممکن نباشد تا زمان ایجاد شرایط استرداد در آرشیو موقت گنجینه اسناد و کتابخانه ملی نگهداری می‌شود.

فصل چهارم: نحوه تشخیص اسناد و پرونده‌های مهم و ملی قوه قضاییه

ماده ۱۰: اسناد و پرونده‌های مهم و ملی و دارای ارزش آرشیوی به آن دسته از اسناد و پرونده‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها به هر نحو به بحث استیفای حقوق ملت و یا آشکار شدن پاره‌ای از وقایع مهم و ملی کشور کمک شود.

ماده ۱۱: پرونده‌ها و اوراق راجع به مقامات مهم مملکتی، جریانهای سیاسی - اجتماعی و اشخاص مشهور کشوری جزء اسناد مهم و ملی تلقی می‌شوند.

تبصره: اسنادی که در رابطه با هریک از اشخاص و یا جریان‌های مذکور باشد، تمام اوراق و اسناد آن باید به سند الکترونیکی تبدیل شود و هرگاه در سایر پرونده‌ها به مناسبتی سند و یا اسنادی در رابطه با اشخاص و جریانهای مطروحه وجود داشته باشد نیز به نحو فوق عمل خواهد شد.

ماده ۱۲: پرونده‌های مرتبط با حقوق ملت و نهادها و همچنین پرونده‌هایی همانند پرونده‌های انحصار وراثت، سرپرستی، وقف، وصیت و اثبات نسب نیز جز اسناد مهم تلقی شده و در صورت انتقال اسناد مذکور به سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سازمان مذکور موظف است نهایت تلاش را جهت حفظ و نگهداری آنها به عمل آورد.

ماده ۱۳: قوه قضاییه تا هنگام ایجاد شرایط لازم در خود دستگاه، جهت حفظ و صیانت از پرونده‌های مهم و ملی و پس از تبدیل این گونه اسناد به سند الکترونیکی اصل آنها را به سازمان اسناد و کتابخانه ملی (معاونت اسناد) منتقل می‌کند. معاونت مذکور موظف است این گونه پرونده‌ها را در سالن متعلق به قوه قضاییه نگهداری کند و در صورتی که محاکم قضایی تشخیص دادند جهت

رسیدگی به امور قضایی در اختیار داشتن اصل پرونده ضروری است، آن را در اختیار دستگاه قضایی قرار دهد.

ماده ۱۴: در صورتی که پرونده به دلایل مختلف ناخوانا و قابل تشخیص نباشد با تنظیم صورتجلسه امضاء خواهد شد اما اگر پرونده ضروری ولی قابل اسکن نباشد به همان شکل به سازمان اسناد و کتابخانه ملی منتقل خواهد شد.

ماده ۱۵: چنانچه در بایگانی راکد پرونده‌ای بدون دستور قضایی بایگانی شده و مشمول مواعد مرور زمان در قانون گردیده طبق مواد این دستورالعمل اقدام خواهد شد در غیر اینصورت جهت ادامه رسیدگی به مرجع قانونی اعاده می‌گردد.

این اصلاحیه دستورالعمل در چهار فصل، ۱۵ ماده، ۳ تبصره و یک ضمیمه در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۳۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۷ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۸)

بخش چهارم:



آرایه‌های عمومی دیوان عدالت اداری



۱. رأی شماره ۳۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال تبصره یک بند ۳

طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۸۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

تاریخ: ۱۳۸۸/۴/۱۴

شماره دادنامه: ۳۲۷

کلاس پرونده: ۹۹/۸۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای راشد ساوالانیان.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره یک بند ۳ طرح جامع شهر تهران مصوب

۱۳۸۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست و لوایح تکمیلی آن اعلام داشته است، تبصره یک بند ۳ طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۸۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مبنی بر « ملاک تشخیص حقوق مکتسبه، پروانه‌های صادر شده توسط شهرداری تهران تا تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱ می‌باشد.» خلاف موازین شرع است زیرا مالکیت در اسلام محترم و مشروع شمرده شده است و مالکیت و حقوق مکتسبه و قانونی از آن توسط دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۹ به تعاونی مسکن هواپیمایی خدمات ویژه و اعضای آن جهت ساخت و ساز انتقال یافته است و سپس مجلس شورای اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۱ با شش اصلاحیه، قانون اصلاح ماده ۳۳ اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور را به تصویب رسانده و در ۱۳۸۶/۴/۹ پس از ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت توسط مجمع به تصویب رسیده است و در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۱ آیین‌نامه اجرائی آن توسط دولت جمهوری اسلامی ایران ابلاغ گردیده است که در ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرائی فوق اراضی واگذار شده جهت تعاونی‌های مسکن یا بخش خصوصی و غیر دولتی برای امور عام‌المنفعه تا سال ۱۳۷۳ وزارت مسکن و شهرسازی موظف شده است تا نسبت به اعمال تبصره‌های ۵۴ و ۴۶ قوانین بودجه سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ در امور اراضی واگذار شده تعاونی‌های مسکن اقدام نماید و لازم‌الاجراء بودن پرداخت بدهی تعاونی‌ها و همچنین حقوق مکتسبه ناشی از آن یعنی کاربری مسکونی را به اعضا ابلاغ نموده است. ولی متأسفانه شورای اسلامی شهر تهران و وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری در طرح سند رسمی راهبردی و ساختاری جامع تهران مصوب ۱۳۸۶/۹/۵ مطابق تبصره

یک بند ۳ طرح جامع فقط کسانی که از شهرداری‌های وقت تا تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱ مجوز ساخت گرفته‌اند، ملاک دانسته است و صدها و هزاران هکتار و صدها هزار متر از زمینهای خارج از محدوده نسبت به طرح جامع ۵ ساله و طرح جامع ۱۳۴۹ مجوز ساخت گرفته و ساخته‌اند. بنا به مراتب ابطال تبصره یک بند ۳ طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۸۶ مورد تقاضا است. شورای اسلامی شهر تهران در پاسخ شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۶۰/۱۴۰۲ مورخ ۱۳۸۷/۲/۴ اعلام داشته‌اند، در صورتی که موضوع خواست شاکی محدوده شمالی و تعیین ارتفاع ۱۸۰۰ متر شهر تهران باشد به استحضار می‌رساند. ۱- حریم شهر تهران از جمله محدوده شمالی آن و تعیین تراز ۱۸۰۰ متر در پهنه شمالی شهر به موجب مصوبه طرح جامع اول تهران در سال ۱۳۴۹ و طرح جامع دوم در سال ۱۳۷۱ تعیین گردیده است و شورای اسلامی شهر تهران در تصویب آن نقشی نداشته است. ۲- در صورتی که منظور شاکی مصوبه مربوط به پیشنهاد تصویب طرح جامع شهر تهران در سال ۱۳۸۵ باشد به استحضار می‌رساند، در اجرای بند یکم از ماده ۹۹ قانون شهرداری و بر اساس بندهای ۱۱ و ۳۴ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن و بر اساس مطالعات کارشناسی مشاورین، لایحه «مطالعات طرح جامع تهران و ضمیمه» به شورای اسلامی شهر تهران ارائه و پس از بررسی نهائی در طی ۳۵ جلسه و جلسات کمیسیون شهرسازی، فنی و معماری و کمیسیون ویژه شورا در خصوص مورد این لایحه به تصویب نهایی شورای اسلامی شهر تهران رسد و بر مبنای مقررات مندرج در قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شورای اخیرالذکر ارسال گردید تا مورد بررسی و در صورت تایید مورد تصویب نهایی قرار گیرد. با توجه به مراتب فوق بر مبنای بند ۱۱ ماده ۷۱ قانون شوراها، مصوبه شورای اسلامی شهر تهران پس از تایید وزارت کشور و وزارت مسکن و شهرسازی دارای اثر و اعتبار می‌گردد و این مصوبه نهایتاً پس از تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران قابلیت اجرا پیدا خواهد نمود. ۳- شورای اسلامی شهر تهران به هیچ وجه اقدامی در جهت لغو مالکیت نامبرده بعمل نیاورده و حقوق مالکانه ایشان کماکان به قوت خود باقی است. با توجه به مراتب فوق، رد شکایت موضوع دادخواست تقدیمی مورد استدعا است. مدیرکل دفتر حقوقی وزارت مسکن و شهرسازی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷۳۰/۵۸۰۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۶ اعلام داشته‌اند، قابل توضیح است که وزارت مسکن و شهرسازی تنها یکی از چند عضو شورای عالی شهرسازی و معماری است و به تنهایی اختیار قانونی برای اقدام و اخذ تصمیم مغایر بامصوبات این شورا را ندارد. ماده ۱۵ آیین‌نامه

قانون اصلاح ماده ۳۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۸۶ وزیر جهاد کشاورزی از این جهت که تبصره‌های ۵۴ و ۴۶ قوانین بودجه سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ را بعد از انقضاء مدت اعتبار قانونی مصوبات مزبور، مجدداً احیاء و اعتبار قانونی داده است، مغایر با حدود وظایف و اختیارات وزیر جهاد کشاورزی و خلاف قانون است و شاکی نیز با استناد به یک آیین‌نامه مغایر با قانون مدعی حق گردیده است. قانون اصلاح ماده ۳۳ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز هیچ‌گاه در صدد احیاء مجدد تبصره‌های فوق نبوده است. بلکه مصادیق احکام مذکور در تبصره‌ها را در زمان اعتبار همان قوانین معتبر دانسته است. ۳- در خصوص پاسخ شورای نگهبان اولاً شورای مزبور مصوبه شورای عالی شهرسازی را به دلیل مغایرت با آیین‌نامه مصوب وزیر جهاد کشاورزی قابل ابطال دانسته است در حالی که مصوبات شورای عالی شهرسازی از سوی ۱۲ نفر از مسئولین و وزرای دستگاه‌های مختلف تصویب می‌شود که وزیر جهاد کشاورزی تنها یکی از اعضاء آن است، علیهذا نمی‌توان مصوبات مادون را با مصوبات عالی مغایر و قابل ابطال تشخیص داد. ثانیاً، احراز موارد نقض قانون تنها در صلاحیت قضات دیوان است و قانون دیوان عدالت اداری تنها احراز موارد مغایر با شرع با استناد به موازین شرعی را در صلاحیت اعضاء شورای نگهبان دانسته است، لذا رد شکایت مزبور مورد استدعا است. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن موضوع تبصره یک بند ۳ از طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۸۶ طی نامه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۰۵۱ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۳ اعلام داشته‌اند، ظاهراً محدودیت زمانی اخذ پروانه ساختمان به ۱۳۸۵/۱۲/۱ در مصوبه شورای عالی شهرسازی شهر خلاف ماده ۱۵ آیین‌نامه است و از این رو می‌بایست مصوبه شورای شهر ابطال شود. اما این ابطال به فقهای شورای نگهبان ارتباط و نیازی ندارد، ولی چون ابطال حق دیگران را می‌کند خلاف شرع است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به موجب نظریه شماره ۸۷/۳۰/۳۰۰۵۱ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۳ فقهای محترم شورای نگهبان، تبصره یک بند ۳ طرح جامع شهر تهران مصوب ۱۳۸۶ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شرح بین‌الهلالین (ملاک تشخیص حقوق مکتسبه، پروانه‌های صادر شده توسط شهرداری تهران تا

تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱ می‌باشد.) خلاف شرع تشخیص داده شده است. بنابراین مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مادتين يك و ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ تبصره یک بند ۳ مصوبه مذکور ابطال می‌شود.
(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۶ مورخ ۱۳۸۸/۵/۴)

۲. رأی شماره ۳۴۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص اعتراض به رأی هیأت حل

اختلاف اداره کار

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۴/۲۱

شماره دادنامه: ۳۴۲

کلاس پرونده: ۶۱۵/۸۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای سلطان علی شکاری.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۸، ۹، ۱۹، ۲۰ و ۳۳ و شعبه دوم

تشخیص دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه هشتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۶۴۲/۸۷ موضوع شکایت آقای سلطان علی شکاری به طرفیت سازمان کار و امور اجتماعی شمال غرب تهران به خواسته اعتراض به رأی ۲۷۳۶۶ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۱ به شرح دادنامه شماره ۲۱۳۶ مورخ ۱۳۸۷/۱/۳۰ و پرونده کلاس ۵۰۴/۸۷ موضوع شکایت آقای غلامرضا خانی به طرفیت سازمان کار و امور اجتماعی شهرستان ری به خواسته اعتراض به رأی مورخ ۱۳۸۶/۲/۵ هیأت حل اختلاف سازمان موصوف به شرح دادنامه شماره ۴۱۴ مورخ ۱۳۸۷/۱/۳۰ چنین رأی صادر نموده‌اند، نظر به اینکه اولاً کلیه مقررات قانون کار در اصدار رأی معترض‌عنه رعایت گردیده است. ثانیاً، شاکی اعتراض مستدل و موثری که متضمن نقض رأی معترض‌عنه گردد، ارائه ننموده است. ثالثاً، در رأی مذکور حقوق قانونی طرفین پرونده هیأت مورد لحاظ قرار گرفته است. رابعاً، کلیه مقررات شکلی در جریان رسیدگی هیأت صادرکننده رأی رعایت گردیده است. خامساً، رأی مذکور بر مبنای تحقیقات صورت گرفته و با لحاظ دفاعیات طرفین اصدار

گردیده است، علیهذا حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. ب - شعبه نهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه‌های ۲۵۳۸/۸۶ و ۲۵۴۳/۸۶ موضوع شکایت آقایان ۱- غلامرضا فاضلی ۲- وهاب محمدی زرنگی به طرفیت سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران به خواسته اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف به شرح دادنامه‌های شماره ۳۱۹۵ و ۳۲۰۰ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۸ چنین رأی صادر نموده‌اند، با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و مدارک و مستندات ابرازی و ملاحظه جوابیه ارسالی، نظر به اینکه ادله موجهی که موجبات قانونی برای پذیرش ادعای شاکی را فراهم نماید، ارائه و تحصیل نگردیده است، از طرفی تخطی و تخلفی از مقررات و ضوابط مربوط در فعل مشتکی‌عنه مشهود و ملحوظ نمی‌باشد، از این حیث ایرادی بر اقدامات و تصمیمات سازمان طرف شکایت مترتب نیست. لذا دفاعیات واصله را مقرون به صحت تلقی و بنا به مراتب یادشده شکایت مطروحه را غیروارد تشخیص حکم به رد آن صادر و اعلام می‌نماید. ج - شعبه نوزدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۲۰/۸۶ موضوع شکایت آقای حسین علیزاده به طرفیت اداره کار جنوب تهران ری به خواسته اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۵ به شرح دادنامه شماره ۲۰۹۵ مورخ ۱۳۸۷/۶/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه رأی معترض‌عنه براساس محتویات پرونده و سوابق امر و جهات و دلائل مقیده در آن صادر شده‌است و از طرف شاکی، اعتراض موثری نشده و دلیلی که نقض رأی صادره را ایجاب نماید، ارائه نکرده است و بر کیفیت رأی صادره از لحاظ شکلی نیز ایراد و اشکالی ملحوظ نیست، علیهذا شکایت مطروحه غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر می‌شود. د - شعبه بیستم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۷۷۸/۸۶ موضوع شکایت آقای نعمت اله امیرخانی به طرفیت اداره کار تهران به خواسته اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف کار به شرح دادنامه شماره ۲۰۹۰ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۳ چنین رأی صادر نموده است، از آنجا که هیأت حل اختلاف رابطه کاری فیما بین کارگر و کارفرما را منطبق با ذیل ماده ۲۷ قانون کار نموده است و قطع رابطه کاری طرفین را اعلام نموده است که با مطالعه پرونده متشکله در اداره کار دلیلی که این انطباق وضعیت را توجیه نماید، ملاحظه نمی‌گردد، زیرا صدر ماده ۲۷ ترتیبات تذکرات کتبی و سپس اعلام نظر مثبت شورای اعلام کار را ملاک عمل قرار داده است که در مورد شاکی این پرونده تذکرات کتبی که اساس حفظ نظم کارگاه است، وجود ندارد. از طرفی به حکایت محتویات پرونده شغل شاکی

راننده شرکت واحد و تخلف وی را ایجاد بی‌نظمی و اختشاش^۱ قید نموده‌اند، در حالی که به موجب حکم کارگزینی نامبرده فردی کم سواد و کارگر جایگاه سوخت است که به نظر می‌رسد با تذکر کتبی به نامبرده به فرض تخلف از ناحیه وی مشکل حل می‌شده است، علیهذا حکم به ورود شکایت شاکی صادر و اعلام می‌گردد. هـ - شعبه دوم تشخیص دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۹۷/۸۷ موضوع تقاضای اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری توسط احد از قضات شعبه هجدهم نسبت به دادنامه شماره ۱۶۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۱/۳۱ شعبه هجدهم مربوط به شکایت آقای یعقوب سلیمی به طرفیت اداره کار و امور اجتماعی شرق تهران به خواسته اعتراض به حکم رأی هیأت حل اختلاف مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۱ به شرح دادنامه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۱ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه به تصریح حکم مقنن در ماده ۲۷ قانون کار قطع رابطه کاری با ترتیبات خاص پیش‌بینی شده است که از جمله منوط به اعلام نظر نهائی مثبت شورای اسلامی کار می‌باشد که در مورد شاکی این پرونده چنین اعلام نظری وجود ندارد و در لایحه جوابیه سازمان طرف شکایت هیچ دفاعی در قبال ایراد شاکی از این حیث بعمل نیامده است. بنابراین تقاضای اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری از ناحیه قاضی صادرکننده دادنامه شماره ۱۶۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۱/۳۱ شعبه ۱۸ دیوان عدالت اداری منطبق با ضوابط قانونی تشخیص و مستنداً به ماده ۱۰ قانون مرقوم حکم به نقض آن صادر و اعلام می‌دارد. اما در ماهیت امر و با عنایت به مراتب پیش گفته به لحاظ عدم رعایت ترتیبات قانونی ماده ۲۷ قانون کار شکایت شاکی موجه تشخیص و به لحاظ عدم هرگونه دفاع موثر از ناحیه سازمان طرف شکایت حکم به نقض رأی مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۱ هیأت حل اختلاف اداره کار و آموزش فنی و حرفه‌ای شرق تهران و ارجاع به هیأت همعرض را صادر و اعلام می‌دارد. و - شعبه سی‌وسوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۴۳۷/۸۶ موضوع شکایت آقای ابراهیم مددی به طرفیت هیأت حل اختلاف اداره کار شرق تهران به خواسته اعتراض به رأی مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶ هیأت حل اختلاف و درخواست نقض آن به شرح دادنامه شماره ۳۶۳ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به مجموع محتویات اوراق و پرونده ارسالی از اداره کار و ملاحظه اینکه در آراء صادره از هیأت تشخیص و حل اختلاف به مدت سوابق و سنوات کاری شاکی و جزئیات مبلغ تعیین‌شده در رأی

۱. به نظر می‌رسد کلمه «اختشاش» صحیح است.

اشاره نشده و نمایندگان شورای اسلامی شرکت کننده در جلسه از واحد محل کار شاکی نبوده اند، آراء صادره مخدوش و قابل نقض تشخیص گردید. لذا با استناد به مواد یک و ۱۳ و ۱۴ و ۷ قانون دیوان ضمن نقض رأی معترض عنه حکم به ورود شکایت و رسیدگی مجدد در هیأت همعرض با رعایت مفاد این دادنامه و سایر مقررات صادر و اعلام می گردد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه های فوق الذکر محرز به نظر می رسد. ب - طبق ماده ۲۷ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ فسخ قرارداد کار به اراده کارفرما منوط به احراز قصور کارگر مشمول قانون کار در انجام وظایف محوله و یا نقض آیین نامه های انضباطی کارگاه پس از تذکرات کتبی کارفرما و اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار و اخراج کارگر به تجویز ماده ۱۶۵ قانون کار نیز موقوف به احراز علل و جهات موجه بر اساس شرایط و مدارک و مستندات معتبر به تشخیص هیأت حل اختلاف کار است. نظر به اینکه اسناد و مدارک و گزارشات و مفاد لوایح جوابیه و سایر محتویات پرونده های فوق الذکر مفید احراز تحقق و اجتماع شرایط قانونی مذکور نیست، بنابراین آراء مراجع حل اختلاف کار مبنی بر اخراج شاکیان از خدمت به لحاظ عدم رعایت قوانین و مقررات موضوعه در خصوص مورد به تجویز بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ قابل نقض بوده است و دادنامه شماره ۲۰۹۰ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۳ شعبه بیستم و دادنامه شماره ۳۶۳ مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۵ شعبه سی و سوم و دادنامه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۱ شعبه دوم تشخیص دیوان که متضمن این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۶ مورخ ۱۳۸۸/۵/۴)

۳. رأی شماره ۳۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص ابطال بخشنامه شماره ۲۱۱۲۹۸۹/۳۳۲۰۷ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۳ رئیس سازمان امور مالیاتی کشور و رأی شماره ۳۰/۴/۹۹۹۲ مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۶ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۴/۱۴

شماره دادنامه: ۳۲۵

کلاس پرونده: ۷۱۵/۸۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمد مهدی ناظمیان.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲۱۱-۲۹۸۹/۳۳۲۰۷ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۳ رئیس سازمان امور مالیاتی کشور و رأی شماره ۳۰/۴/۹۹۹۲ مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۶ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، مطابق ماده ۷۰ قانون مالیاتهای مستقیم، املاک و اموال و اراضی که به دولت منتقل می‌گردد از معافیت نقل و انتقال به کلی معاف است، شورای عالی مالیاتی در مقابل اعتراض مؤدیان در خصوص ماده ۱۸۷ که به پاسخ استعلام محاضر مالیات اضافی دریافتی را که از ناآگاهی مودی استفاده نموده‌اند، با توجیحات غیر مستدل در مقابل درخواست استرداد مالیات اخذ شده به جای اینکه از میزان مالیاتی بازخواست شود که چرا برخلاف مالیات اخذ نموده‌اند با اظهار اینکه هنگام پرداخت هر چند ناآگاه اما با رضایت بوده و جوه اضافه پرداختی را مجاز به استرداد نمی‌داند، توضیح اینکه شورای عالی مالیاتی معتقد است که مودی با قبول مالیات و پرداخت آن امر مالیاتی مربوطه مختومه تلقی و مجوزی برای طرح مجدد آن در مراجع تشخیص و حل اختلاف، مالیاتی وجود ندارد. جای سوال است که مودی ناآگاه است و ممیز مالیاتی خلاف نموده و به هنگام آگاهی از پرداخت اضافی، تقاضای استرداد مبالغ اضافه پرداختی را می‌نماید و در هیچ یک از مواد ۲۴۲ و ۲۴۳ و همچنین ۱۸۷ منعی برای پرداخت اضافه دریافتی وجود

ندارد، کما اینکه تاکید شده که مسترد گردد. در بخشنامه شماره ۲۹۸۹/۳۳۲۰۷-۲۱۱ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۳ ذکری از مواد ۷۰ و ۱۸۷ نشده لذا ممیزان مالیاتی ربطی به موضوع نمی‌دهند، در حالی که به طور مثال از جمله مواد ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۴۱ و ۱۴۳ است و کلمه غیرمشمول سایر معافیتها در قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه بعدی آن خواهد شد، لذا با تقدیم نظریه شورای عالی مالیاتی و مواد ۷۰ و ۱۸۷ و بخشنامه فوق‌الذکر تقاضای لغو بخشنامه و رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مورد شکایت را که باعث تضییع حقوق آحاد مردم گشته است دارد. مدیرکل دفتر امور حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۱۲/۶۳۲۴۵ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲ اعلام داشته‌اند، الف - برابر تبصره یک ماده ۱۸۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ با اصلاحیه‌های بعدی مقرر گردیده که، « چنانچه میزان مالیات مشخصه مورد اختلاف باشد پرونده امر، خارج از نوبت در مراجع حل اختلاف مالیاتی موضوع این قانون رسیدگی خواهد شد و اگر مؤدی تمایل به اخذ گواهی قبل از رسیدگی و صدور رأی از طرف مراجع حل اختلاف داشته باشد با وصول مالیات مورد قبول مؤدی و اخذ سپرده یا تضمین معتبر... معادل مبلغ مابه اختلاف گواهی انجام معامله صادر خواهد شد.» بنابراین پرداخت مالیات موضوع معاملات املاک در اجرای تبصره یک ماده ۱۸۷ قانون مالیاتهای مستقیم با میل و قبولی مؤدی صورت می‌گیرد و گرنه چنانچه به آن اعتراض می‌داشت با عدم پرداخت مالیات می‌توانست در اجرای صدر تبصره یادشده رسیدگی به اعتراض و اختلاف خود با اداره امور مالیاتی را از هیأت حل اختلاف مالیاتی درخواست نماید. از این رو مؤدی به اختیار و انتخاب خویش، بدون اینکه اعتراض خود را تسلیم کند و پیش از رسیدگی و صدور رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی، با پرداخت مالیاتهای متعلق مربوط به مورد معامله براساس پاراگراف دوم ماده ۱۸۷ قانون یادشده گواهی انجام معامله را از اداره امور مالیاتی دریافت می‌کند. بر همین پایه با توجه به اینکه در ماده ۲۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم مقرر گردیده است، « در صورتی که مؤدی ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ برگ تشخیص مالیات قبولی خود را نسبت به آن کتباً اعلام کند یا مالیات مورد مطالبه را به مأخذ برگ تشخیص پرداخت یا ترتیب پرداخت آن را بدهد یا اختلاف موجود بین خود و اداره امور مالیاتی را به شرح ماده ۲۳۸ این قانون رفع نماید، پرونده امر از لحاظ میزان درآمد مشمول مالیات مختومه تلقی می‌گردد...» بنابراین هنگامی که مؤدی در اجرای تبصره یک ماده ۱۸۷ قانون یادشده به قبولی مالیات و پرداخت آن اقدام می‌کند، قانوناً موضوع مشمول اصل حقوقی - مالیاتی « امر مختومه» قرار می‌گیرد و پس از پرداخت مالیات مورد قبول

خود، استناد مؤدی به ماده ۷۰ قانون مالیاتهای مستقیم با توجه به صراحت ماده ۲۳۹ همین قانون مسموع نبوده، دارای «اعتبار امر مختومه مالیاتی» می‌باشد. ب - از آنجا که مؤدی بدون اعتراض و با میل و قبولی خود به پرداخت مالیات برابر ماده ۱۸۷ قانون مالیاتهای مستقیم اقدام می‌کند و ظرف مهلت قانونی، اعتراضی نیز به هیأت حل اختلاف مالیاتی تسلیم نمی‌کند، برای جلوگیری از اتخاذ رویه‌های مختلف در ادارات امور مالیاتی، هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی با توجه به صراحت مواد ۱۸۷ و ۲۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم و در حدود اختیارات قانونی حاصل از مواد ۲۵۵ و ۲۵۸ قانون پیش گفته، به صدور رأی وحدت رویه به شماره ۳۰/۴/۹۹۹۲ مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۶ اقدام و برابر آن، اکثریت اعضای هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی اعلام داشته‌اند، «... در مواردی که مؤدی بدون اقامه ایراد و اعتراضی نسبت به مالیات مورد گزارش ممیز و سرممیز مالیاتی، آن را پرداخت و با دریافت گواهی انجام معامله نسبت به انتقال ملک اقدام می‌نمایند، با قبول مالیات و پرداخت آن... امر مالیاتی مربوط، مختومه تلقی و مجوزی برای طرح مجدد آن در مراجع تشخیص و حل اختلاف مالیاتی وجود ندارد.» پس از قبولی مؤدی و پرداخت مالیات تشخیص داده شده و عدم اعتراض مؤدی در مهلت قانونی با استناد به صراحت مواد ۲۳۹ و ۱۸۷ قانون مالیاتهای مستقیم موضوع دارای «اعتبار امر مختومه مالیاتی» به شمار آمده، استناد مؤدی به مواد ۷۰ و ۲۴۳ قانون مالیاتهای مستقیم به خواسته استرداد مالیات پرداختی که قبلاً مورد قبول وی قرار گرفته و پرونده مشمول «امر مختومه مالیاتی» قرار گرفته است، فاقد پایگاه حقوقی و قانونی می‌باشد. ج - نظر به اینکه مستند به مواد ۲۳۹، ۱۸۷، ۲۵۵ و ۲۵۸ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ با اصلاحیه‌های بعدی مدلول رأی وحدت رویه شماره ۳۰/۴/۹۹۹۲ مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۶ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مخالف قانون نبوده و در حیطه صلاحیت شورای عالی مالیاتی صادر گردیده و از اختیارات قانونی آن سوء استفاده یا تجاوزی صورت نگرفته و کاملاً در اجرای وظایف قانونی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی صادر گردیده است، با استناد به مواد قانونی یاد شده و ماده ۱۹ (بند یک) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، رد شکایت شاکی را درخواست می‌نماید. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به صراحت ماده ۲۴۲ قانون مالیاتهای مستقیم در صورت وقوع اشتباه در محاسبه و دریافت مالیات اضافه و همچنین در مواردی که طبق قانون مزبور مالیاتی قابل استرداد باشد، مسئولین ذیربط مندرج در ماده مذکور مکلفند گزارشی متضمن جهات قانونی و تعیین رقم قطعی مالیات و مالیات پرداختی و مبلغ اضافه دریافتی تهیه و تنظیم نمایند و پس از تایید مقامات ذیصلاح، برگ استرداد مالیات اضافی صادر و یک نسخه از آن را تسلیم مؤدی و نسخه دیگر را به اداره امور اقتصادی و دارایی مربوط ارسال نمایند تا وجه آن را از محل وصولی جاری ظرف یک ماه به مؤدی بپردازد. نظر به اینکه مندرجات رأی شماره ۳۰/۴/۹۹۹۲ مورخ ۱۳۷۶/۹/۲۶ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی و همچنین بخشنامه شماره ۲۹۸۹/۳۳۲۰۷-۲۱۱ مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۳ سازمان امور مالیاتی کشور مفید اتخاذ رویه و ترتیبی خلاف هدف و حکم صریح مقنن در باب ضرورت استرداد مالیاتی است که در نتیجه اشتباه محاسبه، اضافه دریافت شده و یا به هر تقدیر باید مسترد شود، بنابراین رأی و بخشنامه مذکور مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شوند.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۶)

۴. رأی شماره ۳۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص استخدام رسمی مربیان

کودک شاغل در آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران

تاریخ: ۱۳۸۸/۴/۱۴

شماره دادنامه: ۳۲۶

کلاس پرونده: ۷۳۶/۸۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم مریم احمدی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۳ و ۱۰ دیوان عدالت اداری. مقدمه: الف - شعبه دهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه‌های ۳۱۸۹/۸۷ و ۳۱۹۰/۸۷ و ۳۲۱۸/۸۷ موضوع شکایت خانمها فاطمه نورمحمدی، خانم مریم احمدی و اکرم سمیعی به طرفیت

سازمان آموزش و پرورش استان تهران به خواسته تبدیل وضعیت به استخدام رسمی به شرح دادنامه شماره‌های ۳۶۱۲ و ۳۶۱۳ و ۳۶۱۷ مورخ ۱۳۸۷/۷/۳۰ چنین رأی صادر نموده‌اند، با توجه به محتوای پرونده و مدارک ارسالی شاکی از جمله مدرک استخدامی و تحصیلی آنها و مقررات تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۶/۲۸۲ مورخ ۱۳۶۷/۴/۲۰ هیأت وزیران و رأی وحدت رویه شماره ۲۴۴ مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از آنجائی که شکات فاقد شرایط مقرر در مصوبه مذکور هیأت دولت و رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌باشند شکایت آنها را^۱ غیر وارد و حکم به رد آنها صادر می‌گردد. ب - شعبه سوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۸۹/۸۷ موضوع شکایت خانم رباب اسماعیلی به طرفیت سازمان آموزش و پرورش شهرستانهای تهران به خواسته الزام به تبدیل وضع استخدامی به شرح دادنامه شماره ۹۵۶ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۱ چنین رأی صادر نموده است، با بررسی مجموع اوراق پرونده اعم از مشروح مراتب مندرج در دادخواست تقدیمی شاکی و ضامم مربوطه و ملاحظه لایحه جوابیه واصله از سازمان مشتکی‌عنه مثبت به شماره ۱۲۱۷ مورخ ۱۳۸۷/۵/۱ نظر به سابقه طولانی شاکی با سازمان آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۸ تاکنون با تدریس در حد ساعات ۱۸ ساعت در هفته و با توجه به اشتغال وی در سالهای مورد نظر قانونگذار و عنایتاً به اینکه واحد مشتکی‌عنه در لایحه جوابیه به ذیحق بودن شاکی و استحقاق وی اذعان و اعتراض نموده و مدارک مربوط به شاکی را جهت حل مشکل وی به سازمان آموزش و پرورش شهرستانهای تهران ارسال نموده است، لذا با احراز استحقاق شاکی و موجه دانستن شکایت وی حکم به ورود آن و الزام واحد طرف شکایت به تبدیل وضعیت وی از حق التدریسی به رسمی با رعایت سایر شرایط و ضوابط مربوطه صادر و اعلام می‌نماید. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق الذکر محرز به نظر میرسد. ب - با توجه به تبصره ماده واحده قانون بکارگیری معلمان حق التدریس بر اساس قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی،

۱. به نظر می‌رسد کلمه «را» زاید است.

اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ در خصوص جواز استخدام رسمی یک هزار نفر از مربیان کودک واجد شرایط با رعایت اولویت از حیث سابقه خدمت و بدون آزمون و عنایت به مدت سابقه خدمت شاکیان و مفاد بخشنامه شماره ۷۱۰/۷۲۵۳۵/۲۲ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۴ مدیر کل امور اداری وزارت آموزش و پرورش مبنی بر اخذ مجوز از معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری به تعداد ۲۸۲ ردیف به منظور استخدام رسمی مربیان کودک شاغل در آموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران، شکایت شاکیان مشعر بر استخدام رسمی آنان در حد تعداد مقرر در تبصره ۵ ماده واحده قانون فوق‌الذکر وارد است و دادنامه شماره ۹۵۶ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۱ شعبه سوم دیوان در این حد صحیح و موافق قانون می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۶)

۵. رأی شماره ۳۳۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص اعتراض به آراء قطعی

هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۴/۲۱

شماره دادنامه: ۳۳۹

کلاس پرونده: ۲۹۱/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: دفتر هماهنگی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری وزارت جهاد کشاورزی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۶، ۱۵، ۲۲ و ۲۳ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه بیست و دوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه‌های ۱۲۱۷/۸۵ و ۱۰۰/۸۶ موضوع شکایت آقای محمد کریمی افشار به طرفیت تخلفات اداری وزارت جهاد کشاورزی به خواسته صدور دستور موقت و نقض رأی به شرح دادنامه‌های شماره ۱۱۲۶-۱۱۲۵ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸ چنین رأی صادر نموده است، مشتکی‌عنه پاسخ داده است، رسیدگی وفق مقررات قانونی

انجام و با رعایت ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرائی قانون مرقوم با ملاحظه آثار سوء اجتماعی و اداری حداقل مجازات اعمال شده است، تقاضای رد شکایت را دارند، علیهذا قطع نظر از اینکه در رسیدگی‌های معموله ایراد قانونی مشهود نیست، اما با التفات به پست شاکی که در زمان صدور رأی از مشاغل مدیریتی و حساس بوده است در صورت اعمال مجازات تعیین شده منجر به اعمال دو مجازات خواهد شد (تنزل مقام و محرومیت از ...) و اعمال دو مجازات برخلاف مفاد تبصره ۴ ماده ۹ همان قانون می‌باشد. شکایت از این حیث وارد تشخیص و به استناد مواد مرقوم و مواد ۷ و ۲۲ از قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم بر نقض رأی معترض‌عنه جهت رسیدگی مجدد در شعبه همعرض صادر و اعلام می‌گردد. ب - شعبه ششم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۰۴/۷۶ موضوع شکایت آقای غلامحسین کروژدهی به طرفیت وزارت جهاد کشاورزی، هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری به خواسته اعتراض به رأی شماره ۱/۷۶/د مورخ ۱۳۷۶/۲/۱۶ به شرح دادنامه شماره ۲۳۸ مورخ ۱۳۷۷/۲/۲۴ چنین رأی صادر نموده است، حسب محتویات پرونده دلایل و مستندات مربوطه به موجب نامه شماره ۳۴۳۲/هـ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۱ مراتب به هیأت بدوی اعلام و درخواست رسیدگی بعمل آمده است. هیأت وارد رسیدگی‌شده از متهم تحقیقات مفصل بعمل آمده و نامبرده در مراحل مختلف تحقیق به اتهامات وارده اعتراف نموده است. با توجه به اینکه از ناحیه شاکی اعتراض موجه و موثری مطرح نگردیده و ایراد و اشکالی در رسیدگی و اقدامات سازمان مشتکی‌عنه مشهود نیست فلذا اعتراض شاکی غیر وارد تشخیص و رأی به رد شکایت وی صادر و اعلام می‌گردد. ج - شعبه پانزدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۴۰۱/۸۳ موضوع شکایت آقای علی زمانیان بهاباوی به طرفیت هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان جهاد کشاورزی به خواسته اعتراض و نقض رأی مورخ ۴۵۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲ صادره از هیأت مشتکی‌عنه به شرح دادنامه شماره ۲۳۹۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، شعبه دیوان با لحاظ مقررات تبصره یک ماده ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که تنها رسیدگی شکلی را برای این مرجع تجویز نموده مالا با ملاحظه و مذاقه در شرح وقایع رسیدگی‌های معموله و اینکه شاکی در هیأت بدوی دفاعیات خویش را معروض داشته و احراز نوع تخلف و تطبیق آن با مقررات قانونی استنادی بر عهده هیأت‌های موصوف است و از حیث استدلال و استناد قانونی نیز براساس گزارشات سازمان بازرسی کل کشور تخلفات انتسابی وی مدلل و ثابت گردیده در نتیجه چون از جانب شاکی ایراد موثر و موجهی که باعث گسیختن رأی معترض‌عنه باشد ارائه و ابراز نگردیده و به رسیدگی‌های شکلی هیأت صادر کننده رأی معترض علیه

نیز وجود نقص یا ایرادی که متضمن مخدوش بودن آن باشد، مشهود نبوده فلذا شکایت و اعتراض شاکی به شرح فوق‌الاشعار ناموجه و غیر وارد تشخیص و با عدم احراز نقض قوانین و مقررات در مبانی رأی موضوع خواسته مستنداً به مفهوم مخالف مستنبط از بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت مطروحه صادر و اعلام می‌دارد. د - شعبه بیست و سوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۵۱/۸۱ موضوع شکایت آقای نورالدین مولوی به طرفیت هیأت رسیدگی به تخلفات اداری وزارت جهاد کشاورزی به خواسته اعتراض به رأی شعبه دوم هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت جهاد کشاورزی به تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۰ به شرح دادنامه شماره ۱۴۶۵ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۹ چنین رأی صادر نموده است، شعبه دوم هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت جهاد کشاورزی شاکی را به اتهام کم‌کاری یا سهل انگاری در انجام وظیفه به استناد بند ۱۴ ماده ۸ و بند (و) ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات محرومیت از انتصاب به پیشنهاد حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی محکوم نموده که مورد اعتراض وی قرار گرفته و مدعی شده که هیأت رسیدگی به تخلفات برای رسیدگی به تخلف وی می‌بایست به لحاظ اینکه نامبرده از مدیران وزارتخانه بوده با دستور وزیر مربوطه اقدام به رسیدگی می نمود در حالی که وزیر کشاورزی وقت چنین دستوری صادر ننموده است. خوانده در پاسخ قید نموده که وزیر وقت کشاورزی صراحتاً دستور رسیدگی به تخلفات شاکی را صادر نموده و ادعای وی محکوم به رد می‌باشد. نظر به محتویات پرونده و بررسی سوابق ارسالی از آنجائی که در برگ ۲۳۸ سوابق وزیر وقت کشاورزی دستور رسیدگی به تخلفات شاکی را در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری صادر نموده‌اند و هیأت نیز طبق موازین قانونی مبادرت به انشاء رأی نموده و هیچ‌گونه تخطی از قانون در روند رسیدگی مشاهده نگردید.^۱ لذا به استناد ماده ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری شکایت مطروحه را وارد تشخیص نداده و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

۱. به نظر می‌رسد نقطه زاید است.

رای هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - علاوه بر اینکه آراء قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در مورد کارمندان متخلف متضمن محکومیت اداری آنان به محرومیت از انتصاب به مشاغل حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی بوده است و از این حیث ایرادی بر آراء مذکور وارد نیست، اساساً اعمال مجازات مذکور به تجویز بند (و) ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری درباره متصدیان مشاغل حساس و مدیریتی الزاماً مستلزم تغییر سمت و انتصاب آنان به مشاغل غیرحساس و غیرمدیریتی در دستگاه‌های دولتی است. بنابراین دادنامه شماره ۲۳۸ مورخ ۱۳۷۷/۲/۲۴ و دادنامه شماره ۲۳۹۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۷ و دادنامه شماره ۱۴۶۵ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۹ شعب ۶، ۱۵ و ۲۳ دیوان مبنی بر رد شکایت و اعتراض شاکیان نسبت به آراء قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری صحیح و موافق قانون است. این رای به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۶)

۶. رای شماره ۳۴۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص اعتراض به رای هیأت حل

اختلاف اداره کار و امور اجتماعی

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۴/۲۱

شماره دادنامه: ۳۴۰

کلاس پرونده: ۲۹۲/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای حسن دریا نورد.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب چهاردهم و دوازدهم

تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه چهاردهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۶۱۰/۸۳ موضوع شکایت

آقای پرویز خاموشی به طرفیت هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ساوجبلاغ به

خواسته نقض رأی مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۴ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه رأی معترض عنه بر مبنای گزارش مورخ ۱۳۸۲/۶/۹ بازرسان کار صادر که این گزارش مشعر بر عدم سوددهی و صرفه اقتصادی نداشتن واحد ریخته‌گری و موجه بودن تعطیل شدن واحد مذکور به منظور جلوگیری از افزایش بدهی بیشتر و حفظ تداوم اشتغال کارگران سایر قسمتها می‌باشد و با تعطیل شدن واحد یاد شده به خدمت کارگران آن خاتمه داده شده است و نظر به اینکه اقدام به آگهی استخدام واحد مذکور در سال ۱۳۸۳ به معنی فعال بودن آن در سال خاتمه خدمت که سال ۱۳۸۲ بوده نمی‌باشد و از آنجا که رسیدگی و انشاء رأی معترض عنه متضمن نقض قوانین و تخلف از مقررات نمی‌باشد و ایراد موثری هم در امر رسیدگی ملاحظه نگردید، بنابراین دادخواست اعتراض مطروحه غیر موجه تشخیص و قرار رد آن صادر و اعلام می‌شود. ب - شعبه دوازدهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۱۷/۸۴ موضوع تجدیدنظر خواهی آقای پرویز خاموشی نسبت به دادنامه شماره ۱۵۰ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۳ به شرح دادنامه شماره ۱۲۴۷ مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۵ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به اوراق و مستندات و مدارک پرونده مخصوصاً گزارش بازرسان مربوطه که مشعر به عدم سوددهی و بالا آوردن بدهی زیاد و وارد شدن خسارات به کارگاه که مستند اصلی صدور آراء قرار گرفته علی فرض صحت آن که خسارات و بدهی خارج از اختیار و میل کارفرما بوجود آمد مشابه خسارات دارد^۱ و تعطیلی کارگاه در اثر قوه قهریه یا حوادث غیر قابل پیش‌بینی شده و نظایر آنها که مشمول و مصداق ماده ۳۰ قانون کار مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۷ می‌باشد با تسری ملاک پس از فعالیت مجدد کارگاه کارفرما مکلف است، کارگران بیکار شده را در همان واحدبازسازی شده و مشاغلی که در آن بوجود می‌آید به کار اصلی به گمارد. بنا به مراتب مارالبیان مدارک و دلائل قوی بر اخراج کارگران پس از بازسازی کارگاه به نظر نمی‌رسد و لذا اعتراض تجدیدنظرخواه نسبت به دادنامه تجدیدنظر خواسته وارد تشخیص داده شد، ضمن فسخ و نقض دادنامه شماره ۱۵۰ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۳ اصدار یافته از شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری و نقض رأی مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۲ هیأت حل اختلاف اداره کل کار و امور اجتماعی شهرستان ساوجبلاغ حکم به ورود شکایت شاکی صادر می‌گردد. ج - شعبه چهاردهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۲۴/۸۳ موضوع شکایت آقای حسن دریانورد لنگرودی به طرفیت هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ساوجبلاغ به خواسته نقض رأی مورخ

۱ . جمله نامفهوم است، به نظر می‌رسد «خسارت وارده» مورد نظر بوده است.

۱۳۸۲/۶/۲۴ به شرح دادنامه شماره ۱۳۶ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۳ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه رأی معترض‌عنه بر مبنای گزارش مورخ ۱۳۸۲/۶/۹ بازرسان کار صادر که این گزارش مشعر بر عدم سوددهی و صرفه اقتصادی نداشتن واحد ریخته‌گری و موجه بودن تعطیل شدن واحد مذکور به منظور جلوگیری از افزایش بدهی بیشتر و حفظ تداوم اشتغال کارگران سایر قسمتها می‌باشد و با تعطیل شدن واحد یادشده به خدمت کارگران آن خاتمه داده شده است و نظر به اینکه اقدام به آگهی استخدام واحد مذکور در سال ۱۳۸۳ به معنی فعال بودن آن در سال خاتمه خدمت که سال ۱۳۸۲ بوده نمی‌باشد و از آنجا که رسیدگی و انشاء رأی معترض‌عنه متضمن نقض قوانین و تخلف از مقررات نمی‌باشد و ایراد مؤثری هم در امر رسیدگی ملاحظه نگردید، بنابراین دادخواست اعتراض مطروحه غیر موجه تشخیص و قرار رد آن صادر و اعلام می‌شود. د - شعبه دوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۲۲/۸۴ موضوع تجدیدنظرخواهی آقای حسن دریانورد لنگرودی نسبت به دادنامه شماره ۱۳۶ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۳ به شرح دادنامه شماره ۱۲۱۵ مورخ ۱۳۸۴/۷/۱۶ چنین رأی صادر نموده است، نظربه اینکه دادنامه تجدیدنظرخواسته بر اساس محتویات پرونده و سوابق امر و جهات و دلائل مقیده در آن صادر گردیده و از طرف تجدیدنظرخواه اعتراض مؤثری که مورد امعان نظر قرار گیرد به عمل نیامده و دلیلی که فسخ رأی صادره را ایجاب نماید ارائه نگردیده است. علیهذا دادنامه تجدیدنظر خواسته خالی از اشکال تشخیص و با رد اعتراض تایید می‌شود. ه - شعبه چهاردهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۳۳/۸۳ موضوع شکایت آقای ابوالفضل ساسانی نژاد به طرفیت هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ساوجبلاغ به خواسته نقض رأی مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۴ به شرح دادنامه شماره ۱۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۳ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه رأی معترض‌عنه بر مبنای گزارش مورخ ۱۳۸۲/۶/۹ بازرسان کار صادر که این گزارش مشعر بر عدم سوددهی و صرفه اقتصادی نداشتن واحد ریخته‌گری و موجه بودن تعطیل شدن واحد مذکور به منظور جلوگیری از افزایش بدهی بیشتر و حفظ تداوم اشتغال کارگران سایر قسمتها می‌باشد و با تعطیل شدن واحد یاد شده به خدمت کارگران آن خاتمه داده شده است و نظر به اینکه اقدام به آگهی استخدام واحد مذکور در سال ۱۳۸۳ به معنی فعال بودن آن در سال خاتمه خدمت که سال ۱۳۸۲ بوده نمی‌باشد و از آنجا که رسیدگی انشاء رأی معترض‌عنه متضمن نقض قوانین و تخلف از مقررات نمی‌باشد و ایراد مؤثری هم در امر رسیدگی ملاحظه نگردید، بنابراین دادخواست اعتراض مطروحه غیرموجه تشخیص و قرار رد آن صادر و اعلام می‌شود. و - شعبه دوازدهم تجدیدنظر در رسیدگی به

پرونده کلاسه ۳۱۹/۸۴ موضوع تجدیدنظرخواهی آقای ابوالفضل ساسانی نژاد نسبت به دادنامه شماره ۱۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۳ به شرح دادنامه شماره ۱۲۱۷ مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۴ چنین رأی صادر نموده است، با مذاقه نظر به اوراق و مستندات و مدارک پرونده مخصوصاً گزارش بازرسان مربوطه که مشعر بر عدم سوددهی و بالا آوردن بدهی و وارد شدن خسارات به کارگاه و عدم صرفه اقتصادی که مستند اصلی صدور آراء قرار گرفته است، علی فرض صحت مفاد آن که خسارات و بدهی خارج از اختیار و میل کارفرما و کارگران بوجود آمد مشابه خسارات وارده و تعطیل شدن شرکت در اثر قوه قهریه با حوادث غیر قابل پیش‌بینی شده مثل (زلزله و جنگ) و نظایر آنها که مشمول و مصداق ماده ۳۰ قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۷ می‌باشد با وحدت ملاک پس از فعالیت مجدد کارگاه، کارفرما مکلف است کارگران بیکار شده را در همان واحد بازرسی شده و مشاغلی که در آن به وجود می‌آید به کار اصلی به گمارد. بنابه مراتب مارالبیان دلائل و مدارک قوی بر اخراج کارگر پس از بازسازی کارگاه به نظر نمی‌رسد و لذا اعتراض تجدیدنظر خواه نسبت به دادنامه شماره ۱۲۷ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۳ اصدار یافته از شعبه چهاردهم دیوان عدالت اداری وارد تشخیص داده شده و لذا ضمن فسخ دادنامه فوق‌الاشاره و نقض رأی مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۴ هیأت حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ساوجبلاغ حکم به ورود شکایت شاکی صادر می‌گردد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - محتویات پرونده‌های فوق‌الذکر به ویژه نظر بازرسان اعزامی اداره کار و امور اجتماعی مؤید تعطیل کارگاه ریخته‌گری به دلیل عدم سوددهی آن است. بنابه مراتب فوق‌الذکر و عنایت به صلاحیت و اختیار هیأت حل اختلاف کار در خصوص تشخیص موجه بودن قطع رابطه همکاری بین کارگر و کارفرما با رعایت علل و جهات معتبر دادنامه شماره ۱۳۶ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۳ شعبه چهاردهم بدوی دیوان مشعر بر رد اعتراض کارگر شاکی نسبت به رأی هیأت حل اختلاف که به شرح دادنامه شماره ۱۲۱۵ مورخ ۱۳۸۴/۷/۱۶ شعبه دوم تجدیدنظر آن دیوان تایید شده و قطعیت یافته است موافق اصول و موازین قانونی می‌باشد.

این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.
(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۶)

۷. رأی شماره ۳۴۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص عدم امکان الزام شهرداری

به صدور پایان کار تجاری برای گرمابه عمومی

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۴/۲۱

شماره دادنامه: ۳۴۳

کلاس پرونده: ۲۹۵/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محمدتقی مقیسه بوکالت^۱ از آقای عبدالله فتح اله زاده نور.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲۷ و ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه بیست و هفتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۶۱۶/۸۶ موضوع شکایت آقای عبدالله فتح‌اله‌زاده‌نور به طرفیت شهرداری منطقه ۹ تهران به خواسته ابطال پایانکار شماره ۹۲۰۲۴۱۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲ و الزام به صدور پایانکار تجاری جهت گرمابه عمومی واقع در پلاک ثبتی ۱۲۰۵۷، ۱۲۰۵۶، ۱۲۰۵۴، ۱۲۰۵۳ / ۲۳۹۵ به شرح دادنامه شماره ۲۹۳۸ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۸ چنین رأی صادر نموده است، در خصوص دادخواست تقدیمی با توجه به محتویات پرونده و پاسخ خوانده و عدم احراز سابقه تجاری در ملک متنازع فیه و پروانه کسب و دادنامه صادره از شعبه‌های دیوان عدالت اداری نمی‌تواند دلیل بر تجاری بودن ملک مزبور باشد و ملاحظه سابقه و نظر به اینکه نامبرده اعتراض موثر و موجهی که اقدام خوانده را مخدوش سازد، بعمل نیاورده و همچنین تخلفی از مقررات در رسیدگی و عملکرد ثابت به نظر نمی‌رسد، بنابراین موجبی جهت اجابت خواسته وی وجود ندارد. علیهذا به استناد مواد ۷ و ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۳/۹ و ماده ۲

۱. به وکالت.

قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ و مراتب فوق حکم به رد شکایت صادر می‌گردد. ب - شعبه سوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۵۵/۸۱ موضوع شکایت اتحادیه صنف گرمابه داران و سونای خشک و بخار تهران به طرفیت شهرداری تهران به خواسته حکم به ابطال کلیه تصمیمات و اقدامات شهرداری دائر بر غیرتجاری شناختن گرمابه‌ها به شرح دادنامه شماره ۹۵۹ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۲ چنین رأی صادر نموده است، اولاً گرمابه‌های عمومی موجود همگی قدیمی بوده و قبل از تصویب طرح جامع مورد استناد شهرداری به عنوان محل کسب دائر بوده و با ارائه خدمات ممر درآمد و اعاشه مالکان آن بوده است و از آنجا که تصویب مقررات لاحق قانوناً و شرعاً نمی‌تواند مخل حقوق مکتسبه سابق باشد، لذا وجود طرح جامع مانعی برای به رسمیت شناختن حقوق حقه گرمابه‌داران نمی‌باشد. ثانیاً مراجع قانونی اعم از قضائی و مالیاتی و سایر سازمانها و ادارات ذیربط محل گرمابه‌های عمومی را تجاری محسوب احکام قضائی اتخاذ تصمیم مغایر دوگانگی در تصمیمات دولتی و عمومی است و قابل پذیرش نمی‌باشد. ثالثاً با ملاحظه دقیق طرح جامع ارائه شده از طرف شهرداری هیچ‌گونه منعی برای احداث محل تجاری در استفاده‌های مجاز در حد شهرهای مسکونی به نظر نمی‌رسد، خصوصاً اینکه در طرح مذکور استفاده‌های مجاز به دو دسته مسکونی و غیرمسکونی تقسیم شده و در احتساب ساختمانهای غیرمسکونی نیز می‌بایست بهداشتی و صنعتی و تجاری صراحتاً اشاره شده و مجاز شناخته می‌شدند، فلذا صدور پروانه تجاری در هدفهای مسکونی نیز مغایر با طرح جامع مورد استناد نیست. رابعاً تغییر شغل گرمابه‌داران عمومی در شرایط زمانی و مکانی موجود عملاً اجباری و خارج از حدود تصمیمات و اختیارات مالکین آنها است چون با تصمیم شهرداری حقوق مکتسبه اشخاص لحاظ نگردیده و موجب خسارات غیرقابل جبرانی برای قشری از طبقات زحمتکش جامعه خواهد شد و خواسته آنها نیز هیچ‌گونه مغایرتی و یا تضادی با قوانین موجود ندارد، فلذا شکایت مطروحه فوق وارد تشخیص و رأی به ورود شکایت و ابطال کلیه تصمیمات و اقدامات شهرداری دائر بر غیرتجاری شناختن محل گرمابه‌های عمومی صادر و اعلام می‌گردد. ج - شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۸۴/۸۲ موضوع تجدیدنظر خواهی شهرداری تهران نسبت به دادنامه شماره ۹۵۹ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۲ به شرح دادنامه شماره ۴۷۱ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۳ چنین رأی صادر نموده است، صرفنظر از اینکه توصیف کاربریهای تجاری واحدهای کسبی به نحوی که در مکاتبات شهرداری بدان اشاره می‌شود در تعریف قانونی مواد یک و ۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ در رابطه با تاجر و واحد تجاری

نمی‌گنجد، معذک نظر به اینکه شهرداری عمدتاً کلیه واحدهای کسبی و صنفی موضوع ماده ۳ قانون نظام صنفی را که با اجازه شهرداری و یا توسط مالک قبل از مرداد ماه ۱۳۵۲ تاسیس شده باشد را تجاری معرفی می‌نماید و نظر به اینکه بر طبق بند ۴ از ماده ۴ قانون نظام صنفی آن دسته از صنفی که با فعالیت‌های خود قسمتی از نیازهای جامعه را تامین نموده و این فعالیت در زمینه تبدیل مواد به فرآورده و با خدمات فنی نباشد، صنف خدماتی نامیده می‌شود و گرمابه‌داران نیز در تعریف بند ۴ از ماده ۴ قانون نظام صنفی قرار دارند و صدور پروانه کسب از اتحادیه مربوطه و نظارت قانون هیأت‌های نظارت صنفی و سایر مراجع قانونی مقرر در قانون نظام صنفی نیز موید این امر است که گرمابه‌داران با ارائه خدمات در توصیف ماده ۲ قانون نظام صنفی قرار داشته و همانگونه که محل اشتغال سایر واحدهای کسبی و صنفی و مشاغل و حرف عرفاً در تعریف کاربری تجاری قرار می‌گیرند محل گرمابه نیز به اعتبار محل کسب درآمد صاحب گرمابه و یا دارنده حقوق و کسب و پیشه آن تجاری محسوب خواهد شد. بنابراین منظور نمودن کاربری بهداشتی و یا مسکونی و غیر آن از طرف شهرداری برای محل گرمابه فاقد هرگونه توجیه قانونی و عرفی است، لذا با رد تقاضای تجدیدنظر خواه دادنامه شماره ۹۵۹ مورخ ۱۳۸۲/۴/۲۲ صادره از شعبه سوم دیوان عدالت اداری که مفید مفاهیم قانونی فوق است، تایید و استوار می‌گردد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - حکم مقرر در ماده ۲ قانون تجارت در باب احصاء انواع معاملات تجاری و مدلول مادتين ۲ و ۴ قانون نظام صنفی کشور در مقام تعریف فرد صنفی و انواع صنوف مشمول قانون مزبور، مفید وجوه افتراق و تمایز عملیات تجاری و اقدامات خدماتی از یکدیگر و آثار و تبعات قانونی خاص مترتب بر هر یک از امور فوق‌الذکر است. نظر به اینکه تأسیس گرمابه و اداره آن حسب مقررات مذکور واجد ماهیت و خصوصیات امور تجاری نیست و از نوع امور خدماتی محسوب می‌شود، بنابر این دادنامه شماره ۲۹۳۸ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۸ شعبه بیست و هفتم دیوان مبنی بر رد شکایت شاکی به خواسته الزام شهرداری به صدور پایان کار تجاری

برای گرمابه عمومی صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است. (نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۶)

۸. رأی شماره ۳۴۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال مصوبه جلسه شماره

۱۸۹۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ شورای اسلامی شهر قائم شهر

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۴/۲۱

شماره دادنامه: ۳۴۴

کلاس پرونده: ۲۹۱/۸۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: بانک صادرات استان مازندران.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه جلسه شماره ۱۸۹۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ شورای

اسلامی شهر قائم شهر .

مقدمه: وکیل شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، شهرداری قائم شهر بر اساس اطلاعیه صادره و ردیف ۱۶۹ و ۱۷۰ آن مبادرت به تعیین مبالغی به عنوان عوارض بانکها و شعب مرکزی نموده است و ضمن آن اعلام داشته در صورت عدم پرداخت، پرونده به کمیسیون مقرر در ماده ۷۷ شهرداری احاله که نهایتاً به موجب صورتجلسه مورخ ۱۳۸۶/۹/۷ کمیسیون مزبور با استناد به مصوبه شماره ۱۸۹۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ شورای اسلامی قائم شهر این بانک را به پرداخت مبالغی بابت عوارض شعب این بانکها در شهرستان قائم شهر مربوط به سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۵ محکوم نموده است. نظر به اینکه بانکها مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۳۷۹ جزء بخشهای دولتی بوده بنابراین پرداخت هرگونه وجهی به عنوان مالیات، عوارض و غیره از طرف بانکها نیاز به نص صریح مقررات قانونی دارد و بر اساس ماده ۳۰ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین سال ۱۳۷۳ وضع عوارض جدید و افزایش عوارض موجود صرفاً با پیشنهاد وزیر کشور و تصویب رئیس جمهور خواهد بود و بانکها نیز به استناد ابلاغیه ریاست جمهوری به شماره ۴۶۳۷۷ مورخ ۱۳۷۳/۳/۲۴ عوارضی

معادل ۳ درصد درآمد به عنوان مالیات قطعی در هر سال پرداخت می‌کنند. بنابراین پرداخت مازاد بر آن با توجه به نامه شماره س م/۲۹ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۲ دبیرخانه شورای عالی بانکها در اجرای دستورات ریاست جمهوری متضمن تاکید بر عدم تسری عوارض به بانکها می‌باشد و منطبق با مقررات قانونی نمی‌باشد. علاوه بر آن مطابق ماده یک و ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی... مصوب سال ۱۳۸۱ از ابتدای سال ۱۳۸۲ برقراری و دریافت هرگونه وجوه از جمله مالیات و عوارض اعم از ملی و محلی از تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات، لغو و ممنوع می‌باشد و برابر رأی شماره ۲۲۸-۲۲۷-۲۲۶ مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اخذ عوارض موضوع تبصره ۵۰ قانون برنامه اول توسعه مصوب سال ۱۳۶۸ صرفاً ناظر بر زمان و طول اجرای برنامه مذکور می‌باشد و دریافت عوارض مزبور پس از پایان دوره اعتبار قانون فوق‌الذکر بدون تمسک به حکم قانونی معتبر، جواز قانونی نداشته است و از طرفی مطالبه عوارض مورد بحث مربوط به سالهای ۱۳۸۳ به بعد می‌باشد. لذا با عنایت به مراتب معروضه و با توجه به رأی شماره ۱۲۹۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اخذ عوارض موضوع دعوی منطبق با مقررات قانونی نمی‌باشد و به دلیل عدم قابلیت طرح موضوع در دیوان عدالت اداری و صلاحیت عام محاکم دادگستری استدعای رسیدگی و ابطال مصوبه فوق‌الذکر در خصوص پرداخت عوارض توسط این بانک را دارد. رئیس شورای اسلامی شهر قائم‌شهر در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۱۱۲/ق/ش مورخ ۱۳۸۷/۷/۳۰ اعلام داشته‌اند، ۱- به تصریح بند ۲۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری یکی از وظایف شهرداریها عبارت است از، پیشنهاد برقراری یا الغاء عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان عوارض اعم از کالاهای وارداتی و غیره و ارسال یک نسخه از تصویب‌نامه بر اطلاع وزارت کشور در اجرای این بند قانونی، شهرداری می‌بایست تعرفه عوارض پیشنهادی خود را برای اجرا در سال بعد به شورای اسلامی شهر ارائه و شورا نیز در اجرای بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و رعایت تبصره یک ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ تعرفه پیشنهادی شهرداری را بررسی و تصویب نمایند که در مانحن فیه و مورد ترافع رعایت دقیق مقررات مزبور شده و شاکی در این خصوص اعتراض و ایرادی نیز ارائه ننموده است. ۲- برخلاف استدلال غیرموجه و مبهم شاکی مبنی بر معافیت بانکها از پرداخت عوارض معترض‌ عنه نظر اعضاء هیأت

عمومی دیوان را به قانون لغو ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۹ که طی آن مقنن کلیه موسسات و سازمانها و ادارات دولتی را موظف به پرداخت هر نوع عوارض شهرداریها نموده جلب می‌نمایم. که این هم دلالت بر عدم معافیت بانکها از پرداخت هر نوع عوارض شهرداری است. ۳- عوارض شهرداری که یکی از نیازهای درآمدی شهرداری جهت ارائه خدمات عمومی و اساساً عوارض مورد ترافع جزء درآمدهای پایدار شهرداری محسوب می‌گردد، مصارف خدمات عمومی و مربوط به آحاد شهروندان است و شهرداری در اجرای وظایف ذاتی و انحصاری خود می‌بایست از این‌گونه عوارضات پایدار تامین و پشتیبانی گردد، بانکها با توجه به حجم درآمد و مشاغل آن می‌بایست نقش بسزایی در رابطه با حمایت‌های مالی این موسسه عمومی ایفاء کنند و استنکاف آنان از پرداخت عوارض ناچیز شهرداری جزء تعلیق و توقف خدمات عمومی و عمران و آبادانی شهر فقیری مثل قائم‌شهر خواهد بود. ۴- عوارض مورد ترافع وفق تعریف مقرر در بند (ب) ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۲۸ به عنوان عوارض محلی تعیین و نامه شماره ش - ۲۹/م مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۲ دبیرخانه شورای عالی صلاحیت تعیین یا لغو و اظهارنظر برخلاف حکم مقنن را ندارد. ۵ - راجع به سیرقانونی تعیین و تصویب عوارض محلی راجع به مشاغل نسبت به شعب بانکی، عوارض بر خلاف هزینه خدمات در راستای تامین اعتبار مالی جهت خدمات عمومی است. فلذا چون همه شهروندان از آن منتفع می‌شوند و باعث نظم و امنیت و آرامش عمومی می‌گردد، بنابراین مشخص نمودن نوع خدماتی که شهرداری یا بانکها می‌دهد لازم و ضروری نیست. ۶ - ادعای فعلی بانک صادرات نسبت به عوارض مشاغل بانکها مصوب ۱۳۸۲ شورای اسلامی شهر قائم شهر پس از تصویب وفق ماده ۸۰ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران به فرمانداری و شورای اسلامی استان مازندران ابلاغ و مراجع ذیصلاح مزبور مصوبات این شورا را به شاکی اعلام که شاکی نیز در فرجه قانونی نسبت به آن اعتراض بعمل نیاورده، شاکی که برابر مفاد درخواست ایراد به مصوبه شورا را با استناد به دولتی بودن بانکها وارد می‌داند، علیرغم آنکه مقنن اختیارات خاص را به استناد ماده ۷۷ قانون مارالذکر به وزیر کشور واگذار نموده و ایشان می‌تواند در هر مقطعی که وصول هر نوع عوارض را منطبق با آیین‌نامه مصوب نداند، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نماید و نسبت به انعکاس موضوع از طریق دستگاه مافوق به وزیر کشور ننموده این امر

حکایت از عدم رعایت سلسله مراتب اداری توسط شاکی و تصویب نظریه مراجع و سلسله مراتب قانونی تشخیص صحت و سقم وضع عوارض محلی است و مهر تاییدی است که عوارض محلی تصویبی از سوی این شورا حتی از طرف وزیر کشور نیز تایید و تنفیذ گردیده است. لذا استدعای رد شکایت شاکی و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان این شهر را داریم. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

حکم مقرر در تبصره یک ماده ۵ قانون موسوم به تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ مصرح در حصر صلاحیت و اختیارات شورای اسلامی شهر در وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش نرخ هریک از عوارض محلی با رعایت شرایط و ضوابط قانونی مربوط است. نظر به اینکه در تعیین عوارض کسب و مشاغل درباره بانکها و شعب آنها توسط شورای اسلامی شهرستان قائم شهر رعایت قوانین و مقررات مربوط از جمله ضوابط مندرج در بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ نشده است، اساساً با عنایت به فعالیت بانکها و شعب مختلف آنها در امور بانکی در نقاط مختلف کشور و محلی نبودن حوزه فعالیت آنها، وضع عوارض کسب و مشاغل در مورد بانکها و شعب آنها به شرح بندهای ۱۶۹ و ۱۷۰ مصوبه جلسه شماره ۱۸۹۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ مغایر حکم صریح قانونگذار و خارج از حدود صلاحیت شورای اسلامی شهرستان قائم شهر است. بنابراین به استناد قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری بندهای فوق الذکر از مصوبه مذکور ابطال می‌شود.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۵/۶)

۹. رأی شماره ۳۵۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص صلاحیت شعب تشخیص

دیوان عدالت اداری

تاریخ: ۱۳۸۸/۴/۲۸

شماره دادنامه: ۳۵۲

کلاس پرونده: ۳۱۵/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای غلامعلی آریافر.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری. مقدمه: الف - شعبه دوم تشخیص در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۲/۸۷ موضوع درخواست اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری توسط قضات صادرکننده دادنامه شماره ۱۸۹ مورخ ۱۳۸۷/۲/۷ شعبه بیست و دوم به شرح دادنامه شماره ۲۰۱ مورخ ۱۳۸۷/۷/۹ چنین رأی صادر نموده است، با ملاحظه سوابق امر در فرجه بودن تقدیم دادخواست محرز می‌باشد، لذا با احراز وقوع اشتباه در صدور دادنامه شماره ۱۸۹ مورخ ۱۳۸۷/۲/۷ از شعبه بیست و دوم و حکم به نقض آن در خصوص ماهیت امر نظر به اینکه مسئولیت تنظیم قرارداد به عنوان متصدی طرحهای امنیتی استان تهران با شاکی بوده و ایشان بایستی با توجه به همه جوانب و با رؤیت کلیه مدارک از جمله انحصار وراثت افراد طرف قرارداد نسبت به مالک اصلی اقدام به تنظیم قرارداد می‌نمود، در حالی که بدون رعایت این جهت مبادرت به تهیه و تنظیم قرارداد نموده است که این امر حاکی از سهل‌انگاری نامبرده می‌باشد. لذا توجهاً به مراتب رأی معترض عنه را مصون از خطای شکلی و محتوایی تشخیص و ضمن ابرام آن حکم به رد شکایت مطروحه صادر و اعلام می‌گردد. ب - شعبه دوم تشخیص در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۸۰/۸۷ موضوع درخواست اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری توسط قضات صادرکننده دادنامه شماره ۱۰۳۲ مورخ ۱۳۸۷/۵/۳۰ شعبه بیست و یکم به شرح دادنامه شماره ۳۱۳ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به محتویات پرونده و امعان نظر در اوراق پیوستی و مدارک ابرازی از سوی شاکی مبنی بر وصول دادخواست نامبرده به دیوان در مهلت مقرر قانونی با تطبیق موضوع بر ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری و پذیرش درخواست ثانوی قضات

صادرکننده دادنامه معترض عنه مبنی بر وقوع اشتباه در اصدار دادنامه مذکور حکم به نقض آن صادر می‌شود و از آنجا که قضات موصوف در ماهیت امر وارد نشده و در نتیجه اظهارنظر قضائی در خصوص ماهیت دعوی صورت نگرفته است تا مورد نقض و ابرام در شعبه تشخیص قرار گیرد، لذا مقرر می‌دارد، دفتر پرونده از آمار کسر و از طریق مبادی قانونی جهت رسیدگی و اظهار نظر ماهوی در خصوص موضوع شکایت شاکی به شعبه صادرکننده دادنامه مبحث‌عنه ارجاع گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رای می‌نماید.

رای هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - حکم مقرر در ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ در باب تشکیل شعب تشخیص به‌منظور تجدیدنظر در آراء شعب دیوان و سیاق عبارات ماده ۱۶ قانون مزبور در خصوص ارسال پرونده به شعبه تشخیص در صورت اعلام اشتباه قضات شعبه دیوان و وحدت ملاک ماده ۱۸ آن قانون مشعر بر اقدام شعبه تشخیص به نقض رای شعبه دیوان در صورت احراز وقوع اشتباه و صدور رای مقتضی، مفهوم مسئولیت و صلاحیت شعب تشخیص در نقض آراء شعب دیوان اعم از حکم و قرار به شرط احراز وقوع اشتباه و صدور رای مقتضی در جهت تعیین تکلیف قطعی موضوع شکایت است. بنابراین دادنامه شماره ۲۰۱ مورخ ۱۳۸۷/۷/۹ شعبه دوم تشخیص که با نقض قرار شعبه بدوی در اساس شکایت و اعتراض شاکی رسیدگی و رای مقتضی صادر نموده است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رای به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۳ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۴)

۱۰. رأی شماره ۳۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص دریافت حقوق وظیفه

همسر متوفی

تاریخ: ۱۳۸۸/۵/۴

شماره دادنامه: ۳۷۳

کلاس پرونده: ۲۹۶/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم اعظم کوهی و خانم سیده فاطمه مخدومیان.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۲۷ و ۲۲ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه بیست و هفتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۷۱۴/۸۷ موضوع شکایت خانم همدم ملکی به طرفیت سازمان بازنشستگی به خواسته ابطال رأی به شرح دادنامه شماره ۳۵۳۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱ چنین رأی صادر نموده است، با عنایت به محتویات پرونده و اسناد و مدارک ابرازی ملاحظه می گردد که نامه های مورد تقاضای ابطال از خواسته شاکی مبنی بر وظیفه مستمری شوهرش منصرف است و همچنین مادتین ۷۱ و ۷۲ آیین نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور، زیرا^۱ ماده ۷۲ دریافت بیش از یک حقوق بازنشستگی از واحد خدمت و همچنین دریافت بیش از یک حقوق وظیفه یا یک وظیفه توأم با یک حقوق بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشور برای یک نفر ممنوع است. در مانحن فیه برای^۲ حقوق وظیفه دو نفر را دریافت می نماید. حق و حقوق خودش و همسرش، حق همسرش منتقل شد به زوجه اش برای فرد واحد نیز با خدمت طولی دریافت بیش از حقوق مجاز است. علاوه بر این از وحدت ملاک تبصره ماده ۷۲ مذکور که مقرر نموده، استفاده از حقوق وظیفه پدر و مادر توأم با رعایت مقررات مربوطه مجاز است، استنباط می گردد، دریافت حقوق وظیفه همسر متوفی برای زوجه توأم با حقوق وظیفه خود بلامانع است، خلاف مقررات قانونی نمی باشد. بنابراین دریافت حقوق وظیفه همسر توأم با اخذ حقوق وظیفه خود بدون ابطال نامه های مورد تقاضای ابطال مجاز است شکایت در این قسمت وارد است. به استناد مادتین ۱۳ و ۷ قانون

۱. به نظر می رسد کلمه «طبق» جا افتاده است.

۲. به نظر می رسد کلمه «برای» زاید است.

دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر می‌گردد. ب - شعبه بیست و دوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۲۸/۸۷ موضوع شکایت خانم سیده فاطمه مخدومیان به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته برقراری مجدد مستمری شوهر متوفی و ابطال اقدامات سازمان مذکور مبنی بر قطع مستمری به شرح دادنامه شماره ۲۰۵۳ مورخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه شاکی دلیل و مستند قانونی که حکایت از اثبات ادعای مطروحه باشد، ابراز و ارائه ننموده و دفاعیات سازمان مشتکی عنه با عنایت به قوانین استنادی موجه بوده و تخلفی از سوی سازمان مذکور در عمل به قوانین محرز نمی‌باشد، بنابراین شکایت شاکی را غیر وارد تشخیص و به استناد مواد ۱۳ و ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد.

ج - شعبه بیست و دوم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۲۹/۸۷ موضوع شکایت خانم اعظم کوهی به طرفیت سازمان بازنشستگی شهرداری تهران به خواسته برقراری مجدد حقوق وظیفه به شرح دادنامه شماره ۲۰۳۱ مورخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه شاکی اولاً شاغل و کارمند بوده و ثانیاً دلیل مستند قانونی که حکایت از اثبات ادعای مطروحه باشد، ابراز و اقامه ننموده است و دفاعیات طرف شکایت با توجه به قوانین استنادی موجه بوده و تخلفی از جانب مشتکی عنه در عمل به قوانین محرز نمی‌باشد، بنابراین شکایت شاکی غیر وارد تشخیص و به استناد مواد ۱۳ و ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - علاوه بر اینکه سیاق عبارات ماده ۷۱ آیین‌نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور مصوب ۱۳۸۱ که مقرر داشته، در صورت دریافت هرگونه وجهی از وجوه عمومی کشور در قبال خدمت مستمر، اخذ حقوق وظیفه ممنوع است، ناظر به ممنوعیت شخص واحد از دریافت هرگونه وجه در قبال انجام خدمت مستمر از محل وجوه عمومی و دریافت حقوق وظیفه در زمان واحد است و مدلول ماده ۷۲ آیین‌نامه مزبور نیز در باب ممنوعیت دریافت بیش از یک حقوق بازنشستگی برای ایام واحد خدمت یا دریافت بیش از یک حقوق

وظیفه یا یک حقوق وظیفه توام با یک حقوق بازنشستگی از صندوقهای مذکور در این ماده منصرف از وضعیت شاکیان است و قطع حقوق وظیفه دریافتی آنان به بهانه دریافت حقوق اشتغال یا بازنشستگی با عنایت به اینکه تحت الکفاله همسران خود بوده و استحقاق دریافت حقوق وظیفه را دارا می‌باشند، فاقد وجهت قانونی بوده است. بنابراین دادنامه شماره ۳۵۳۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱ شعبه بیست و هفتم دیوان در حدی که مبین این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۳ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۴)

۱۱. رأی شماره ۳۷۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص ضرورت احتساب مدت

۲۴ ماه خدمت طرح پرستاری با رعایت مقررات مربوط

تاریخ: ۱۳۸۸/۵/۴

شماره دادنامه: ۳۷۵

کلاس پرونده: ۲۹۷/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم مهناز مقدم.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و چهارم دیوان عدالت اداری مقدمه: الف - شعبه اول دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۴۶۷/۸۶ موضوع شکایت رامش صفرزاده به طرفیت بیمارستان ولیعصر و سازمان تأمین اجتماعی به‌خواسته عدم احتساب سابقه خدمت و عدم رد کسورات بازنشستگی و تقاضای احتساب سابقه خدمت در سالهای مربوطه، به شرح دادنامه شماره ۱۲۵۱ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه به موجب ماده ۱۱ قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان مشمولان قانون مذکور از لحاظ حقوق و مزایا و امور رفاهی از جمله بیمه عمر و درمان و حادثه و سایر مزایا تابع مقررات استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت می‌باشند، بنابراین اداره طرف شکایت مکلف به پرداخت حق بیمه به صندوق بازنشستگی کشوری بوده و دلیلی بر الزام به پرداخت حق بیمه در وجه صندوق سازمان تأمین اجتماعی

نداشته، علیهذا شکایت به کیفیت مطروحه متوجه سازمان تأمین اجتماعی نبوده، قرار رد شکایت در این خصوص صادر و اعلام می‌گردد. در خصوص شکایت به‌طرفیت بیمارستان ولیعصر از توابع دانشگاه علوم پزشکی تهران به لحاظ عدم ارائه دفاعیه و عدم احراز پرداخت حق بیمه مربوطه حکم به ورود شکایت در حد پرداخت حق بیمه مقرر در ماده ۱۱ فوق‌الذکر به صندوق بازنشستگی کشوری از ناحیه اداره طرف شکایت صادر و اعلام می‌نماید. ب - شعبه چهارم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۵۴/۸۶ موضوع شکایت خانم مهناز مقدم به طرفیت ۱- سازمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی تهران ۲- سازمان تأمین اجتماعی شعبه یک تهران به خواسته ۲۴ ماه سابقه بیمه بازنشستگی زمان طرح خدمتی پرستاری به شرح دادنامه شماره ۱۲۷۰ مورخ ۱۳۸۷/۷/۱۳ چنین رأی صادر نموده است، شعبه با توجه به مفاد و محتویات پرونده و دقت در متن لواح جوابیه طرفهای شکایت به خصوص نظریه شماره ۵۱/۶۴۴۹ مورخ ۱۳۷۶/۶/۱ (سازمان امور اداری و استخدامی) مبنی بر اینکه خدمت ایام اجرای طرح جزء سوابق خدمتی محسوب نمی‌گردد و اشتغال مجدد کسانی که دوره طرح خود را می‌گذرانند، نیاز به استخدام جدید دارد و کسر اشتباهی حق بیمه و کسور بازنشستگی در دوران اجرای طرح نیز نمی‌تواند ایجاد حقی برای نامبرده بنماید، علیهذا شعبه شکایت مطروحه را غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - طبق ماده یک قانون مربوط به خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۱۳۷۵ « کلیه افراد ایرانی با تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر که پس از تاریخ ۱۳۶۷/۴/۱ از مراکز آموزش عالی گروه پزشکی در داخل و یا خارج از کشور فارغ‌التحصیل شده یا می‌شوند و خدمت آنان از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد نیاز اعلام می‌گردد، مکلفند حداکثر مدت ۲۴ ماه اول پس از فراغت از تحصیل خود را در داخل کشور و در مناطق مورد نیاز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تشکیلات تابعه آن خدمت نمایند.» و در ماده ۱۱ قانون مزبور تصریح شده است که مشمولان این قانون از لحاظ حقوق و مزایا و امور رفاهی (مرخصی‌های استحقاقی، استعلاجی، بدون حقوق، پاداش، کمکهای غیر نقدی و بیمه عمر و

درمان و حادثه و سایر مزایا) تابع قوانین و مقررات استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت می‌باشد و چنانچه به دستگاه دیگر معرفی گردند که دارای مقررات استخدامی خاص می‌باشند، تابع ضوابط حقوقی و رفاهی آن دستگاه خواهند بود. نظر به مراتب فوق‌الذکر و عنایت به تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۱ قانون مذکور که مقرر داشته آن عده از مشمولان این قانون که در مدت خدمت مقرر تحت پوشش نظامهای حمایتی دیگری نیستند، با پرداخت حق بیمه مقرر در قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ (توسط مشمول و دستگاه ذیربط) تحت پوشش حمایتهای پیش‌بینی‌شده در قانون یاد شده قرار خواهند گرفت، دادنامه شماره ۱۲۵۱ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲ شعبه اول دیوان درحدی که متضمن ضرورت احتساب مدت ۲۴ ماه خدمت طرح پرستاری با رعایت مقررات مربوط است صحیح و موافق قانون می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. (نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۳ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۴)

۱۲. رأی شماره ۴۰۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص ابطال ماده ۳ آیین‌نامه

اجرائی تبصره الحاقی به قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران بسیجی

به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی مصوبه ۱۳۷۷

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۵/۱۱

شماره دادنامه: ۴۰۰

کلاس پرونده: ۹۳۵/۸۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای رضا رضائی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۳ آیین‌نامه اجرائی تبصره الحاقی به قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران بسیجی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی مصوبه ۱۳۷۷.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست و لایحه تکمیلی آن تقدیمی اعلام داشته است، به استناد قانون الحاق یک تبصره به قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، مصوب ۱۳۷۷/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی، با مراجعه به مراجع ذیصلاح و پس از طی چندین مرحله تشریفات اداری، یک برگ گواهی از ستاد مشترک ارتش به منظور برخورداری از سهمیه رزمندگان دریافت کرده و جهت شرکت در آزمون جامع دارندگان مدارک معادل دانشگاهی به همراه سایر مدارک لازم به سازمان سنجش ارسال نموده، لیکن آن سازمان سهمیه رزمندگان را برای اینجانب اعمال ننموده و در کارنامه ارسالی، سهمیه نهایی را «آزاد» درج نموده است، متعاقباً در پیگیریهای بعمل آمده مشخص شد سازمان سنجش با استناد به آیین نامه اجرایی مورد شکایت، مفاد قانون را منحصرأً مربوط به سال ۱۳۷۹ قلمداد می نماید، در حالی که به دلایل زیر اعمال نشدن سهمیه رزمندگان توسط سازمان سنجش صحیح نیست زیرا: الف- در متن قانون مصوب سال ۱۳۷۷ اساساً برای استفاده از تسهیلات قانون، ذکر از سال ۱۳۷۹ یا هیچ زمان دیگری به میان نیامده است. ب- قانون مصوب ۱۳۷۷، مشمولان قانون را از مزایای قانون سال ۱۳۶۷/۱۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی برخوردار دانسته است که در آن قانون نیز محدودیت زمانی برای استفاده از سهمیه وجود نداشته است. ج- محدودیت ایجاد شده ناشی از آیین نامه اجرایی است که توسط قوه مجریه وضع گردیده است و اجرای قانون را بلااثر نموده است. لذا خواستار ابطال و لغو آن بخش از آیین نامه اجرائی مصوب سازمان سنجش آموزش کشور (ماده ۳ و یا هر ماده دیگر آن آیین نامه) که اعمال سهمیه رزمندگان بر اساس «قانون الحاق یک تبصره به قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان - مصوب سال ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی» را محدود به سال ۱۳۷۹ نموده است، می باشد. مدیر دفتر ریاست و روابط عمومی سازمان سنجش آموزش کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۱۶۳۴۳/د مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲ اعلام داشته اند، ۱- براساس اصول و قواعد حقوقی، زمانی قانون مصوب مجلس شورای اسلامی قابلیت اجرایی دارد که آیین نامه اجرایی آن تهیه و تصویب و ابلاغ گردد و کلیه دستگاههای اجرایی مکلف به اجرای مفاد قانون بر اساس مکانیسم پیش بینی شده در آیین نامه اجرایی آن می باشند. بنابراین تا زمانی که آیین نامه اجرایی تدوین نشود، امکان اجرای قانون وجود ندارد. ۲- قانون الحاق یک تبصره به قانون ایجاد تسهیلات که موضوع بحث است، شمول قانون ایجاد تسهیلات را توسعه داده است و به عبارت دیگر مضافاً بر رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی، پرسنل کادر ثابت، پیمانی و وظیفه نیروهای مسلح که علاوه بر میزان

موظفی ۶ ماه پیوسته یا ۹ ماه ناپیوسته شرکت در عملیات به صورت داوطلبان در خطوط مقدم دارا باشند، می‌توانند از تسهیلات و امتیازات قانون ایجاد تسهیلات برای ورود به دانشگاهها استفاده نمایند. این در واقع کلیت و حکم قانون است. ۳- آیین‌نامه اجرایی قانون مجبوت عنه که در مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۷ تصویب شده است، قید زمان برای مقررات قانون تعیین کرده است. ماده یک آیین‌نامه اجرایی مقرر می‌دارد «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف است کلیه افراد واجد شرایط و مایل به استفاده از تسهیلات قانون ... را که فهرست آنان تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۷۹ توسط ستاد فرماندهی کل قوا به وزارت مذکور اعلام می‌شود را در آزمون سراسری سال ۱۳۷۹ شرکت دهد» این ماده سازمان سنجش را مکلف نموده که افراد واجد شرایط را در آزمون سراسری سال ۱۳۷۹ شرکت دهد. ۴- از سوی دیگر ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی مقرر می‌دارد «کلیه افراد واجد شرایط ... مستلزم به شرکت در آزمون سراسری سال ۱۳۷۹ می‌باشند. شرکت کنندگان در آزمون سراسری طبق ضوابط قانونی و آیین‌نامه‌های مربوط در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی جایابی می‌شوند» بنابراین این ماده افراد واجد شرایط را که مایل به استفاده از امتیازات قانون ایجاد تسهیلات هستند مکلف به شرکت در آزمون ۱۳۷۹ نموده است. از منطوق و مفهوم ماده یک و ۳ آیین‌نامه مذکور ایجاد محدودیت زمانی برای داوطلبان واجد شرایط کاملاً واضح و مشخص است. یعنی امتیازات قانون صرفاً در آزمون سراسری سال ۱۳۷۹ قابل اعمال است، خصوصاً که در قسمت اخیر ماده ۳ به جایابی اشاره شده است که معنی آن معرفی همه افراد واجد شرایط به یکی از کد رشته محل‌های دانشگاهی می‌باشد و همه افراد مربوط که تعداد آنها زیاد نبوده است از طریق این آزمون وارد دانشگاه می‌شوند و کسی باقی نمی‌ماند که در آزمون سال بعد شرکت کند. علت وضع چنین مقرراتی در آیین‌نامه اجرایی مورد بحث بر می‌گردد به اهداف قانون ایجاد تسهیلات و کمیت واجدین شرایط قانون الحاق یک تبصره به قانون ایجاد تسهیلات. زیرا قانون ایجاد تسهیلات امتیاز ویژه‌ای است برای رزمندگان اسلام که به دلیل دفاع از انقلاب و میهن از ادامه تحصیل محروم ماندند و به دفاع مقدس پرداختند. دولت نیز شایسته دید امتیازی برای این عزیزان جهت ورود به دانشگاه قائل شود. بنابراین اعمال مقررات قانون ایجاد تسهیلات برای اشخاصی خارج از رزمندگان داوطلب با اهداف قانون تغایر داشت و از طرفی نیز تعداد پرسنل داوطلب نیروهای مسلح موضوع قانون الحاق نیز زیاد نبوده و با شرکت در آزمون ۱۳۷۹

همگی آنها در دانشگاهها راه می‌یافتند. ۶-۱ لذا شاکی پرونده دلیل و مدرک قانع کننده‌ای مبنی بر غیر قانونی بودن اقدام سازمان و حتی غیر قانونی بودن مقررات آیین‌نامه اجرائی ارائه نکرده است بلکه صرفاً یک درخواست اداری و غیر مستدل و اظهار نظری غیر کارشناسی ابرازی نموده‌اند لذا از هیأت عمومی دیوان درخواست اتخاذ تصمیم مبنی بر رد شکایت نامبرده می‌باشد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

طبق تبصره الحاقی به قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی مصوب ۱۳۷۷ آن دسته از پرسنل کادر ثابت، پیمانی و وظیفه نیروهای مسلح که حداقل ۶ ماه پیوسته یا ۹ ماه ناپیوسته علاوه بر میزان موظفی شرکت در عملیات به صورت داوطلبانه در خطوط مقدم جبهه حضور داشته‌اند با تایید بالاترین مقام هر یک از سازمانهای نیروهای مسلح می‌توانند از تسهیلات ادامه تحصیل به شرح مقرر در قانون استفاده نمایند. نظر به اینکه حکم مقنن در باب استفاده از مزایای قانونی مذکور مقید و محدود به زمان خاص نشده است، بنابراین مفاد مادّین یک و ۳ آیین‌نامه اجرایی تبصره مذکور که با وضع قاعده خاص برخورداری از تسهیلات مورد نظر قانونگذار را محدود و مقید به شرکت واجدین شرایط در آزمون سراسری سال ۱۳۷۹ کرده و به این ترتیب موجبات تضییق دایره شمول حکم مقنن را فراهم نموده است، مغایر قانون تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

۱۳. رأی شماره‌های ۴۰۱ الی ۴۰۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص ابطال بخشنامه

شماره ۶۰۹- ۳۴/۳ مورخ ۱۳۸۷/۵/۶ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

تاریخ: ۱۳۸۸/۵/۱۱

شماره دادنامه: ۴۰۱ الی ۴۰۵

کلاس پرونده: ۶۶۸/۸۷، ۷۶۸، ۷۰۴، ۷۹۵، ۲۲/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شکات: آقایان ۱- مصلح‌الدین احمدی ۲- حسین جاودانی ۳- مهدی فضلی ۴- عباس بادلی

۵- مصطفی قدمی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۶۰۹- ۳۴/۳ مورخ ۱۳۸۷/۵/۶ سازمان ثبت

اسناد و املاک کشور.

مقدمه: شاکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور طی بخشنامه شماره ۶۰۹/۳۴ مورخ ۱۳۸۷/۵/۶ لیستی از افراد را تهیه و در اختیار سردفتران جدید قرار داده که دفتریار خود را بطور اجباری و تحمیلی از این لیست بسته انتخاب نمایند. در حالی که مطابق قسمت اخیر ماده ۳ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ که لازم‌الاتباع می‌باشد، دفتریار به پیشنهاد سردفتر و به موجب ابلاغ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور منصوب می‌شود. همچنین بخشنامه یاد شده با ماده ۱۲ قانون مذکور نیز مغایرت دارد، چرا که به موجب مفهوم مخالف این ماده می‌توان افرادی را که دارای خصوصیات مندرج در آن نباشند به سمت دفتریاری انتخاب نمود. دفتریار باید از افراد باتجربه به امور دفترخانه، متعهد و معتمد و مورد وثوق سران دفاتر باشد. لذا، ممنوعیت سردفتر برای انتخاب دفتریار خود تنها موارد مذکور در ماده ۱۲ قانون مذکور می‌باشد و محدود کردن سردفتر با صدور چنین بخشنامه‌ای با هر هدفی که وضع شده باشد، سلب حقی است که به موجب قانون به وی اعطاء شده است. بنابراین متقاضی ابطال بخشنامه شماره ۶۰۹/۳۴ مورخ ۱۳۸۷/۵/۶ که مغایر با قانون دفاتر اسناد رسمی است، می‌باشد. سرپرست دفتر حقوقی و امور بین‌الملل، در پاسخ به شکایت شکات طی نامه شماره ۸۸/۴۷۱۴۹ مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۰ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ضمن ارسال تصویب نامه شماره ۸۸/۴۳۵۲۴ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۶ مدیرکل امور اسناد و سردفتران سازمان ثبت اعلام نموده‌اند، بخشنامه مذکور در راستای

اصلاح و بهبود نظام دفترياری دفاتر اسناد رسمي و در اجرای دستورات معاونت قوه قضائيه و رئيس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صادر گردیده و تمامی کسانی که مقرر شده سران دفاتر جدیداً ابلاغ جهت اخذ ابلاغیه دفترياری خویش نسبت به معرفی آنها اقدام نمایند، دارای مدارک تحصیلی عالی و نیز در رشته‌های مرتبط بوده‌اند. ضمن اینکه سران دفاتر مورد نظر از جمله سرفتر دفترخانه مذکور در اجرای مفاد بخشنامه مذکور اقدام به ارائه تعهدنامه رسمي جهت معرفی دفترياران خویش در مهلت مقرر از بین اسامی که سازمان اعلام کرده نموده‌اند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

در ماده ۳ قانون دفاتر اسناد رسمي و کانون سردفتران و دفترياران مصوب ۱۳۵۴ تصریح شده است که دفتريار به پیشنهاد سردفتر و به موجب ابلاغ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برابر مقررات قانون مزبور منصوب می‌شود. بنابراین مفاد بخشنامه شماره ۳۴/۳/۶۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۵/۶ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که سردفتران مذکور در بخشنامه را مکلف به انتخاب دفترياران خود از بین افراد مندرج در فهرست اسامی افراد منتخب آن سازمان کرده و با این کیفیت اختیار سردفتر را در انتخاب و پیشنهاد دفترياران مورد نیاز محدود نموده است، خلاف حکم صریح مقنن تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمي شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

۱۴. رأی شماره ۴۰۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال ردیف ۲۳

بخشنامه‌های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۵/۱۱

شماره دادنامه: ۴۰۶

کلاس پرونده: ۷۳۳/۸۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای سیدحمید حسینی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ردیف ۲۳ بخشنامه‌های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور. مقدمه: شاکی به شرح دادخواست و لایحه تکمیلی تقدیمی اعلام داشته است، اولاً چگونه ممکن است که در دادگاه خانواده با حضور وکیل بدون اینکه نیاز به حضور موکل باشد رأی طلاق یا بذل کل مهریه و اجرت المثل و نفقه صادر می‌نمایند و قاضی با حضور وکیل دیگر نیازی به حضور موکل نمی‌بیند ولیکن در دفترخانه اسناد رسمی علیرغم اینکه وکیل در وکالتنامه وکلای دادگستری از موکل وکالت در اجرای صیغه طلاق و امضای اسناد مربوط به طلاق را دارد، ولیکن دفترخانه اسناد رسمی طلاق استناد به بخشنامه مورد شکایت می‌کند و وکیل دادگستری باید از دفترخانه اسناد رسمی وکالتنامه محضری برای اجرای صیغه طلاق و امضای اسناد رسمی طلاق داشته باشد و این امر باعث محدود نمودن اختیار وکلا و همچنین تضییع حقوق آنها و موکلین می‌شود که می‌بایستی در دفتر طلاق، خود شخصاً حاضر شوند. لذا بخشنامه مذکور مغایر با صلاحیت ذاتی وکیل و همچنین مواد ۳۵ و ۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۶۶۲ قانون مدنی و ماده ۶۷۱ از همان قانون می‌باشد. لذا متقاضی ابطال بخشنامه ردیف ۲۳ سازمان ثبت و اسناد و املاک کشور و کنون سردفتران اسناد رسمی می‌باشد. سرپرست دفتر حقوقی و امور بین‌الملل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۸۸/۴۶۸۱۷ مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۰ اعلام نموده‌اند، وفق ماده ۱۱ نظامنامه دفتر ثبت وقایع ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ در صورتی که امضاء ثبت وقایع ازدواج و طلاق توسط وکیل به عمل می‌آید، وکالتنامه باید در دفتر اسناد رسمی ثبت و تصدیق گردیده باشد بناءً علیهذا رد شکایت شاکی مورد استدعا است. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

علاوه بر اینکه مفاد ماده ۱۱ نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ در خصوص لزوم تصدیق امضاء وکیل زوج یا زوجه در دفتر مخصوص ثبت واقعه ازدواج یا طلاق توسط کمیساریا و یا امین صلح و یا نایب الحکومه و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی با توجه به تاریخ تصویب آن ناظر به

وکالت اشخاص عادی بوده و منصرف از وکلای رسمی دادگستری است، اصولاً اعتبار وکالتنامه‌های وکلای دادگستری در مراجع قضائی نافی اعتبار آنها در مراجع غیر قضائی در حدود اختیارات قانونی مصرح در وکالتنامه آنان در اجرای احکام قطعی مراجع قضائی نیست و طبق ماده ۴۶ قانون ثبت اسناد و املاک کشور موارد ضرورت تنظیم و ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی تبیین واحصاء شده است که از اختیارات مصرح در وکالتنامه وکلای دادگستری در زمره اسناد مزبور قرار ندارد. بنابراین عموم و اطلاق ردیف ۲۳ از مجموعه بخشنامه‌های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که مقرر داشته است «با توجه به قوانین و مقررات موضوعه مجوزی برای تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی به استناد وکالتنامه‌هایی که توسط وکلای دادگستری تنظیم می‌شود، به نظر نمی‌رسد.» بلحاظ اینکه مفهوم الزام وکیل دادگستری به تنظیم سند رسمی در دفاتر اسناد رسمی در مورد ثبت واقعه ازدواج و طلاق در اجرای احکام مراجع قضائی، علیرغم تصریح اختیارات مذکور در وکالتنامه آنان است، خلاف قانون تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی و ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

۱۵. رأی شماره ۴۰۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص صلاحیت دیوان عدالت

اداری در رسیدگی به خواسته ابطال اقدامات سازمان زمین شهری در زمینه تملک

تاریخ دادنامه: ۱۳۸۸/۵/۱۱

شماره دادنامه: ۴۰۹

کلاس پرونده: ۳۴۰/۸۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای فرخ صالحی.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۸ و ۹ تجدیدنظر دیوان عدالت

اداری.

مقدمه: الف - شعبه هجدهم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس‌های ۵۸۶/۷۹ و ۵۹۵/۷۹

موضوع شکایت آقایان فرخ صالحی و عباسقلی فراهانی به طرفیت، سازمان زمین شهری (اراک)

(مسکن و شهرسازی استان مرکزی) به خواسته، ابطال اقدامات سازمان زمین شهری به شرح دادنامه‌های شماره ۱۹۱ و ۲۰۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۵ چنین رأی صادر نموده‌اند، مستفاد از مفاد دادخواست آن است که شکات زمینی را با سند محضری به طور مشاع از سند رسمی پلاک ۳۹۳۲ که باغ مزروعی بوده خریداری نمودند و سازمان زمین شهری وقت در اجرای ماده ۱۷ قانون لغو مالکیت، سند آنان را ابطال نموده که شکات مدعی هستند که زمین کلاً باغ و مزروعی بوده و موات بودن آن را مورد اعتراض قرار دادند و تقاضای ابطال اقدامات سازمان زمین شهری وقت را دارند و سازمان خوانده طی لوایح تقدیمی اعلام داشته است، محلی که به عنوان پلاک ۳۹۳۲ معرفی شده و چند پلاک مجاور آن تحت عنوان پلاک ۳۹۴۵ اصلی بخش یک اراک به عنوان مراتع شمال شهر اراک به نام دولت ثبت گردیده است. لذا در اصل زمین به نام پلاک ۳۹۳۲ خارج از محدوده پلاک دولتی ۳۹۴۵ اصلی وجود ندارد و این اشتباه مسئولین وقت اداره ثبت اسناد است که مقداری از زمین دولتی مذکور را جدا کرده و تحت شماره ۳۹۳۲ شماره‌گذاری کرده است و پلاک ۳۹۳۲ قبل از اینکه به نام دولت ثبت شود به نام کسی دیگر ثبت نگردیده و اشخاصی که سند قطعی غیر منقول بر روی آن دارند، هیچ گاه مالک قانونی به استناد ماده ۲۲ قانون ثبت شناخته نشده‌اند. مضافاً به اینکه محل پلاک ۳۹۳۲ اصلی طی برگ تشخیص ۲۴۰۳ مورخ ۱۳۵۲/۳/۳۰ به عنوان مرتع تشخیص گردیده است و در صورت نیاز مدارک مربوطه ارسال خواهد گردید، بنابه مراتب با توجه به مجموع محتویات پرونده و مفاد لوایح تقدیمی سازمان خوانده و نظر به اینکه به موجب ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلاف موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع کشور که اعلام می‌دارد، زارعین صاحب اراضی نسقی و مالکین و صاحبان باغات و تاسیسات در خارج از محدوده قانونی شهرها و حریم روستاها، سازمانها و موسسات دولتی که به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌ی بعدی آن اعتراض داشته باشند، می‌توانند به هیأت‌های مرکب از ۱- مسئول اداره کشاورزی ۲- مسئول اداره جنگلداری ۳- عضو جهاد سازندگی ۴- عضو هیأت‌های واگذاری زمین ۵- یک نفر قاضی دادگستری ۶- بر حسب مورد ۲ نفر از اعضاء شورای اسلامی روستا با عشایر محل مربوطه مراجعه نمایند. بناءً علیهذا و به استناد تبصره ۲ با ماده واحده مذکور که اعلام داشته (دیوان عدالت اداری مکلف است، کلیه پرونده‌های موجود در مورد ماده ۵۶ قانون جنگلها

و مراتع کشور و اصلاحیه‌های بعدی آن را که مختومه نشده است به کمیسیون موضوع این قانون ارجاع نمایند) قرار عدم صلاحیت رسیدگی و ارجاع پرونده به کمیسیون مذکور صادر و اعلام می‌گردد.

ب - شعبه نهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۸۳۷/۸۱ موضوع تجدیدنظر خواهی آقای فرخ صالحی، نسبت به دادنامه شماره ۱۹۱ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۵ شعبه هجدهم به شرح دادنامه شماره ۴۲۸ مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۵ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه از طرف تجدیدنظر خواه نسبت به دادنامه تجدیدنظر خواسته ایراد و اعتراض موجه و موثری بعمل نیامده است و از طرفی مطالب معنونه در تجدیدنظر خواهی تکرار همان مطالب مندرج در دادخواست بدوی که در دادنامه معترض‌عنه مردود اعلام گردیده است، بنابراین با بررسی سوابق امر بر کیفیت رسیدگی و اعمال مقررات ایراد و اشکالی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید، مشهود نمی‌باشد. لذا ضمن رد تجدیدنظر خواهی، دادنامه معترض‌عنه عیناً تایید و استوار می‌گردد. ج - شعبه هشتم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۶۲/۸۱ موضوع تجدیدنظر خواهی آقای عباسقلی فراهانی نسبت به دادنامه شماره ۲۰۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۵ شعبه هجدهم به شرح دادنامه شماره ۱۸۵ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۳ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه علیرغم ادعای سازمان طرف شکایت در لایحه جوابیه ارسالی در مرحله بدوی مبنی بر ملی بودن اراضی پلاک ۳۹۳۲ واقع در بخش یک شهرستان اراک مندرجات نامه شماره ۲۰۹۱۷ مورخ ۱۳۷۳/۱۰/۲۱ منابع طبیعی استان مرکزی ارسالی به اداره کل زمین شهری استان مرکزی حاکی است که در خصوص پلاک مذکور در جهت اجرای مقررات ملی شدن جنگلها و مراتع کشور اقداماتی صورت نگرفته است و پلاک ۳۹۳۲ نیز با توجه به انطباق آن با نقشه موضوع رأی کمیسیون ماده ۵۶ قانون حفاظت از جنگلها و مراتع از جمله پلاکهایی است که در آن زمان داخل حوزه شهر اراک قرار داشته و لذا مشمول رأی کمیسیون موصوف نگردیده است. علاوه بر این در نامه شماره ۷۰۰۶ مورخ ۱۳۶۹/۱/۱۶ اداره منابع طبیعی اراک آمده است که اراضی پلاک ۳۹۳۲ بخش یک اراک با توجه به رأی کمیسیون مقرر در ماده ۵۶ راجع به اراضی منطقه شمال شهر اراک جز اراضی موضوع رأی کمیسیون مقرر در ماده ۵۶ مورخ ۱۳۶۶/۹/۱۹ نمی‌باشد که در این رابطه سازمان عمران اراضی شهری استان مرکزی به موجب صورتجلسه مورخ ۱۳۵۹/۵/۳ به استناد ماده یک الحاقی به قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری با اعلام نیاز به اراضی واقع در پلاک مذکور جهت

شهرک‌سازی تصمیم به لغو مالکیت مالکین گرفته است و مراتب ابطال مالکیت مالکین پلاک به عنوان اراضی موات به اطلاع اداره ثبت اسناد و املاک اراک نیز رسیده است و نظر به اینکه سازمان عمران اراضی شهری استان مرکزی طی شماره ۳۱۳۰ مورخ ۱۳۵۹/۷/۱ به اداره ثبت اسناد و املاک اراک اعلام نموده است که کلیه پلاکهای ثبتی ۳۹۳۲ و ۴۵۸۰ و ۴۶۲۰ را متصرف شده و از اداره ثبت مذکور به استناد ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی قانون، ابطال کلیه سهام مالکین پلاکهای فوق را تقاضا نموده است که مراتب معنونه به شرح و تفصیل فوق کلاً موید این واقعیت است که پلاک ۳۹۳۲ واقع در بخش یک اراک از شمول مقررات ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع کشور خروج موضوعی داشته و با قانونی شناختن مالکیت مالکین پلاک ابطال اسناد مالکیت پلاک مذکور مستنداً به ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرائی قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری به اداره ثبت اسناد اراک توصیه گردیده است. و با عنایت به اینکه ماده ۲ آیین‌نامه اجرائی قانون لغو مالکیت و بندهای نه گانه آن به موجب نظریه مورخ ۱۳۵۹ شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده شده و متعاقباً ماده ۲ مرقوم و مواد ۱۵ و ۱۷ آیین‌نامه به موجب رأی شماره ۸ مورخ ۱۳۶۲/۸/۹ صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است و این امر موید این واقعیت است که مقررات مذکوره از ابتدای تصویب فاقد موقعیت شرعی و قانونی بوده و قابلیت اعمال نداشته و اقدامات تملکی انجام شده نیز که بر اساس مقررات مذکور، صورت پذیرفته از درجه اعتبار ساقط بوده است. علیهذا با توجه به مراتب و با احراز استحقاق شاکی بدوی و تجدیدنظر فعلی نسبت به بهره‌وری از سهام خود در اراضی پلاک ۳۹۳۲ و با قبول اعتراض تجدیدنظرخواه نسبت به دادنامه معترض‌عنه، حکم به ورود شکایت شاکی بدوی و نقض دادنامه شماره ۲۰۰ مورخ ۱۳۸۰/۲/۲۵ صادره از شعبه هجدهم دیوان عدالت اداری صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل در تاریخ فوق تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رای هیأت عمومی

الف - تعارض در مدلول دادنامه‌های فوق‌الذکر محرز بنظر می‌رسد. ب - نظر به اینکه شکایت به خواسته ابطال اقدامات سازمان زمین شهری در زمینه تملک زمین مورد ادعا فی حد ذاته از مصادیق بند (الف) ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری و رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان است، بنابراین دادنامه شماره ۱۸۵ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۳ شعبه هشتم تجدیدنظر دیوان منحصراً در حدی که مبین صلاحیت دیوان در رسیدگی به شکایت مذکور است، موافق قانون می‌باشد. این رای به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

بخش پنجم:

نظريات مشورتی اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور

مترجمين قوه قضائيه

۱. ارش کلیه

چون در مورد جنایت وارده به کلیه، شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده است و قانون در این مورد ساکت است طبق ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی، جانی باید ارش بپردازد و با استفاده از وحدت ملاک اعضاء دیگر بدن که از بین بردن مجموع دو عضو مانند چشم، گوش، لب و غیره موجب دیه کامل است در مورد از بین بردن دو کلیه نیز باید معتقد بود که ارش آن به میزان دیه کامل است و در مورد تعیین ارش با رعایت ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی بهتر است در مورد مجموع دو کلیه ارش به میزان دیه کامل لحاظ و به مأخذ آن نسبت به جنایت وارده ارش تعیین شود.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۶۶ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۶)

۲. مطالبه مهریه در نکاح موقت

مطابق ماده ۶۴۵ از قانون مجازات اسلامی عدم ثبت ازدواج منقطع مجازاتی ندارد نتیجتاً ثبت آن الزامی نیست و در صورتی که نکاح موقت به موجب حکم قطعی دادگاه یا اقرار زوجین ثابت شده باشد، زوجه برای مطالبه مهریه می تواند دادخواست به دادگاه تقدیم نماید و رسمی نبودن عقد نامه مانع انجام آن نخواهد بود.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۷۰ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۶)

۳. مطالبه خسارت بیکاری

طبق بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می شود قابل مطالبه است، در مورد خسارت بیکاری افراد بعلت وقوع جرم باید قائل به تفکیک شد، بعضی افراد معمولاً ممکن نیست بیکار باشند و با اشتغال به کار می توانند از تمام ایام خود کسب درآمد کنند، این قبیل افراد اگر بعلت واقعه مجرمانه و بروز صدمات بدنی قادر به کار خود نباشند، شاید بتوان گفت که

تفویت منافع ممکن الحصول بوده و خسارت ایام بیکاری ناشی از جرم قابل مطالبه است ولی اگر شخص بیکار ولو اینکه جویای کار باشد ممکن است در صورت عدم تحقق واقعه مجرمانه هم موفق به پیدا کردن کار و کسب و درآمد نشود، در مورد این افراد خسارت ناشی از بیکاری منتفی است، عبارت دیگر اگر منافع تفویت شده «ممكن الحصول» باشد قابل مطالبه است ولی اگر «محمتمل الحصول» باشد قابل مطالبه نیست و تشخیص اینکه مورد، کدامیک از این دو حالت است با قاضی رسیدگی کننده به پرونده است.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۷۲ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۶)

۴. صدور قرار نهایی در وقت کشیک

قاضی دادسرا اعم از دادیار یا بازپرس در وقت کشیک چنانچه بلحاظ گذشت در جرائم قابل گذشت و یا منع تعقیب به جهت عدم کفایت دلیل یا جرم نبودن عمل و... اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب نماید، نه تنها این عمل فاقد اشکال قانونی است بلکه عملی است صحیح، النهایه باید در اول وقت اداری پرونده را به نظر دادستان برساند.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۷۳ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۶)

۵. عدم جواز حکم به الزام تنظیم سند ملک مرهون

ملکی که در رهن شخص ثالث باشد با توجه به ماده ۷۹۳ قانون مدنی بدون رعایت حقوق مرتهن صدور حکم بر الزام خوانده به تنظیم سند رسمی انتقال ملک فاقد مجوز قانونی است.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۷۴ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۶)

۶. مرجع صالح در رسیدگی به قاچاق کالای بلاصاحب یا

با توجه به حذف ماده شش آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی طبق اصلاحیه مورخ ۸۷/۷/۲ آیین نامه مذکور تشخیص کلیه وجوه و اموال مجهول المالک و بلاصاحب و بلاوارث و تعیین تکلیف در مورد آنها از صلاحیت دادگاههای اصل ۴۹ قانون اساسی خارج است و مرجع صالح برای رسیدگی به پرونده های قاچاق کالای صاحب متواری یا بلاصاحب و وسیله نقلیه مکشوفه که صاحب آن شناسائی نشود با توجه به بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و ماده ۴ و قسمت اخیر تبصره ذیل آن از قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و دستورالعمل نحوه رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز موضوع تبصره یک ماده ۴ قانون یاد شده اخیر مصوب ۱۳۷۴/۳/۹ رئیس قوه قضائیه، دادگاه انقلاب محل وقوع جرم و در صورت فقدان دادگاه انقلاب در محل، دادگاه عمومی محل صالح به رسیدگی است.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۷۴ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۷)

۷. تغییر عنوان اتهامی در مرحله بعدی رسیدگی

۱ - چنانچه در دادگاه کیفری استان به مرتکب جرمی در مرحله تحقیقات مقدماتی تفهیم اتهام زنای محصنه شود و لکن در مرحله محاکمه تشخیص داده شود که مورد زنای محصنه نبوده بلکه رابطه نامشروع است در چنین حالتی عدول از آن نه تنها فاقد اشکال قانونی است بلکه عملی است صحیح.

۲ - در زمان اخذ آخرین دفاع چه بسا مرتکب با دلایل محکمه پسند اتهام وارده به زنای محصنه را از خود رد نموده و به اعضاء دادگاه نیز قناعت وجدانی حاصل شود که عمل ارتكابی زنای محصنه نیست بلکه رابطه نامشروع می باشد، در چنین حالتی نیازی به صدور حکم برائت از زنای محصنه نبوده و دادگاه وی را به اتهام داشتن رابطه نامشروع محکوم می نماید و در چنین فرضی ایرادی به عمل دادگاه وارد نخواهد شد.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۹۶ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۷)

۸. مسؤول پرداخت ديه

۱- نظر به اینکه ديه دارای وصف جزائی بوده و ناشی از مسؤولیت کیفری می باشد بنابراین مشمول قسمت اول ماده ۱۸۴ قانون کار نمی گردد و پرداخت آن به عهده شخص حقیقی (مقصر) می باشد.

۲- همان گونه که به شرح بند یک پاسخ ذکر شد چون ديه مجازات بوده و ناشی از مسؤولیت کیفری هست پرداخت آن به عهده شخص حقیقی (مقصر) خواهد بود و مطابق قسمت اخیر ماده ۱۸۴ قانون کار مسؤول پرداخت ديه مدیرعامل یا مدیر مسؤول حسب مورد است که تخلف به دستور او انجام گرفته است و در فرض سؤال در صورتی که حکم بر محکومیت مدیر عامل یا مدیر مقصر به پرداخت ديه صادره شده باشد و حکم به قطعیت هم رسیده باشد و ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی و آیین نامه آن رعایت شده باشد و ذی نفع هم تقاضای بازداشت وی را کرده باشد بازداشت وی بلامانع است.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۰۲ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۸)

۹. لزوم تودیع سهم محکوم علیه از فروش ملک مشاع

طبق ماده ۱۰ آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع، وجوه حاصله از فروش ملک غیرقابل افراز، پس از کسر هزینه عملیات اجرایی طبق دستور دادگاه بین شرکاء به نسبت سهام تقسیم خواهد شد. در فرض سؤال که خریدار ملک مشاع احدی از محکوم لها بوده و وکیل محکوم لها دیگر (وکالت در وصول سهم وی از فروش ملک مشاع) است چنانچه حداقل معادل سهم محکوم علیه از بهای ملک را که در نوبت دوم تعیین شده، سپرده باشد پذیرش مزایده و تأیید آن اشکال قانونی ندارد و منافاتی با ماده ۱۲۹ قانون اجرای احکام مدنی ندارد ولی اگر مبلغ سپرده شده کمتر از سهم محکوم علیه باشد مقررات ماده ۱۲۹ قانون اجرای احکام مدنی باید اعمال شود.

(نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۱۲ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۸)

۱۰. لزوم صدور قرار تأمین خواسته در مورد مهریه توسط دادگاه خانواده

طبق ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی که مقرر داشته «درخواست تأمین از دادگاهی می‌شود که صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارد» و با توجه به بند ۳ ماده واحده قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به دادگاههای موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (خانواده) رسیدگی به دعوی مطالبه مهریه در صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده است و توجهاً به بند «ه» ماده ۱۰ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به این دعوی را ندارد و مرجع صالح برای صدور قرار تأمین خواسته نیز دادگاه خانواده است، لذا قرار تأمین خواسته که توسط شورای حل اختلاف راجع به مهریه صادر شده به لحاظ عدم صلاحیت شورا قابل اجرا توسط واحد اجرای دادگستری نیست و باید این موضوع به مرجع صادر کننده قرار اعلام گردد. (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۱۷ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۸)

بخش هشتم:

مصوبات هیأت وزیران

۱. آیین‌نامه اجرایی استفاده از تسهیلات موضوع بند (۲۵) ماده واحده قانون بودجه سال

۱۳۸۸ کل کشور

ماده ۱- اعتبار موضوع جزء (۱۰) ردیف « ۵۵۰۰۰۰ » جدول شماره (۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۸ کل کشور به عنوان وجوه اداره شده، در اختیار وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار می‌گیرد تا از طریق صندوقهای رفاه دانشجویان وزارتخانه‌های یادشده، به صورت وام قرض‌الحسنه با حداقل کارمزد بابت پرداخت شهریه به دانشجویان استفاده شود.

تبصره ۱- تسهیلات مربوط به دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی و وزارت آموزش و پرورش از طریق صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تأمین خواهد شد.

تبصره ۲- اعتبار موضوع این آیین‌نامه صددرصد (۱۰۰٪) تخصیص خواهد یافت.

ماده ۲- دستگاههای موضوع ماده (۱) این آیین‌نامه مکلفند در قرارداد منعقدشده با صندوقهای رفاه دانشجویان نحوه تضمین تسهیلات، مدت و نحوه پرداخت آن را مشخص کنند.

ماده ۳- این تسهیلات به نسبت تعداد دانشجویان و میزان شهریه‌ای که پرداخت می‌کنند، بین دانشگاهها و مراکز آموزش عالی توزیع می‌شود.

ماده ۴- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور مکلف است، ظرف یک ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه، سهم تسهیلات وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی را پس از اخذ آمار دانشجویان واجد شرایط ثبت نام شده در سال ۱۳۸۷ و میزان شهریه پرداختی تعیین و ابلاغ کند.

تبصره ۱- دانشجویانی می‌توانند از این تسهیلات استفاده کنند که برای تحصیل موظف به پرداخت شهریه هستند.

تبصره ۲- وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی مکلفند ظرف یک هفته پس از ابلاغ این آیین‌نامه، اطلاعات مربوط به دانشجویان ثبت نام شده و میزان شهریه پرداختی در سال ۱۳۸۷ را در قالب جدول ابلاغی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور تکمیل و به معاونت مزبور تحویل دهند.

ماده ۵ - دستگاههای موضوع ماده (۱) این آیین نامه مکلفند پس از وصول اصل وام پرداختی به دانشجویان، مبالغ یادشده را به صورت ماهانه به حساب خزانه واریز کنند.

ماده ۶ - دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ذی ربط مکلفند افراد متقاضی استفاده از وام را به صندوق رفاه دانشجویان مربوط معرفی و سپس صندوق پس از اخذ تعهدات لازم از دانشجویان در چارچوب مقررات مورد عمل خود نسبت به واریز مبالغ وام متعلقه، بابت شهریه دانشجوی به حسابی که آموزش دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی ذی ربط اعلام می کند، اقدام کنند.

ماده ۷ - دستگاههای موضوع ماده (۱) این آیین نامه مکلفند گزارش عملکرد این آیین نامه را هر شش ماه یک بار تهیه و به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور و کمیسیونهای آموزش و تحقیقات و بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی ارسال کنند.

این مصوبه در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۰ مورخ ۱۳۸۸/۵/۸)

۲. آیین نامه شرح وظایف تفصیلی شورای مسکن استان

وزیران عضو کارگروه مسکن در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۴/۱ به استناد تبصره ماده (۱۷) قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن - مصوب ۱۳۸۷ - و با رعایت تصویب نامه شماره ۳۹۲۳۸/ت/۴۰۰۱ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۹ آیین نامه « شرح وظایف تفصیلی شورای مسکن استان » را به شرح زیر تصویب نمودند:

آیین نامه شرح وظایف تفصیلی شورای مسکن استان

- ماده ۱ - وظایف و اختیارات شورای مسکن استان به شرح زیر تعیین می شود:
- ۱ - تنظیم برنامه اجرایی ابلاغی به تفکیک مناطق شهری و روستایی استان.
 - ۲ - تشخیص اراضی و املاک مازاد بر نیاز وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی که صد درصد سرمایه و سهام آنها متعلق به دولت است و پیشنهاد انتقال آنها به وزارت مسکن و شهرسازی برای تسریع در اجرای برنامه های مسکن در راستای ماده (۶) قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن.

- ۳- تأمین خدمات زیربنایی و روبنایی مربوط به طرحهای آماده‌سازی و پیگیری تأمین اعتبارات مورد نیاز در بودجه دستگاههای اجرایی مربوط و اعتبارات استانی و ملی، مطابق تصمیم‌نامه شماره ۴۱۸۸/۱۴۳۷۸۹ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۸ و توزیع شهرستانی آن.
- ۴- نظارت بر روند اجرای طرحهای آماده‌سازی اراضی.
- ۵ - تصمیم‌گیری درخصوص تأمین مصالح ساختمانی موردنیاز پروژه‌های بخش مسکن.
- ۶ - پیگیری تأمین و اعطای تسهیلات بانکی پروژه‌های بخش مسکن.
- ۷- تعیین و اعلام عوارض پروانه و تراکم ساخت در هر شهر و نحوه اعمال تخفیف و تقسیط آن طبق ماده (۱۶) قانون یادشده، توسط شهرداریها.
- ۸ - هماهنگی در نحوه پرداخت یارانه‌های بخش مسکن استان.
- ۹- هماهنگی در تهیه و به روزرسانی سامانه اطلاعات و معاملات مسکن و تدارک سامانه اطلاعات برنامه‌های بخش مسکن منطبق با سامانه مرکزی.
- ۱۰- پایش عوامل رشد قیمت مسکن در استان و اتخاذ تدابیر لازم برای کنترل قیمت.
- ۱۱- نظارت بر روند تهیه و تأیید نقشه‌های آماده‌سازی و ساخت مسکن گروههای کم‌درآمد.
- ۱۲- سایر وظایف محوله از طرف هیئت وزیران.
- ماده ۲- علاوه بر اعضای شورای استان، حضور رئیس سازمان بازرگانی، رئیس انجمن صنفی انبوه‌سازان، رئیس اتحادیه تعاونی‌های مسکن، رئیس کمیته امداد امام‌خمینی (ره) و نیز در صورت ضرورت سایر مدیران استانی و کارشناسان و صاحب‌نظران بدون حق رأی در جلسه بلامانع است.
- ماده ۳- جلسات شورای مسکن استان به ریاست استاندار و با حضور معاون امور عمرانی استاندار هر پانزده روز یک‌بار تشکیل می‌گردد.
- ماده ۴- جلسات شورا با حضور استاندار و نصف به علاوه یک اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات با رأی اکثریت اعضاء حاضر اتخاذ می‌گردد.
- ماده ۵ - دبیر شورای مسکن موظف است گزارش عملکرد شورا را هر ماه به وزارت مسکن و شهرسازی ارائه نماید.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۰ مورخ ۱۳۸۸/۵/۸)

۳. تصویب‌نامه در خصوص اقدامات وزارت نیرو

هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱/۲۳ بنا به پیشنهاد شماره ۲۵۳۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۸/۱/۱۷ وزارت نیرو و به منظور اجرای رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص اصلاح الگوی مصرف، حفظ و صیانت از منابع ارزشمند انرژی کشور و امکان کنترل و کاهش خاموشی‌ها و به استناد اصل یکصد و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

۱- وزارت نیرو موظف است اقدامات زیر را انجام دهد:

الف - برنامه‌ریزی و اقدام برای توسعه نیروگاههای سیکل ترکیبی و تولید همزمان برق و حرارت به طوری که راندمان نیروگاههای حرارتی کشور سالانه به میزان یک درصد افزایش یابد، تا در پایان برنامه پنجم توسعه به چهل و یک درصد برسد.

ب - کاهش تلفات شبکه‌های انتقال و توزیع با انجام اقداماتی از جمله بهینه‌سازی شبکه‌های فرسوده، اصلاح لوازم اندازه‌گیری و جمع‌آوری انشعابات غیرمجاز به نحوی که با کاهش سالانه حداقل یک و نیم درصد، در پایان برنامه پنجم توسعه به چهارده درصد برسد.

پ - توزیع حداقل پنجاه میلیون لامپ یارانه‌ای به منظور اصلاح الگوی مصرف روشنائی و توسعه استفاده از لامپهای کم‌مصرف و پربازده در سال ۱۳۸۸.

ت - اصلاح الگوی مصرف با هماهنگی واحدهای بسیج و ستاد امور مساجد کشور در مراکز مذهبی و زیارتی و مساجد از طریق اقداماتی از جمله توزیع لامپهای کم‌مصرف.

ث - طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی و تدوین متونی در رابطه با الگوی مصرف در تمامی مقاطع تحصیلی با همکاری وزارت آموزش و پرورش.

ج - پیاده‌سازی کامل شبکه هوشمند قرائت و مدیریت مصرف مشترکان برق در سطح کشور طی پنج سال آینده در جهت عملیاتی نمودن الگوی مصرف توسط مشترکان.

چ - تضمین خرید از تولیدکنندگان برق در مقیاس کوچک و ظرفیتهای تولید برق مشترکان از طریق عقد قراردادهای بلندمدت. قیمت تضمینی خرید هر کیلووات ساعت برق این نیروگاهها برابر با متوسط قیمت تبدیل انرژی در بازار عمده‌فروشی برق با احتساب ضرایب مربوط به صرفه‌جویی در

هزینه‌های انتقال و توزیع و کاهش تلفات شبکه برق به علاوه قیمت فروش یک‌چهارم مترمکعب گاز طبیعی به مولد خواهد بود که در ابتدای هر سال توسط وزارت نیرو محاسبه و پس از تأیید وزارت بازرگانی و وزارت امور اقتصادی و دارایی ابلاغ می‌گردد. قیمت یادشده به شرح مندرج در ماده (۷) آیین‌نامه اجرایی شرایط و تضمین خرید برق موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۶۸۲۵/ت/۳۳۱۸۸ هـ مورخ ۱۳۸۴/۴/۸ در قراردادهای بلندمدت منعقد شده درج و در سالهای پس از انعقاد قرارداد تعدیل می‌گردد. وزارت نیرو می‌تواند قیمت تضمینی خرید برق از مولدهای تولید همزمان برق و حرارت (و برودت) را متناسب با حرارت بازیافت شده حداکثر تا بیست درصد افزایش دهد.

ح - دریافت قیمت برق از واحدهای اداری دستگاههای اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به قیمت تمام شده. دستگاههای مذکور موظفند از محل منابع بودجه جاری خود نسبت به پرداخت صورتحسابها اقدام نمایند.

۲- به منظور اصلاح مصرف روشنایی و توسعه فرهنگ صرفه‌جویی، وزارت راه و ترابری، نیروی انتظامی و شهرداریها موظفند با هماهنگی وزارت نیرو نسبت به تعدیل و اصلاح روشنایی معابر شهری و بین‌شهری و پارکها اقدام نمایند.

۳- وزارت نفت موظف است به نحوی برنامه‌ریزی نماید که در طول سال با اولویت نسبت به تأمین گاز مصرفی نیروگاهها اقدام نماید، به طوری که مصرف سوخت مایع نیروگاهها به حداقل ممکن کاهش یابد.

۴- وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، صنایع و معادن و نیرو موظفند به نحوی برنامه‌ریزی نمایند که از واردات لازم و تجهیزات برقی با رتبه انرژی پایین‌تر از A و B جلوگیری شود.

۵ - وزارتخانه‌های نیرو، صنایع و معادن و مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، موظفند با هماهنگی لازم تدابیری را اتخاذ و اجرا نمایند تا رتبه انرژی لوازم و تجهیزات ساخت داخل طی دو سال آینده حداقل به میزان دو رتبه ارتقا یابد.

۶ - وزارت صنایع و معادن مکلف است ساز و کار مناسب را برای تعویض وسایل و تجهیزات انرژی بر فرسوده و کم‌بازده با وسایل و تجهیزات با رتبه برچسب مصرف انرژی A و B برقرار نماید.

- ۷- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور موظف است بسترهای حقوقی و حمایتی لازم را برای توسعه و فعالیت شرکتهای خدمات انرژی فراهم کند.
- ۸- از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی مجاز به نصب چیلرهای تراکمی در ساختمانهای خود نیستند و در صورت نیاز به سیستم‌های تهویه مطبوع مکلفند صرفاً از چیلرهای جذبی استفاده نمایند. شرایط و استانداردهای مورد نیاز ساختمانهای دولتی به سیستم‌های سرمایشی را وزارت مسکن و شهرسازی ظرف شش ماه تدوین و ابلاغ خواهد نمود. نصب و استفاده از کولرهای گازی جدید برای دستگاههای دولتی در مناطقی که میزان رطوبت نسبی آنها در تابستان کمتر از سی درصد است، از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه ممنوع می‌باشد.
- ۹- از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی که متقاضی دریافت انشعاب برق بیش از پانصد کیلووات می‌باشند، موظف به نصب سیستم تولید همزمان برق و حرارت (CHP) می‌باشند.
- ۱۰- با توجه به نتایج مثبت حاصل از اجرای بخشنامه شماره ۴۰۰۸۱/۴۳۷۲۰ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۶ که منجر به کاهش مصرف برق در بخش دولتی شده است، رعایت مفاد بخشنامه مذکور همچنان الزامی است.
- ۱۱- الگوی مصرف برای مصارف مختلف و نحوه محاسبه و دریافت جرایم به شرح جدول پیوست که تأیید شده به مهر پیوست تصویب‌نامه هیئت وزیران است، تعیین می‌گردد.
- ۱۲- وزارت نیرو ضمن نظارت بر حسن اجرای این تصویب‌نامه گزارش اقدامات انجام شده و نتایج حاصل شده را هر سه ماه یک بار به هیئت وزیران گزارش نماید.
- ۱۳- منابع مورد نیاز برای اجرای این تصویب‌نامه از محل صرفه‌جویی حاصل از کاهش مصرف انرژی و جرائم دریافتی از مشترکان پرمصرف، تأمین خواهد شد.
- ۱۴- این تصویب‌نامه از زمان ابلاغ لازم‌الاجرا خواهد بود.

جدول (۱) طبقه بندی مناطق گرم و مرطوب و مدت دوره زمانی آن

۱			
کلیه شهرهای استانهای خوزستان، بوشهر، هرمزگان و شهرهای چابهار و کنارک از سیستان و بلوچستان	۹	گرم ۱	ابتدای فروردین تا پایان آذر
شهرستانهای دو گنبدان و لیکک	۷	گرم ۱	ابتدای فروردین تا پایان مهر
شهرستانهای مهران، دهلران و نیک شهر	۶	گرم ۱	ابتدای اردیبهشت تا پایان مهر
شهرستانهای جیرفت، کهنوج، عنبرآباد، مینوجان، قلعه گنج، رودبار جنوب و فاریاب	۷	گرم ۱	ابتدای فروردین تا پایان مهر
شهرستانهای لار، لامرد	۳	گرم ۱	اول تیر تا پایان شهریور
	۳	گرم ۲	اردیبهشت، خرداد و مهر
شهرستانهای دهدشت، شهادت، شاهماران، بم، فهرج و ایرانشهر	۶	گرم ۲	ابتدای اردیبهشت تا پایان مهر
شهرستان زابل	۴	گرم ۲	ابتدای خرداد تا پایان شهریور
	۲	گرم ۳	اردیبهشت و مهر
شهرستانهای گیلانغرب، سرپل ذهاب، قصر شیرین، نفت شهر، قیر، کارزین و فراشبند و دهستانهای سرقلعه و جگیران	۶	گرم ۳	ابتدای اردیبهشت تا پایان مهر
شهرستانهای پلدختر، گنبد، کلاله و مینودشت	۳	گرم ۳	ابتدای تیر تا پایان شهریور
شهرستانهای درم شهر، آبدانان، نورآباد، خشت، کمارج، کازرون، داران، جهرم و طبس	۴	گرم ۴	ابتدای خرداد تا پایان شهریور
شهرستانهای جعفرآباد، پارس آباد، اصلاندوز، بيله سوار و کلیه شهرهای استان گلستان (به جز شهرستانهای گنبد، کلاله و مینودشت)	۳	گرم ۴	ابتدای تیر تا پایان شهریور
باقی و قم	۳	گرم ۴	ابتدای خرداد تا پایان مرداد
گرمسار، کاشان، آران و بیدگل، خور و بیابانک	۲	گرم ۴	تیر و مرداد

۱. در روزنامه رسمی در این محل که می‌بایست عناوین مشخص شود، چیزی درج نشده است.

آءءل (۲) الگوی مصرف مشترکین خانگی مناطق مختلف کشور

الگوی مصرف کیلوات ساعت در مازات	منطقه
۳۰۰	مناطق عاى از ابتءای تیر تا پایان شهریور
۲۰۰	سایر ایام سال
۲۰۰	ءوره غیر گرم مناطق گرم
۲۰۰۰	ءوره گرم مناطق گرم یک
۱۷۰۰	ءوره گرم مناطق گرم ءو
۷۰۰	ءوره گرم مناطق گرم سه
۴۰۰	ءوره گرم مناطق گرم چهار

آءل (۳) نحوه اعمال جریمه مصارف مازاء بر الگوی مصرف

ضریب جریمه		میزان مصرف ماهانه مازاء بر الگوی مصرف
مناطق غیر گرم مناطق گرم	مناطق گرم	
۰/۵	۰/۲	از یک برابر الگو تا ۱/۲۵ برابر آن
۰/۸	۰/۴	از ۱/۲۵ برابر الگو تا ۱/۵ برابر آن
۱	۰/۶	از ۱/۵ برابر الگو تا ۲ برابر آن
۱/۵	۱	از ۲ برابر الگو تا ۲/۵ برابر آن
۲	۱/۵	از ۲/۵ برابر الگو تا ۳ برابر آن
۲/۵	۲	بیش از ۳ برابر الگوی مصرف

آءل (۴) ضرایب جریمه مصارف مازاء بر الگوی بخش کشاورزی

ضریب	میزان مصرف و ءءرت ماهیانه مازاء بر الگو
۲	تا ۲۰ ءرصد مازاء
۴	از ۲۱ تا ۴۰ ءرصد مازاء
قیمت تمام شءه (۷۷۳ ریال برای هر کیلو وات ساعت) + قطع جریان برق	بیش از ۴۰ ءرصد مازاء

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۰ مورخ ۱۳۸۸/۵/۸)

۴. تصویب‌نامه در خصوص تأسیس شهرستان خور، بیابانک به مرکزیت شهر خور در تابعیت

استان اصفهان

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۳/۳۱ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده (۱۳) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری - مصوب ۱۳۶۲- تصویب نمود:

شهرستان خور، بیابانک به مرکزیت شهر خور از ترکیب بخش مرکزی به مرکزیت شهر خور، مشتمل بر دهستانهای بیابانک، جندق، نخلستان و شهر جندق در تابعیت استان اصفهان ایجاد و تأسیس می‌گردد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۰ مورخ ۱۳۸۸/۵/۸)

۵. تصویب‌نامه در خصوص تعیین درصد سهام دولتی قابل واگذاری در هر شرکت بابت سهام

عدالت به شرکتهای سرمایه‌گذاری استانی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۵ که در مرکز استان خراسان رضوی تشکیل شد، بنا به پیشنهاد وزارت اموراتقتصادی و دارایی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

۱- سهام دولتی (سهام متعلق به شرکتهای مادر تخصصی ذی‌ربط) و متعلق به دولت در شرکتهای زیر متضمن درصد سهام قابل‌واگذاری در هر شرکت بابت سهام عدالت به شرکتهای سرمایه‌گذاری استانی به استناد ماده (۳۴) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به نسبت مشمولین هر استان واگذار می‌شود تا برابر مقررات توسط انتقال گیرندگان اداره شود.

ردیف	نام شرکت	درصد سهام مورد واگذاری	ترکیب سهامداران
۱	ملی گاز ایران	۴۰	۱۰۰٪ دولت
۲	ملی صنایع پتروشیمی	۴۰	۱۰۰٪ دولت
۳	هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما)	۴۰	۱۰۰٪ دولت
۴	پایانه‌های صادراتی مواد نفتی	۴۰	۱۰۰٪ دولت
۵	دخانیات ایران	۴۰	۱۰۰٪ دولت
۶	پالایش نفت بندرعباس	۱۰	۳۰٪ کارگزاری سهام عدالت - ۷۰٪ دولت
۷	پالایش نفت والان	۱۰	۳۰٪ کارگزاری سهام عدالت - ۷۰٪ دولت
۸	پالایش نفت تهران	۱۰	۳۰٪ کارگزاری سهام عدالت - ۷۰٪ دولت
۹	پالایش نفت شیراز	۱۰	۳۰٪ کارگزاری سهام عدالت - ۷۰٪ دولت
۱۰	پالایش نفت کرمانشاه	۱۰	۳۰٪ کارگزاری سهام عدالت - ۷۰٪ دولت
۱۱	پالایش نفت آبادان	۱۰	۳۰٪ کارگزاری سهام عدالت - ۷۰٪ دولت
۱۲	پالایش نفت اراک	۱۰	۳۰٪ کارگزاری سهام عدالت - ۷۰٪ دولت
۱۳	پالایش نفت تبریز	۱۰	۳۰٪ کارگزاری سهام عدالت - ۲۰٪ صندوقهای بازنشستگی - ۵۰٪ دولت
۱۴	ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران	۴۰	۱۰۰٪ دولت

۲- از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه کلیه حقوق مالکانه سهام شرکت‌های موضوع بند (۱) متعلق به شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی مربوط می‌باشد و شرکت‌های مربوط موظفند بلافاصله اقدامات لازم در مورد انتقال مالکیت سهام به انتقال گیرنده را به عمل آورند.

۳- قیمت سهام شرکت‌های بورسی که نماد معاملاتی آنها در تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه در بورس باز باشد براساس قیمت تابلو بورس در تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه تعیین می‌گردد. قیمت سهام شرکت‌هایی که در حال پذیرش در بورس می‌باشند معادل میانگین قیمت تابلو بورس در پایان معاملات ظرف پانزده روز معاملاتی بعد از کشف قیمت سهام خواهد بود و قیمت قطعی در هیئت واگذاری به تصویب خواهد رسید.

۴- در صورتی که مبالغ سهام واگذاری به صورت علی‌الحساب به مبلغ یکصد و پنجاه و پنج هزار میلیارد (۱۵۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال پس از تعیین قیمت قطعی سهام مزبور بیشتر و یا کمتر باشد

درصد سهام و یا سهام شرکتهای جدید با اختیار وزارت امور اقتصادی و دارایی تا مبلغ یکصد و پنجاه و پنج هزار میلیارد (۱۵۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال کسر و یا اضافه خواهد شد.

۵ - هزینه‌های مربوط برای انجام تشریفات قانونی و معاملات سهام توسط انتقال گیرندگان سهام از محل سود سهام شرکتهای واگذار شده در طرح سهام عدالت تأمین و پرداخت خواهد شد.
(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۰ مورخ ۱۳۸۸/۵/۸)

۶. آیین‌نامه اجرایی نحوه تشکیل و نظارت بر شرکتهای تعاونی سهام عام

وزیران عضو کارگروه تصویب آیین‌نامه‌های مربوط به قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۷ - به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۸۶۰۸۴/ت ۴۱۶۳۳ هـ - مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ آیین‌نامه اجرایی نحوه تشکیل و نظارت بر شرکتهای تعاونی سهامی عام را به شرح زیر تصویب نمودند:

ماده ۱- شرکتهای تعاونی سهامی عام شرکتهایی هستند که با رعایت جزء (۹) ماده (۱) و در چارچوب محدودیتهای مندرج در ماده (۱۲) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی که در این آیین‌نامه قانون نامیده می‌شود، با اخذ مجوز از وزارت تعاون ایجاد می‌شوند.
تبصره - هر شرکت سهامی یا تعاونی می‌تواند با اصلاح اساسنامه در چارچوب قوانین و مقررات مربوط و با رعایت مفاد این آیین‌نامه و با مجوز وزارت تعاون به شرکت تعاونی سهام عام تبدیل شود.
ماده ۲- وزارت تعاون مکلف است از طرق زیر بر فعالیت شرکتهای تعاونی سهامی عام نظارت نماید:

۱- انطباق مفاد اساسنامه با شرایط ماده (۱۲) قانون

۲- حضور نماینده وزارت تعاون در جلسات مجامع عمومی

۳- انجام تشریفات بلوک‌بندی از جمله انجام انتخابات بلوکها

۴- اخذ گزارشهای موردی و سالانه مجامع عمومی

۵ - دسترسي به دفتر نقل و انتقال يا معاملات سهام
 ۶ - ارائه مجوز ثبت هرگونه اوراق سهام يا تصميمات شرکتهای مذکور و هرگونه تغيير در سرمايه و اساسنامه، ادغام و انحلال آنها
 تبصره - نظارت وزارت تعاون بر فعاليت شرکتهای تعاوني سهام عام مطابق نظارت بر ساير شرکتهای تعاوني است که از طريق وزارت مذکور اعلام مي شود.
 ماده ۳- تغيير نوع شرکتهای تعاوني سهامی عام منوط به تعيين تکليف مزايای برخوردار شده از آن است که پس از تأييد وزارت تعاون و نيز ساير مراجع پيش بيني شده در اساسنامه صورت مي گيرد.
 (نقل از روزنامه رسمي شماره ۱۸۷۷۱ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۱)

۷. آيين نامه نحوه تشکيل جلسات و چگونگي اتخاذ تصميمات هيئت داوري موضوع ماده (۲۱)

تفنيذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
 وزيران عضو کارگروه تصويب آيين نامه های مربوط به قانون اصلاح موادى از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سياستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعايت تصويب نامه شماره ۱۸۶۰۸۴/ت/۴۱۶۳۳ هـ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ هيئت وزيران، آيين نامه نحوه تشکيل جلسات و چگونگي اتخاذ تصميمات هيئت داوري موضوع ماده (۲۱) تفنيذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر تصويب نمودند:

فصل اول - تعاریف و کلیات

ماده ۱- هيئت داوري موضوع ماده (۲۱) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که از اين پس به اختصار «هيئت» ناميده مي شود، به منظور رسيدگی، اظهارنظر و اتخاذ تصميم در مورد شکايت اشخاص حقيقي و حقوقی از هریک از تصميمها در امر واگذاری، به ترتيب مقرر در اين آيين نامه تشکيل و به شکايات و اختلافات رسيدگی می نماید.

ماده ۲- اصطلاحات مندرج در این آیین نامه در معانی مشروح زیر به کار می‌روند:

الف - شکایت: اعلام و تقاضای رسیدگی هریک از طرفین قرارداد یا اشخاص ذینفع، در خصوص خلف از مقررات نسبت به هریک از تصمیم‌ها در امر واگذاری.

ب - اختلاف: اعتراض و عدم موافقت طرفین قرارداد در هریک از تصمیمات واگذاری از جمله موارد زیر است:

- ۱- انعقاد قرارداد واگذاری.
- ۲- تفسیر قرارداد یادشده.
- ۳- اجرای قرارداد یادشده.

ج - قرارداد واگذاری: منظور قراردادهای واگذاری مالکیت (اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام، حق تقدم سهام و سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه و اموال) و واگذاری مدیریت (اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت)، در کلیه موارد مشمول قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی است.

د - اشخاص حقیقی یا حقوقی: منظور « اشخاص حقیقی یا حقوقی » یادشده در صدر ماده بیست (۲۰) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک این آیین نامه، اعم از اشخاص بخش خصوصی یا عمومی است.

ماده ۳- کلیه دستگاههای اجرایی موظف به همکاری با هیئت خواهند بود.

فصل دوم - تشکیلات و نحوه اداره جلسات هیئت

ماده ۴- اولین جلسه هیئت ظرف دو هفته پس از ابلاغ احکام انتصاب اعضای آن تشکیل می‌شود. اعضای هیئت در اولین جلسه از بین خود یک نفر را به عنوان رئیس و یک نفر را به عنوان دبیر و سخنگو انتخاب خواهند نمود.

ماده ۵ - جلسات هیئت با دعوت کتبی رئیس هیئت تشکیل می‌شود و حداقل در هر ماه یک جلسه خواهد داشت. دعوت نامه متضمن دستور جلسه، حداقل یک هفته قبل از برگزاری جلسات برای اعضاء ارسال می‌شود.

تبصره - علاوه بر جلسات ماهانه، با نظر رئیس هیئت و متناسب با تعداد شکایات دریافتی یا موضوعات قابل طرح، جلسات فوق‌العاده نیز تشکیل می‌شود.

ماده ۶ - جلسات هیئت در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود و دبیرخانه آن نیز در وزارتخانه یادشده مستقر است. هیئت می‌تواند نیروی کارشناسی و اداری موردنیاز خود را متناسب با حجم کار جذب نماید. بودجه موردنیاز دبیرخانه هیئت همه ساله توسط وزیر دادگستری پیشنهاد و در لوایح بودجه سالیانه کل کشور (وزارت دادگستری) منظور می‌شود.

تبصره - تشکیلات دبیرخانه هیئت توسط هیئت پیشنهاد و به تصویب وزیر دادگستری می‌رسد. ماده ۷- جلسات هیئت با حضور حداقل پنج نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با حداقل رأی مثبت چهار نفر از اعضا اعتبار دارد. برای هر جلسه صورتجلسه‌ای تنظیم و نظر اقلیت نیز باید در آن درج و به امضاء برسد.

ماده ۸ - موارد رد اعضای هیئت همان موارد رد دادرس در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است.

ماده ۹- حق‌الزحمه کارشناسی و هزینه ترجمه اسناد و مدارک، باید توسط متقاضی پرداخت شود. هیئت مجاز است نسبت به افتتاح حساب بانکی به نام خود با امضای مشترک رئیس و دبیر هیئت نزد یکی از شعب بانکها اقدام کند. دریافت و پرداخت هزینه‌های مربوط به داوری از طریق این حساب صورت می‌گیرد.

فصل سوم - ترتیب رسیدگی و صدور رأی

ماده ۱۰- هیئت نحوه طرح ادعا یا شکایت، آیین داوری و چگونگی رسیدگی به ادله را از طریق تنظیم و تصویب دستورالعمل داخلی به گونه‌ای تعیین خواهد نمود که از رعایت اصول اساسی نظیر اعطای فرصت کافی برای دفاع و رسیدگی مناسب و مقتضی به ادله طرفین، اطمینان حاصل شود.

ماده ۱۱- هیئت در صورت لزوم، طرفین شکایت یا اختلاف را به جلسه رسیدگی دعوت می‌نماید. طرفین می‌توانند وکیل قانونی خود را برای حضور، ادای توضیح و تعقیب شکایت یا اختلاف معرفی نمایند. دستگاههای دولتی نیز می‌توانند نماینده حقوقی خود را به همین منظور معرفی کنند.

ماده ۱۲- با وجود احرار اطلاع از وقت حضور در جلسه رسیدگی، عدم حضور طرفین دعوی یا اختلاف، وکیل قانونی آنان یا نماینده قضایی معرفی شده، مانع رسیدگی، اظهارنظر، اتخاذ تصمیم و صدور رأی نیست. چنانچه هریک از طرفین یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنان در جلسه حضور نیابند، هیئت می تواند دعوت را تکرار نماید و در صورت عدم حضور طرفین دعوی یا اختلاف، رسیدگی را ادامه دهد.

ماده ۱۳- هیئت در صورت لزوم می تواند نسبت به انجام تحقیقات محلی، علمی، فنی، مالی، بررسی محل، ترجمه اسناد و اوراق، کارشناسی یا دریافت اطلاعات از مطلعین و نظایر این اقدام نماید. ماده ۱۴- هیئت موظف است ظرف چهار ماه از تاریخ ارجاع اختلاف به داوری، به موضوع رسیدگی و رأی خود را صادر کند. این مدت با گزارش توجیهی هیئت فقط برای یکبار و تا چهار ماه دیگر قابل تمدید است.

ماده ۱۵- خلاصه مذاکرات جلسات، قرارها، دستورها، نظرات و تصمیمات هیئت در صورت جلسات درج و به امضاء اعضاء می رسد.

ماده ۱۶- در مقدمه رأی داوری خلاصه موضوع، ادعاها، مدافعات، دلایل هر یک از طرفین و رسیدگیهای انجام شده، درج می شود. رأی داوری به طرفین ابلاغ و یک نسخه از آن جهت اطلاع برای رییس هیئت ارسال می گردد.

ماده ۱۷- آراء هیئت باید مستدل و مستند به قوانین موجد حق و اصول علمی و حقوقی باشد. ماده ۱۸- چنانچه طرفین اختیار مصالحه و سازش را به هیئت کنند، هیئت می تواند رأی خود را بر مبنای مصالحه صادر کند. چنانچه طرفین رأساً در حدود قوانین، در موضوع مطروحه سازش کنند مراتب را به هیئت اعلام می نمایند. در اینصورت رأی هیئت بر مبنای مصالحه انجام شده صادر خواهد شد مشروط بر اینکه مخالف قوانین موجد حق نباشد.

فصل چهارم - ابلاغ و اجرای رأی

ماده ۱۹- ابلاغ دعوت نامه ها، نظرات، تصمیمات و آراء هیئت از طریق پست سفارشی یا ترتیب دیگری که مقتضی باشد و ایجاد قطع به وقوع ابلاغ نماید، توسط دبیرخانه هیئت صورت می گیرد. ماده ۲۰- آراء هیئت پس از ده روز از تاریخ ابلاغ به طرفین، قطعی و لازم الاجرا است.

ماده ۲۱- پس از ابلاغ رأي و قطعيت آن در صورتي كه محكوم عليه در مقام اجراي رأي برنياید، ذينفع طبق مقررات باب داوري قانون آيين دادرسي دادگاههاي عمومي و انقلاب در امور مدني، مي تواند از دادگستري تقاضاي اجراي رأي نمايد.

ماده ۲۲- در صورت خودداري هريك از كاركنان دستگاههاي دولتي از اجراي آراء هيئت، رئيس هيئت موضوع را به وزير يا بالاترين مقام دستگاه متبوع وي اعلام مي نمايد. مستتكف طبق مقررات انضباطي تعقيب و مجازات خواهد شد.

فصل پنجم - اعتراض به رأي

ماده ۲۳- رأي هيئت ظرف ده روز از تاريخ ابلاغ و پس از انقضاء مدت يادشده فقط در صورت وجود عذر موجه براي تاخير، در حدود مقررات ماده (۲۳) تنفيذي قانون برنامه سوم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران قابل اعتراض است.

تبصره - جهات عذر موجه، موارد ياد شده در زير ماده (۳۰۶) قانون آيين دادرسي دادگاههاي عمومي و انقلاب در امور مدني مي باشد.

ماده ۲۴- اعتراض نسبت به رأي هيئت به طور كتبي به دفاتر شعب خاصي كه توسط رئيس قوه قضائيه تعيين خواهد شد، تقديم مي شود. اين شعب خارج از نوبت به اعتراض رسيدگي و رأي مقتضي صادر مي نمايند. رأي صادره قطعي و لازم الاجرا است.

(نقل از روزنامه رسمي شماره ۱۸۷۷۱ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۱)

۸. اصلاح ماده (۲۳) و تبصره آن و ماده (۲۴) آيين نامه اجرايي قانون تشويق و حمايت

سرمايه گذاري خارجي

وزيران عضو كميسيون اقتصاد در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۲ بنا به پيشنهاد شماره ۳۷۶۵۷ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۲ وزارت امور اقتصادي و دارايي و به استناد ماده (۲۵) قانون تشويق و حمايت سرمايه گذاري خارجي - مصوب ۱۳۸۱- و با رعايت تصويب نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت/۳۷۳ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰، تصويب نمودند:

ماده (۲۳) و تبصره آن و ماده (۲۴) آیین نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی، موضوع تصویب نامه شماره ۳۲۵۵۶/ت ۲۷۰۳۲ هـ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۳ به شرح زیر اصلاح می شوند:

ماده ۲۳- انتقالات یاد شده در مواد (۱۳)، (۱۴) و (۱۵) قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی، مربوط به هریک از روشهای سرمایه گذاری موضوع ماده (۳) قانون، از طریق ارزش خریداری شده از نظام بانکی صورت خواهد پذیرفت. هیئت براساس گزارش موسسه حسابرسی پیرامون آخرین وضعیت اصل سرمایه، میزان سود سرمایه و عایدات سرمایه ای متعلق به سرمایه گذار خارجی میزان وجوه قابل انتقال (که در مورد سرمایه گذاریهای موضوع بند «ب» ماده (۳) قانون فقط از محل عملکرد اقتصادی طرح خواهد بود) را تعیین و با تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی، مجوز خروج وجوه مربوط در هر مورد را صادر می کند.

تبصره - شرایط یادشده در صدر این ماده برای سرمایه گذاریهای خارجی در چارچوب ترتیبات قراردادی مانند بای بک (BuyBack) که برگشت اصل سرمایه و سایر انتقالات آنها از محل صادرات کالا انجام می شود، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۴- در اجرای بند «الف» ماده (۲) قانون، چنانچه مقرر شود محصولات تولیدی و یا خدمات بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر صادر شود، بنگاه اقتصادی سرمایه پذیر موظف است پروانه گمرکی مربوط و یا گواهی صادرات خدمات را به سازمان ارایه دهد.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۱ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۱)

۹. تصویب نامه در خصوص الگوی مصرف آب در مصارف مختلف

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱/۲۳ بنا به پیشنهاد شماره ۲۵۳۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۸/۱/۱۷ وزارت نیرو و با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری در زمینه اصلاح الگوی مصرف و به استناد بند (ز) ماده (۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - و تبصره آن تصویب نمود:

۱- وزارتخانه ها و واحدهای تابع، شرکتهای دولتی، نهادها و سازمانها، مراکز نظامی و انتظامی، نهادهای خدمات عمومی، واحدهای تجاری و بخشهای خدماتی کارخانه ها و تمامی کاربریهای

غیرخانگی که از شبکه‌های آب شرب استفاده می‌نمایند، مکلفند مصارف خود را نسبت به دوره مشابه در سال ۱۳۸۷ کاهش دهند.

شرکتهای آب و فاضلاب شهری و روستایی موظفند در اسرع وقت سقف مصرف مجاز مصرف‌کنندگان بند (۱) را اعلام و بهای مصارف مازاد را براساس بند (ج) ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی قانون الحاق یک بند و دو تبصره به ماده (۱۳۳) قانون برنامه سوم توسعه تنفیذی در تبصره بند (ز) ماده (۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، محاسبه و دریافت نمایند. در صورت عدم رعایت سقف مصرف اعلام شده و پس از اخطار کتبی و عدم رعایت آن، انشعاب آب آنها به صورت موقت قطع و با اخذ تعهدنامه کتبی وصل خواهدشد.

۲- وزارت نیرو موظف است آب مصرفی و خدمات دفع فاضلاب واحدهای اداری دستگاههای اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری را بر مبنای قیمت تمام‌شده (حداقل هزار و هفتصد و حداکثر چهار هزار ریال) محاسبه و دریافت نماید. هرگونه تغییر قیمت تمام شده برای سالهای آینده توسط کارگروهی متشکل از نمایندگان وزارت نیرو، وزارت بازرگانی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور صورت خواهدگرفت.

۳- جدول شماره یک پیوست مصوبه شماره ۳۰۹/۱۵۰۰۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۹/۸ شورای اقتصاد به شرح ذیل اصلاح می‌شود.

ماهانه	تعرفه
از الگوی مصرف تا ۱/۲۵ برابر مازاد بر الگو	۱/۵ برابر قیمت تمام شده
مصارف مازاد بر ۱/۲۵ برابر الگوی مصرف تا ۱/۵ برابر مازاد بر الگو	۲ برابر قیمت تمام شده
مصارف مازاد بر ۱/۵ برابر الگوی مصرف تا ۱/۷۵ برابر مازاد بر الگو	۳ برابر قیمت تمام شده
مصارف مازاد بر ۱/۷۵ برابر الگوی مصرف تا ۲ برابر مازاد بر الگو	۴ برابر قیمت تمام شده
مصارف مازاد بر دو برابر الگوی مصرف تا ۲/۵ برابر مازاد بر الگو	۵/۵ برابر قیمت تمام شده
مصارف مازاد بر ۲/۵ برابر الگوی مصرف	۷/۵ برابر قیمت تمام شده

۴- در شهرهایی که از شبکه آب شرب برای تأمین آب فضای سبز استفاده می‌شود، با اعلام شرکت آب و فاضلاب، شهرداریهای سراسر کشور موظف به تقلیل قطر انشعاب و یا جمع‌آوری

انشعابات مذکور بوده و کمبود آب موردنیاز از طریق حفر چاه با اخذ مجوز از شرکتهای آب منطقه‌ای، جبران گردد.

۵- وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریهای سراسر کشور موظفند نسبت به رعایت دقیق مبحث (۱۶) مقررات ملی ساختمان و تفاهم‌نامه بین وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و نیرو و سازمان نظام مهندسی ساختمان در این خصوص اقدام نمایند.

۶- آب بهای اقامتگاههای غیردائمی کشور (از جمله ویلا، باغ ویلا، خانه باغ و مجتمع‌های مسکونی برای اقامت مقطعی و محل غیرکسب و کار زندگی افراد) برابر قیمت تمام شده محاسبه و دریافت می‌شود.

تبصره - دستورالعمل اجرایی این بند توسط وزارت نیرو ظرف دو ماه تعیین و ابلاغ می‌شود.

۷- وزارت نیرو با هماهنگی مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مکلف است طی دو سال به منظور اعمال مدیریت مصرف بهینه آب نسبت به تهیه و تدوین معیارها و مشخصات فنی مرتبط با مصرف بهینه آب در تجهیزات، فرایندها و سیستم‌های مصرف‌کننده آب، به ترتیبی که مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان ملزم به رعایت این مشخصات و معیارها باشند، اقدام کند. شورای عالی استاندارد این موارد را تصویب و ابلاغ خواهد کرد.

۸- به شرکتهای آب و فاضلاب اجازه داده می‌شود نسبت به دراختیار گذاردن تجهیزات کاهنده مصرف برای مشترکان متقاضی اعم از خانگی و غیرخانگی اقدام و هزینه مربوط را با درج در قبوض آب بها ظرف یک سال دریافت کنند.

۹- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از طریق شبکه‌های ملی و استانی برای فرهنگ‌سازی اصلاح الگوی مصرف آب با اخذ حداقل هزینه‌ها، همکاری‌های لازم را با شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور و شرکتهای آب و فاضلاب استانی معمول داشته و با هماهنگی وزارت نیرو به نحوی برنامه‌ریزی کند که به طور روزانه برنامه‌های خاصی برای تبلیغ و آموزش و نحوه مصرف بهینه و کاهش مصرف آب اختصاص یابد.

۱۰- وزارت آموزش و پرورش با همکاری وزارت نیرو، موظف است اصلاح الگوی مصرف آب در مصارف مختلف را در تدوین کتب درسی و برنامه‌های آموزشی و پرورشی اعمال نماید.

- ۱۱- به منظور انجام عملیات مرتبط با مدیریت مصرف و کاهش هدررفت آب در تأسیسات آب شرب شهرها و روستاها از محل اعتبارات مدیریت خشکسالی به این امر اختصاص یابد تا وزارت نیرو با هماهنگی وزارت کشور نسبت به توزیع استانی آن اقدام کند.
- ۱۲- وزارت نیرو موظف است با انجام اقدامات لازم از جمله بهینه‌سازی شبکه‌های فرسوده اصلاح خطوط و شیرآلات و جمع‌آوری انشعابات غیرمجاز به نحوی اقدام نماید که سالانه دو درصد، آب بدون درآمد کاهش یابد.
- ۱۳- این تصویب‌نامه از زمان ابلاغ لازم‌الاجرا خواهدبود.
- (نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۱ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۱)

۱۰. الحاق تبصره‌های (۱)، (۲) و (۳) به ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون جامع

حمایت از حقوق معلولان

وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۳ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه آزاد اسلامی و به استناد تبصره ماده (۸) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان - مصوب ۱۳۸۳ - و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت/۳۷۳ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ تصویب نمودند:

متون زیر به عنوان تبصره‌های (۱)، (۲) و (۳) به ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۸۶۳۸/ت/۳۲۳۵۴ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۰ اضافه می‌شوند:

تبصره ۱- در امتحانات و مسابقات ورودی و نیز آزمون‌ها و امتحانات عمومی و تخصصی و حرفه‌ای و فنی که توسط واحدهای آموزشی موضوع ماده (۸) قانون برگزار می‌شود، تأمین مترجم زبان اشاره برای شرکت‌کنندگان ناشنوا و تأمین منشی برای شرکت‌کنندگان نابینا^۱ و کم‌بینا و معلولان خاص (به تشخیص سازمان بهزیستی کشور) و همچنین فراهم نمودن سایر امکانات لازم برای اجرای

۱. کلمه نابینا صحیح است.

امتحانات و آزمونهای مربوط، برعهده واحد برگزارکننده آزمون می‌باشد. سازمان آزمون گیرنده می‌تواند از امکانات سازمان بهزیستی کشور نیز استفاده نماید.

تبصره ۲- مدت زمان پاسخگویی به سؤالات آزمونهای یادشده برای شرکت کنندگان مذکور که به تشخیص سازمان بهزیستی کشور نیاز به وقت اضافه دارند، یک و یک سوم برابر زمان هر آزمون خواهد بود.

تبصره ۳- فراگیران کم‌بینا، نابینا، کم‌شنوا و ناشنوا می‌توانند با توافق واحد آموزشی مربوط، در کلاسهای درس تمامی دروس را ضبط یا از رابط آموزشی استفاده نمایند.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

۱۱. تصویب‌نامه درخصوص اجرای اجباری استاندارد نصب کیسه ایمنی هوا بر روی خودرو

(AIR BAG) از ابتدای برنامه پنجم توسعه

شورای عالی استاندارد در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۳ کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط‌زیست بنا به پیشنهاد مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و به استناد بند (۵) ماده (۲۰) قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران - مصوب ۱۳۷۶ - تصویب نمود:

اجرای استاندارد نصب کیسه ایمنی هوا بر روی خودرو (AIR BAG) از ابتدای برنامه پنجم توسعه اجباری می‌شود.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

۱۲. تصویب‌نامه درخصوص تعیین استانداردهای هوای پاک برای سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰

شورای عالی حفاظت محیط زیست در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۱ کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست، بنا به پیشنهاد شماره ۱۱۰۷۷/۱- مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ سازمان حفاظت محیط زیست و به استناد بند «الف» ماده (۶۲) قانون برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳- تصویب نمود:

۱- استانداردهای هوای پاک برای سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱۳۹۰		۱۳۸۹		۱۳۸۸		نوع آلاینده
Ppm	µg/m3	Ppm	µg/m3	Ppm	µg/m3	
۹ ۳۵	۱۰۰۰۰ ۴۰۰۰۰	۹ ۳۵	۱۰۰۰۰ ۴۰۰۰۰	۹ ۳۵	۱۰۰۰۰ ۴۰۰۰۰	مونوکسید کربن (CO) حداکثر ۸ ساعته حداکثر ۱ ساعته
۰/۰۰۷ ۰/۰۳۷	۲۰ ۱۰۰	۰/۰۱۹ ۰/۰۹۴	۵۰ ۲۵	۰/۰۳ ۰/۱۴	۸۰ ۳۵۶	دی اکسید گوگرد (SO ₂) سالیانه حداکثر ۲۴ ساعته
۰/۰۲۱	۴۰	۰/۰۳۱	۶۰	۰/۰۵	۱۰۰	دی اکسید نیتروژن (NO ₂) سالیانه
-	۲۰ ۵۰	-	۴۰ ۹۰	-	۱۵۰	ذرات معلق (PM ₁₀) سالیانه حداکثر ۲۴ ساعته
-	۱۰ ۲۵	-	۱۲ ۳۰	-		ذرات معلق (PM _{2/5}) سالیانه حداکثر ۲۴ ساعته
۰/۰۵	۱۰۰	۰/۰۷۱	۱۴۰	- ۰/۰۸	- ۱۶۰	اوزن (O ₃) حداکثر ۸ ساعته حداکثر ۱ ساعته
	۰/۵		۰/۵	-	-	سرب (Lead) سالیانه
	۵		۵	-	-	بنزن سالیانه
	۱ (ng/m3)		۱ (ng/m3)	-	-	بنزوالفایرین سالیانه

تبصره ۱- در سال ۱۳۸۸ معیار سنجش، پارامتر ذرات معلق و به میزان ۱۵۰ میکروگرم بر متر مکعب مورد عمل بوده و تفکیکی بر روی قطر ذرات در این معیار لحاظ نگردیده است و از سال ۱۳۹۰ این پارامترها اضافه شده است.

تبصره ۲- در سال ۱۳۸۸ مقادیر مجاز برای این پارامتر در نظر گرفته نشده است.

۲- حداکثر تعداد مجاز تکرارشوندگی هر آلاینده در یک سال به شرح زیر تعیین می‌شود:

ردیف	آلاینده	میانگین سنجش	استاندارد کیفیت هوا	حداکثر مجاز باری تکرار در یک سال
۱	دی اکسید گوگرد	۱۰ دقیقه‌ای	۵۰ µg/m ³	۲۴ بار
۲	دی اکسید گوگرد	۲۴ ساعته	۵۰ µg/m ³	۳ بار
۳	دی اکسید نیتروژن	۱ ساعته	۲۰ µg/m ³	۱۸ بار
۴	دی اکسید نیتروژن	یک ساله	۴۰ µg/m ³	-
۵	ذرات معلق pm10	۲۴ ساعته	۵۰ µg/m ³	۷ بار
۶	ذرات معلق pm10	یک ساله	۲۰ µg/m ³	-
۷	ازن	۸ ساعته	۱۰۰ µg/m ³	۲۰ بار
۸	منواکسید کربن	۸ ساعته	۱۰ µg/m ³	-
۹	بنزن	یک ساله	۵ µg/m ³	-
۱۰	بنزو آلفا پیرن	یک ساله	۱ ng/m ³	-

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

۱۳. تصویب‌نامه در خصوص قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی -

اجتماعی و فرهنگی ج. ۱.۱. و دستگاههای اجرای موضوع ماده (۸۶)

وزیران عضو کارگروه تصویب آیین‌نامه‌های مربوط به قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۷ - به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۸۶۰۸۴/ت/۴۱۶۳۳ هـ - مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ تصویب نمودند:

۱- منظور از کلمه قانون و دستگاههای اجرایی در این تصویب‌نامه، به ترتیب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی - مصوب ۱۳۸۷ و دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۸۶) قانون است.

۲- منظور از سازمانهای توسعه‌ای موضوع تبصره (۳) بند (الف) ماده (۳) قانون، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، بانک توسعه صادرات ایران، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن، بانک توسعه تعاون و شرکت ملی صنایع پتروشیمی می‌باشد.

۳- در اجرای تبصره (۱) بند (ب) ماده (۳) قانون، دستگاههای اجرایی اعطاکننده مجوز مکلفند هرساله ارزش هر فعالیت در بازار را به تفکیک بخشهای دولتی و غیردولتی تعیین و اعلام نمایند. در این راستا به منظور اطمینان از رعایت سقف حداکثر بیست درصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی گروه دو ماده دو قانون، انجام هرگونه سرمایه‌گذاری در فعالیتهای موردنظر توسط دستگاههای اجرایی، مشروط بر آن است که ارزش فعالیتهای یاد شده در بازار با لحاظ مبلغ سرمایه‌گذاری جدید محاسبه و در گزارش توجیهی طرح سرمایه‌گذاری درج و به تصویب مراجع ذی ربط رسیده باشد.

۴- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با همکاری و هماهنگی وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و فرهنگ و ارشاد اسلامی، ظرف شش ماه لایحه موضوع تبصره (۲) بند (ج) ماده (۳) قانون را تهیه و به هیئت وزیران ارائه نماید.

۵- در اجرای مفاد ماده (۸) قانون، دستگاههای اجرایی مکلفند ظرف سه ماه هرگونه امتیازات دولتی قبلی که به موجب قوانین یا مقررات اجرایی در خصوص فعالیتهای گروه یک و دو ماده دو^۱ (۲) قانون در مورد آنها وضع شده است را شناسایی نموده و لغو یا تعمیم آنها به بخشهای غیردولتی را از مراجعی که وضع امتیاز نموده‌اند، درخواست کنند و هرگونه مواردی را که نیاز به صدور تصویب‌نامه هیئت وزیران داشته باشد، برای تصمیم‌گیری لازم به هیئت وزیران ارائه نمایند.

دستگاههای اجرایی یاد شده مکلفند گزارش اقدامات انجام شده را به دبیرخانه شورای عالی اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی ارسال نمایند.

۶- در اجرای مفاد بند (۱) ماده (۱۸) قانون، نمایندگی تمامی سهام متعلق به دولت و شرکتهای دولتی در سایر بنگاههای مشمول واگذاری از زمان تصویب نام بنگاه توسط هیئت واگذاری تا اتمام عملیات واگذاری تمامی سهام بنگاه، به وزارت امور اقتصادی و دارایی محول می‌شود. وزارت یاد شده

۱. کلمه «دو» زاید است.

دارای تمامی اختیاراتی است که در قانون تجارت برای سهامداران تعیین شده است و می‌تواند این مسئولیت را از طریق معرفی یک یا چند نماینده حسب مورد اعمال نماید.

۷ - شرکتهای دولتی مکلفند در اجرای بند (الف) ماده (۱۳) قانون ظرف سه ماه با رعایت ماده (۸) قانون مدیریت خدمات کشوری، مصادیق مربوط به سیاست‌گذاری و اعمال وظایف حاکمیتی مرتبط با موضوع فعالیت خود را شناسایی نموده و مراتب را برای تفکیک، محول شدن و انجام این‌گونه امور از طریق وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی ذی‌ربط به وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور اعلام نمایند.

تبصره - تشخیص نهایی مصادیق حاکمیتی موضوع این ماده در شرکتهای دولتی با کارگروه مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۵ مورخ ۸۸/۵/۲۶)

بخش، هفتم:

مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش

۱. مصوبه هفتصد و هشتاد و هشتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۸/۲/۱

موضوع: آیین‌نامه توسعه مشارکتهای مردمی به شیوه مدیریت هیات امنایی در مدارس

مقدمه

شورای عالی آموزش و پرورش در راستای کمک به اجرای ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۱۴۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استانها و شهرستانها و سیاست مدرسه محوری و به منظور ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس، جلب و توسعه مشارکتهای مردمی و خیرین در احداث و اداره امور مدارس، تقویت نظام مدیریتی، مالی و اجرایی مدارس مبتنی بر گسترش عدالت آموزشی و پیمان‌سپاری مدیریت مدارس، آیین‌نامه توسعه مشارکتهای مردمی به شیوه مدیریت هیات امنایی در مدارس را به شرح زیر تصویب می‌نماید:

ماده ۱- مدارس دولتی و خیرساز واجد شرایط به درخواست شورای مدرسه و تأیید شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه به صورت هیات امنایی اداره می‌شوند.

تبصره ۱- مجوز هیات امنایی شدن مدارس، به صورت موافقت اصولی موقت و برای مدت یک سال صادر می‌شود و در صورت احراز استانداردهای لازم، به موافقت قطعی تبدیل می‌شود.

تبصره ۲- در مرکز استان‌هایی که بیش از یک منطقه یا ناحیه آموزشی وجود دارد، شورای آموزش و پرورش شهرستان در چارچوب این آیین‌نامه و براساس سیاست‌های راهبردی خود می‌تواند تصمیم هیات امنایی شدن مدارس را به ادارات آموزش و پرورش مناطق یا نواحی ذیربط واگذار نماید.

تبصره ۳- در مدارس که به صورت مجتمع آموزشی (شامل دوره‌های مختلف تحصیلی) اداره می‌شوند، صرفاً یک هیات امنا به عنوان « هیات امنای مجتمع » تشکیل می‌شود. از آنجا که برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی در درازمدت اثربخشی بیشتری خواهد داشت و مجتمع‌های آموزشی سنوات بیشتری را برای ارائه خدمات تربیتی و آموزشی در اختیار دارند، لذا شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه می‌تواند، اختیارات بیشتری را به هیات امنای مجتمع تفویض نماید.

تبصره ۴- مدرسه خیرساز، مدرسه‌ای است که حداقل نیمی از هزینه‌های احداث و تجهیز آن توسط خیر یا خیرین تأمین شده باشد و خیر یا خیرین تمایل به مشارکت در اداره امور

مدرسه و استمرار حمایت مالی را داشته باشند. این مدرسه به پیشنهاد کتبی خیر و تصویب شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه زیر نظر هیأت امانا اداره می‌شود. خیرینی که با تامین حداقل معادل نیمی از قیمت مدرسه دولتی موجود، تمایل به مشارکت در بازسازی، توسعه، تجهیز و اداره مدرسه را دارند، نیز مشمول این آیین‌نامه می‌شوند.

تبصره ۵ - در صورتی که عملکرد مدرسه هیأت امنایی از نظر شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه اثربخش باشد، اداره مدرسه بصورت غیردولتی با رعایت مقررات واگذاری مدارس و حفظ حقوق دولت جمهوری اسلامی ایران بلامانع است.

ماده ۲- اعضای هیأت امنای مدرسه:

- ۱- مدیر مدرسه (دبیر هیأت امنای)
 - ۲- یکی از معاونان آموزشی مدرسه به انتخاب مدیر مدرسه
 - ۳- یک نفر از کارکنان آموزشی و یک نفر از کارکنان پرورشی مدرسه به انتخاب شورای معلمان
 - ۴- رئیس انجمن اولیا و مربیان مدرسه
 - ۵ - یک نفر از اولیای دانش‌آموزان به انتخاب انجمن اولیا و مربیان مدرسه
 - ۶ - دو نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان آموزشی یا فرهنگی ترجیحاً از استادان حوزه، دانشگاه یا مدارس مراکز تربیت معلم و آموزشکده‌های فنی و حرفه ای (در مدارس خیرساز، یک نفر به پیشنهاد خیر و یک نفر با معرفی مدیر و تایید سایر اعضای هیأت امنای)
 - ۷- یک نفر از خیرین و یا معتمدان محل (در مدارس خیرساز، خیر یا نماینده خیر)
 - ۸ - یک نفر از اعضای شورایاری محله یا موسسات و مراکز فرهنگی، ورزشی و مذهبی محل (مانند مسجد)
 - ۹- یک نفر از مدیران یا اعضای هیأت مدیره مراکز و موسسات تولیدی و خدماتی
- تبصره ۱- در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، فرد مذکور در بند ۹ متناسب با رشته و فعالیت هنرستان حتی‌الامکان از بین^۱ صاحبان حرف و شاغل مرتبط انتخاب می‌شود.
- تبصره ۲- افراد مندرج در بندهای ۶ و ۷ و ۸ و ۹ به پیشنهاد حداقل یک نفر و تایید اکثریت نسبی اعضای هیأت امنای انتخاب می‌شوند.

۱. به نظر می‌رسد کلمه «بین» مورد نظر بوده است.

تبصره ۳- در مجتمع‌های آموزشی، مدیر مجتمع جایگزین مدیر مدرسه مندرج در بندهای ۲۱ و ۲۲ می‌شود و اعضای بندهای ۳ و ۴ و ۵ متناظر با واحدهای مشابه در مجتمع تعیین می‌شوند.

تبصره ۴- رئیس هیأت امنای از بین اعضا (به استثنای مدیر مدرسه) و با رأی اکثریت نسبی برای مدت ۲ سال انتخاب و با ابلاغ رئیس اداره آموزش و پرورش منصوب می‌شود.

تبصره ۵- ابلاغ اعضای هیات امنای (به استثنای بندهای ۴ و ۵ که یک ساله صادر می‌شود) توسط رئیس آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه یا ناحیه برای مدت سه سال صادر می‌شود و تمدید آن با رعایت ضوابط این آیین‌نامه بلامانع است. در صورت انصراف، فوت و یا تغییر و اتمام مدت عضویت هر یک از اعضا، عضو جدید با رعایت مفاد این آیین‌نامه جایگزین می‌شود.

تبصره ۶- هرگونه عزل یا تغییر اعضا (به استثنای مدیر مدرسه و اعضای حقوقی) با تصویب حداقل دو سوم اعضای هیات امنای و تایید رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه یا ناحیه صورت می‌گیرد.

تبصره ۷- مدارس شاهد و ایثارگران براساس این آیین‌نامه می‌توانند به صورت هیأت امنایی اداره شوند. در ترکیب هیات امنای چهار نفر با معرفی بنیاد شهید استان یا شهرستان جایگزین ردیف‌های ۶ و ۷ و ۸ ماده ۲ می‌شوند. دستورالعمل اجرایی این مدارس با همکاری بنیاد شهید و سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی (ظرف مدت دو ماه) تدوین و پس از تأیید شورای طرح و برنامه شاهد مطابق بند ۳ ماده ۱۵ این آیین‌نامه ابلاغ و اجرا می‌شود.

تبصره ۸- موسسات و بنیادهای خیریه و نیکوکاری که در احداث مدرسه مشارکت داشته و یا تمایل به اداره مدارس دارند می‌توانند براساس مفاد این آیین‌نامه در هیات امنای مدارس شرکت نمایند، در این صورت ۳ نفر موضوع بندهای ۷ و ۸ و ۹ ماده ۲ با معرفی موسسات مذکور تعیین می‌شوند.

ماده ۳- وظایف و اختیارات هیات امنای:

هیات امنای این مدارس در چارچوب ضوابط و مقررات و بر مبنای سیاست‌ها و برنامه‌های کلان آموزش و پرورش، وظایف و اختیارات زیر را عهده‌دار است:

۱- بررسی و تصویب برنامه سالانه مدرسه (از قبیل فعالیت‌های مربوط به بهبود کیفیت برنامه‌های رسمی مدرسه، فعالیت‌های آموزشی و تربیتی و فوق برنامه، برگزاری دوره‌های آموزشی

- مناسب برای کارکنان، امور رفاهی و بهداشتی کارکنان و دانش‌آموزان مدرسه، خدمات راهنمایی و مشاوره به اولیا و دانش‌آموزان، استفاده از فرصت‌ها و فضای مدرسه) به پیشنهاد مدیر مدرسه.
- تبصره - برنامه‌های آموزشی و پرورشی مصوب هیأت امانا باید به نحو مقتضی به اطلاع اولیای دانش‌آموزان، اداره و شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه مربوط برسد.
- ۲- بررسی و تصویب بودجه و اعتبارات سالانه (به پیشنهاد مدیر مدرسه) و تامین منابع و اعتبارات مورد نیاز مدرسه.
- ۳- بررسی مسائل پرورشی مدرسه و پیش‌بینی راهبردها و راهکارهای فرهنگی و تربیتی لازم برای تحقق اهداف تربیتی در ساحت‌های مختلف و ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان.
- ۴- بررسی و تصویب پیشنهادها، طرح‌ها و برنامه‌های شوراها و انجمن‌های مرتبط با مدرسه.
- ۵ - بررسی و تصویب برنامه توسعه، تجهیز، تعمیر، نگهداری و تأمین اعتبارات مورد نیاز مدرسه.
- ۶ - فراهم آوردن زمینه تعامل نهادهای فرهنگی و اجتماعی پیرامون مدرسه، موثر در فرایند تربیتی دانش‌آموزان.
- ۷- بررسی و صدور مجوز تشکیل انجمن‌ها و کارگروه‌های مورد نیاز مدرسه.
- ۸ - تولید کتاب و مواد آموزشی و کمک آموزشی مبتنی بر راهنمای برنامه درسی مصوب آموزش و پرورش و براساس سیاست‌ها و ضوابط وزارت متبوع و استفاده از آنها در مدرسه پس از تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ۹- پیشنهاد انتصاب مدیر مدرسه مطابق ماده ۴ این آیین‌نامه.
- ۱۰- درخواست تأمین معلمان موظف مورد نیاز مدرسه براساس ساختار رسمی ابلاغ شده از سوی اداره آموزش و پرورش متناسب با درجه مدرسه.
- ۱۱- تصمیم‌گیری درباره چگونگی استفاده از همکاری منابع انسانی غیررسمی با رعایت قوانین و ضوابط مربوط به صورت پاره‌وقت یا تمام‌وقت، بدون ایجاد هرگونه تعهد استخدامی برای دولت.
- تبصره - منابع انسانی مورد نیاز این بند پس از عقد قرارداد همکاری با هیأت امانا (تا یک ساله و قابل تمدید) به کارگرفته خواهند شد. این افراد صرفاً از بین داوطلبان صلاحیت‌داری انتخاب می‌شوند که وضعیت بیمه و بازنشستگی آنها از طریق یکی از صندوق‌های بیمه و بازنشستگی قبلاً مشخص شده باشد.

۱۲- بررسی و تصویب ضوابط پرداخت کارانه، پاداش و حق الزحمه کارکنان و عوامل مدرسه (به ویژه عوامل کارآمد) جهت ارتقای کیفیت خدمات آنها در چارچوب ضوابط شورای آموزش و پرورش.

تبصره - هیأت امنای می‌تواند از محل مابه‌التفاوت درآمدهای مدرسه با هزینه‌های جاری، برای پرداخت‌های فوق و نیز تجهیزات مدرسه استفاده نماید.

۱۳- جذب و قبول کمک‌ها و هدایا از اشخاص حقیقی و حقوقی به صورت نقدی و غیرنقدی

۱۴- نظارت بر نحوه هزینه‌ها و تصویب تراز مالی مدرسه.

تبصره - هیأت امنای در قبال تصمیمات خود مسئول بوده و در بررسی و تصویب برنامه‌ها و اعتبارات باید تدابیری اتخاذ نماید که مدرسه با کسری اعتبار روبرو نشود. در هر صورت، تأمین کسری اعتبارات مذکور از محل اعتبارات دولتی مجاز نمی‌باشد.

۱۵- انجام وظایف واگذار شده از سوی وزارت آموزش و پرورش یا شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه براساس اختیارات قانونی خود به هیأت امنای.

۱۶- نظارت بر اجرای مصوبات هیأت امنای و ارزیابی عملکرد سالانه مدرسه.

تبصره - گزارش عملکرد هیأت امنای توسط دبیر به اولیای دانش‌آموزان و آموزش و پرورش شهرستان، منطقه یا ناحیه ارائه می‌شود.

ماده ۴- برای انتصاب مدیر مدرسه هیأت امنایی، سه نفر از افراد واجد شرایط احراز مدیریت مدارس (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش) توسط کمیته‌ای مرکب از نماینده رییس آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه یا ناحیه، نماینده معلمان مدرسه و رییس هیأت امنای مدرسه به اداره آموزش و پرورش محل پیشنهاد و یک نفر از آنها توسط مدیر آموزش و پرورش انتخاب و منصوب می‌شود.

تبصره ۱- در مدارس خیرساز، فرد خیر یا نماینده وی جایگزین نماینده معلمان در این کمیته می‌شود.

تبصره ۲- اداره آموزش و پرورش موظف است در اولین فرصت نسبت به تشکیل کمیته فوق اقدام نماید. در صورتی که کمیته مذکور حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به معرفی افراد واجد شرایط مدیریت اقدام ننماید، اداره آموزش و پرورش رأساً نسبت به استمرار فعالیت مدیر فعلی و یا انتصاب مدیر واجد شرایط تصمیم‌گیری می‌نماید.

ماده ۵ - مدیر مدرسه علاوه بر شرح وظایف مصوب، در چارچوب قرارداد پیمان مدیریت با آموزش و پرورش، مسئول اجرای مصوبات هیأت امنای می‌باشد و در برابر هیأت امنای و آموزش و پرورش پاسخگو است.

ماده ۶ - مدیر مدرسه موظف است در تابستان هر سال برنامه سال تحصیلی آینده (شامل رؤس برنامه و دلایل توجیهی، برآورد اعتبارات، محل تأمین اعتبارات) را تهیه و جهت تصویب به هیأت امنای مدرسه ارائه دهد و پس از تأمین منابع مورد نیاز آن را اجرا کند و ضمن همکاری و هماهنگی مستمر با هیأت امنای در پایان سال تحصیلی گزارش عملکرد مدرسه را به تأیید هیأت امنای برساند.

ماده ۷ - ارکان مدرسه (مندرج در آیین‌نامه اجرایی مدارس) در چارچوب وظایف خود با هیأت امنای همکاری خواهند کرد و از توانمندی و ظرفیت هیأت امنای برای بهبود و ارتقای کیفیت فعالیت‌های آموزشی و تربیتی استفاده مطلوب را به عمل خواهند آورد.

ماده ۸ - در صورت بروز ناهماهنگی در اجرای مصوبات هیأت امنای و همچنین اختلاف نظر میان اعضای هیأت امنای که منجر به اختلال در انجام فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه شود، موضوع در اولین فرصت توسط اداره آموزش و پرورش محل، بررسی و اتخاذ تصمیم خواهد شد. و در صورت نیاز، موضوع به شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه ارجاع می‌شود.

ماده ۹ - تخصیص نیروی انسانی مدارس هیأت امنایی براساس درخواست هیأت امنای و مقدمات اداره آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه با تأکید بر حفظ کیفیت و عدالت آموزشی در سایر مدارس انجام می‌شود.

تبصره ۱ - تخصیص نیروی انسانی به این مدارس سالیانه و حداقل برای مدت ۳ سال خواهد بود و قابل تمدید نیز می‌باشد. در صورت ضرورت، اداره آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه یا ناحیه با تأمین نظر هیأت امنای برای تغییر یا جایگزینی نیروی انسانی، اقدام لازم را به عمل خواهد آورد. در صورت واگذاری این مدارس به هیأت امنای، تخصیص نیروی انسانی شاغل دولتی به صورت انتقال یا مرخصی بدون حقوق یا بازخریدی یا بازنشستگی انجام می‌شود.

تبصره ۲ - واگذاری مدارس خیرساز به هیأت امناء و یا بخش غیردولتی صرفاً با رضایت خیر سازنده مدرسه و برابر ضوابط انجام می‌شود.

ماده ۱۰ - منابع مالی مدارس هیأت امنایی عبارتند از:

- ۱- اعتبارات دولت که در قالب بخشی از سرانه هزینه تمام شده با توجه به مقررات آموزش و پرورش و در قالب قرارداد فیما بین پرداخت می‌شود. این اعتبارات مطابق تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون شوراهای آموزش و پرورش مصوب مجلس شورای اسلامی، به صورت کمک تلقی می‌شود.
 - ۲- هدایا و کمک‌های مردمی داوطلبانه که در خارج از فصل (موعد) ثبت‌نام دانش‌آموزان در چارچوب مقررات ابلاغی آموزش و پرورش دریافت می‌شود.
 - ۳- وجوهی که از طریق شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه با توجه به عملکرد موفق مدرسه به صورت تشویقی در اختیار مدرسه قرار می‌گیرد.
 - ۴- وجوهی که از ارائه خدمات آموزشی و پرورشی فوق برنامه (اضافه بر برنامه‌های رسمی آموزش و پرورش) دریافت می‌شود.
 - ۵- هدایا و کمک‌های نقدی و غیرنقدی که از خیر یا خیرین دریافت می‌شود.
 - ۶- سایر درآمدهای قانونی
- تبصره ۱- تمامی وجوه فوق پس از واریز به حساب مدرسه در چارچوب سیاست‌ها و ضوابط ابلاغی وزارت آموزش و پرورش به مصرف خواهد رسید (کمک‌های بند ۳ با رعایت ضوابط مصوب شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه هزینه می‌شود).
- تبصره ۲- حق‌التدریس، حق‌الزحمه و اعطای پاداش به کارکنان و سایر پرداخت‌ها و هزینه‌های این گونه مدارس که از محل‌های مذکور در بندهای ۲ تا ۶ تامین اعتبار خواهد شد، در چارچوب ضوابط خاص ابلاغی آموزش و پرورش به پیشنهاد مدیر و تصویب هیات امناء تعیین می‌شود.
- ماده ۱۱- مدارس هیات امنایی با توجه به ظرفیت خود موظف به ثبت نام از دانش‌آموزان واجد شرایط با اولویت محدوده جغرافیایی خود می‌باشند و برگزاری آزمون ورودی و تعیین شرط معدل برای گزینش و ثبت نام دانش‌آموزان غیرمحل در مدارس مشمول این آیین‌نامه مجاز می‌باشد.
- تبصره - در مواردی که ظرفیت مدارس با تعداد متقاضیان متناسب نباشد، اداره آموزش و پرورش شهرستان، منطقه یا ناحیه ضمن تلاش برای گسترش مدارس واجد شرایط، محدوده جغرافیایی ثبت نام دانش‌آموزان را تعیین می‌کند.
- ماده ۱۲- عملکرد هیات امناء، توسط اداره آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه بررسی، ارزیابی و به شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه مربوط گزارش می‌شود. چنانچه نتایج این ارزیابی برای شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه رضایت‌بخش بود، اقدامات لازم برای تشویق و

تداوم فعالیت آن معمول می‌دارد و در صورت رضایت‌بخش نبودن، شورای مذکور می‌تواند نسبت به انحلال آن اقدام کند، در این صورت وظایف هیات امناء تا پایان سال تحصیلی به شورای مدرسه واگذار می‌شود.

تبصره ۱- تشکیل هیات امنای جدید با رعایت مفاد این آیین نامه صورت می‌گیرد.
تبصره ۲- در مدارس خیر^۱ ساز تصمیم‌گیری در این زمینه با هماهنگی و توافق خیر انجام می‌شود.

ماده ۱۳- اختیارات و مسئولیت‌های هیات امناء در چارچوب این آیین‌نامه است و هیچ یک از مصوبات آن نباید مغایر با مقررات عمومی آموزش و پرورش باشد.

ماده ۱۴- مسئولیت سیاست‌گذاری برای اجراء مدیریت و نظارت کلان بر مدارس هیات امنایی با سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی می‌باشد که با همکاری سایر معاونت‌ها و واحدهای ستادی آموزش و پرورش و جامعه خیرین مدرسه‌ساز و از طریق سازمان آموزش و پرورش استان‌ها و ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها یا مناطق و نواحی ایفای مسئولیت خواهد کرد. سازمان مذکور موظف به ارائه گزارش مستند و پژوهشی از عملکرد دوسالانه این مدارس، در چارچوب ضوابط دبیرخانه شورای عالی، به شورای عالی آموزش و پرورش خواهد بود.

ماده ۱۵- وزارت آموزش و پرورش موظف است ضمن فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای اجرای مطلوب این آیین‌نامه:

۱- دوره‌های آموزشی و تربیتی موردنیاز برای ارتقای صلاحیت حرفه‌ای مدیران، معلمان و مربیان پرورشی این مدارس را برنامه‌ریزی و اجرا نماید. در اجرای این برنامه‌ها باید از مشارکت هیات امناء برای نیازسنجی و تامین هزینه‌های آموزشی حداکثر استفاده به عمل آید.

۲- اختیارات لازم برای ایفای وظایف هیات امناء و مدیران این مدارس در زمینه‌های برنامه‌ریزی مالی، اداری و منابع انسانی را در چارچوب قرارداد فی مابین مدرسه و آموزش و پرورش تفویض نماید.

۳- سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی دستورالعمل‌های اجرایی یا مالی یا اداری و شرایط و استانداردهای مورد نیاز تبدیل مدارس عادی به هیات امنایی و همچنین

شاخص‌های نظارت، ارزشیابی، آموزشی، پرورشی، پذیرش دانش‌آموز و سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی و ساختار تشکیلاتی اداری توسعه این مدارس را حداکثر ظرف مدت دو ماه با امضای وزیر ابلاغ نماید. تبصره - دستورالعمل نحوه تشکیل، چگونگی تصمیم‌گیری، پیگیری مصوبات، آیین‌نامه داخلی و همچنین شرح وظایف دبیر هیأت امنا به تصویب هیأت امنای مدرسه خواهد رسید. یک نسخه از دستورالعمل مذکور جهت اطلاع به اداره آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه یا ناحیه ارسال می‌شود. سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی جهت تسهیل تصمیم‌گیری و ایجاد هماهنگی، نمونه دستورالعمل‌ها، آیین‌نامه‌ها و شرح وظایف را در اختیار اعضای هیئت امنای مدارس قرار خواهد داد.

۴- اصلاح ساختارها و تشکیلات اداری توسط سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی، سازمان‌نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس و جامعه خیرین مدرسه‌ساز و نیز تدوین قوانین و مقررات لازم برای افزایش کارایی و اثربخشی این مدارس انجام خواهد شد. ماده ۱۷- با تصویب این آیین‌نامه، کلیه مصوبات مغایر لغو و مفاد این آیین‌نامه جایگزین آنها خواهد شد.

آیین‌نامه توسعه مشارکت‌های مردمی به شیوه مدیریت هیأت امنایی در مدارس مورد تایید است. (نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۷ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۸)

۲. مصوبه هفتصد و نودمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۸/۴/۹

موضوع: الحاق تبصره‌هایی به برخی از مواد آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه روزانه

(سالی - واحدی)

شورای عالی آموزش و پرورش با الحاق تبصره‌هایی به برخی از مواد آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه روزانه (سالی - واحدی) به شرح زیر موافقت می‌نماید:

۱- تبصره‌ای به شرح زیر به ماده ۵۵ آیین‌نامه مذکور اضافه شود:

تبصره - در رشته رایانه (کامپیوتر) شاخه فنی و حرفه‌ای نمره دروسی که به صورت نیم‌سالی - واحدی اجرا می‌شوند، طبق ضرایب مندرج در بند ۱- ۵۵ این ماده محاسبه می‌شود.

۲- تبصره‌هایی به عنوان تبصره‌های ۲ و ۳ به ماده ۹۴ آیین‌نامه مذکور اضافه شود:

تبصره ۲- دانش‌آموزان دوره متوسطه خارج از کشور که واجد شرایط تحصیل در دوره روزانه هستند ولی واحد آموزشی دوره متوسطه در شهر محل سکونت آنان وجود ندارد، به صورت غیرحضورى تحصیل می‌نمایند. این قبیل دانش‌آموزان صرفاً در ارزشیابی پایانی نوبت دوم شرکت نموده و برای آنها ارزشیابی‌های مستمر نوبت‌های اول و دوم و پایانی نوبت اول لحاظ نخواهد شد و معدل آنها صرفاً بر اساس نمرات ماخوذه در ارزشیابی پایانی نوبت دوم محاسبه می‌شود.

تبصره ۳- دانش‌آموزان بزرگسال خارج از کشور می‌توانند از طریق پایگاه الکترونیکی دفتر مدارس خارج از کشور ثبت نام و برابر ضوابط در امتحانات شرکت نمایند.

۳- تبصره‌ای به عنوان تبصره ۲ به ماده ۱۱۲ آیین‌نامه مذکور اضافه شود:

تبصره ۲- چنانچه دانش‌آموز قبولی پایه دوم متوسطه شاخه نظری یا فنی و حرفه‌ای، بخواهد پایه دوم را در شاخه کاردانش تکرار کند، می‌تواند در واحدهای آموزشی روزانه در پایه دوم ثبت نام نموده و با رعایت سایر شرایط ادامه تحصیل دهد.

در این صورت کلیه دروس گذرانده پایه دوم شاخه قبلی حذف و آن سال تحصیلی به سقف سنوات تحصیل دانش‌آموز افزوده می‌شود.

الحاق تبصره‌هایی به برخی از مواد آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه روزانه (سالی - واحدی) مورد تایید است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۷ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۸)

۳. مصوبه هفتصد و نود و یکمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۳

موضوع: برگزاری یک نوبت ارزشیابی اضافی برای مردودین دو ساله دوره راهنمایی

تحصیلی

ماده واحده:

به دانش‌آموزان دوره راهنمایی روزانه که در یک پایه تحصیلی دو بار مردود شده اند و در آخرین نوبت تجدیدی موفق به کسب شرایط قبولی نشده‌اند، فرصت داده می‌شود با تایید شورای مدرسه (با حضور معلمین دروسی که دانش‌آموز در آن نمره قبولی کسب نکرده است) و به شرط

شرکت در کلاسهای تقویتی، حداکثر تا پایان مهر ماه در یک نوبت ارزشیابی اضافی شرکت کنند و در صورت کسب شرایط قبولی به پایه بالاتر ارتقاء یابند.

تبصره - این قبیل دانش‌آموزان در صورت قبولی می‌توانند یا در مراکز آموزش از راه دور و یا در صورت داشتن سایر شرایط، در مدارس روزانه ادامه تحصیل دهند. ثبت نام و ادامه تحصیل این دانش‌آموزان در مدارس روزانه مشروط بر آن است که به تشخیص شورای مدرسه خللی در روند تشکیل کلاسها ایجاد نشده و امکان جبران عقب‌ماندگی یک ماهه نیز فراهم باشد.

برگزاری یک نوبت ارزشیابی اضافی برای مردودین دو ساله دوره راهنمایی تحصیلی مورد تأیید است.

(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۷۷ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۸)

بخش، ششم:



کونا کون



۱. تغییر نام بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور

به اطلاع می‌رساند در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۸ جلسه فوق‌العاده مجمع بنگاه تعاون با حضور حضرت آیت‌ا... هاشمی شاهرودی ریاست محترم مجمع برگزار و با توجه به درخواست مدیرعامل بنگاه تعاون تصمیم ذیل اتخاذ گردید:

نام بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور به « بنیاد تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور » تغییر یافت.

مدیرعامل بنیاد تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور - ملک‌زاده
(نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۶۶ مورخ ۸۸/۵/۱۵)

۲. تغییر عنوان مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور
نظر به موافقت مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۸ ریاست محترم قوه قضائیه در هامش نامه شماره ۱۳۸۸/۵/۶ - مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه با پیشنهاد تغییر عنوان مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه به « کانون ملی مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان » و همچنین دفاتر استانی آن مرکز به عنوان « کانون محلی مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان » به منظور درج در روزنامه رسمی کشور اعلام می‌گردد.
رئیس دفتر ویژه رئیس قوه قضائیه - مهدی دربین

۱۳۸۸/۵/۶

شماره ۱۳۸۸/۵/۶ - ط

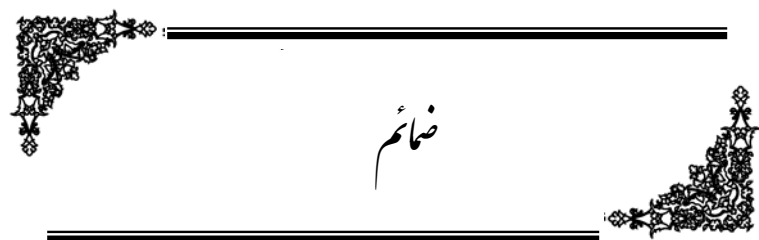
حضرت آیت‌ا... هاشمی شاهرودی « دامت برکاته »

ریاست معظم قوه قضائیه

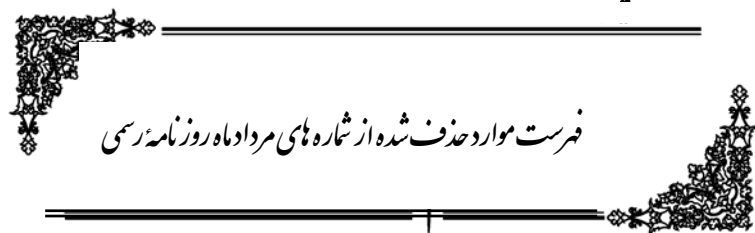
احتراماً به استحضار معظم له می‌رساند، با عنایت به اینکه در قوانین مرتبط با وکلاء و کارشناسان از بدو تشکیل این دو مرجع و در تمام مراحل قانون گذاری واژه « کانون » قید گردیده لذا پیشنهاد می‌گردد در صورت موافقت و صلاحدید حضرتعالی نام این مرکز با عنوان کانون ملی

مشاوران حقوقى وكلاء و كارشناسان و هم چنين براى دفاتر استانى نيز عنوان كانون محلى مشاوران حقوقى وكلاء و كارشناسان ملحوظ گردد. مراتب اجراء منوط به اوامر مستطابعالى خواهد بود.
رئيس مركز امور مشاوران حقوقى، وكلاء و كارشناسان قوه قضاييه - محمدعلى حجازى

(نقل از روزنامه رسمى شماره ۱۸۷۷۱ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۱)



ضمیمه ۱:



فهرست موارد حذف شده از شماره های مرداد ماه روزنامه رسمی

توجه : به نظر می رسد مواردی از شماره های ویژه قوانین و مقررات روزنامه رسمی در مرداد ماه برای مخاطبین کاربرد ندارد. لذا از درج آن در این ماهنامه خودداری شده است و در صورت درخواست هر یک از موارد حذف شده، متن کامل آن برای متقاضی، ارسال خواهد شد.

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۵/۶ - ۱۸۷۵۸
۱	اصلاح مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر خرمشهر

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۵/۸ - ۱۸۷۶۰
۱	آیین نامه آمادگی و مقابله با آثار زاینبار پدیده گرد و غبار (ریزگرد) در کشور
۲	اصلاح بند (۱) ماده (۴) آیین نامه اجرایی ماده (۵) قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری
۳	اصلاح تصویب نامه در خصوص مناطق شصت گانه در استان مازندران به عنوان مناطق گردشگری محلی، استانی، ملی و بین المللی
۴	تصویب نامه درخصوص تعیین آقای اسداله کریمی به عنوان عضو هیئت مدیره سازمان منطقه آزاد تجاری - صنعتی کیش
۵	تنفیذ آیین نامه اجرایی اعطای تسهیلات بانکی در سال ۱۳۸۷ برای اجرا در سال ۱۳۸۸

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۵/۱۲ - ۱۸۷۶۳
۱	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص مغایرتهای اساسی طرح تفصیلی با طرح جامع شهر کرج

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۵/۱۵ - ۱۸۷۶۶
۱	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر اصلاندوز
۲	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص طرح جامع شهر دهگلان
۳	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص شهر جدید مسجدسلیمان
۴	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران درخصوص ضوابط و مقررات اراضی واقع در حریم شهر لواسان

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۸۷۲۱ - ۱۳۸۸/۵/۲۱
۱	آیین نامه اجرایی تبصره (۱) بند (ج) ماده (۳) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی
۲	آیین نامه اجرایی ماده (۷) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی
۳	آیین نامه اجرایی نحوه طبقه بندی بنگاهها، تأیید صورتهای مالی و بازاریابی بنگاههای مشمول واگذاری
۴	تصویب نامه در خصوص اصلاحات و تغییرات تقسیماتی در استان یزد
۵	تصویب نامه در خصوص معافیت مالیاتی صنایع جدیدالاحداث مستقر در شهرکهای صنعتی خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز استان تهران به مدت ده سال
۶	تصویب نامه در خصوص اجرای اجباری استاندارد اتصالات جوشی گازرسانی
۷	تصویب نامه در خصوص اجرای اجباری استاندارد اسید فسفریک قابل مصرف در صنایع غذایی
۸	تصویب نامه در خصوص اجرای اجباری استاندارد گاورنرهای فشار برای وسایل گازسوز
۹	تصویب نامه در خصوص اجرای اجباری استاندارد لوله پلی اتیلن دوجداره برای مصارف فاضلاب شهری
۱۰	تصویب نامه در خصوص اجرای اجباری استاندارد مبلمان اداری و صندلی
۱۱	تصویب نامه در خصوص اجرای اجباری استاندارد هگزان مورد مصرف در کارخانجات روغن کشی
۱۲	تصویب نامه در خصوص اصلاحات و تغییرات تقسیماتی در استان بوشهر
۱۳	تصویب نامه در خصوص اصلاحات و تغییرات تقسیماتی در استان کرمان
۱۴	تصویب نامه در خصوص ایجاد شهرکهای صنعتی چادگان، فریدن و فریدونشهر در استان اصفهان
۱۵	سند راهبردی نظام جامع فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران
۱۶	مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع ناحیه ساری

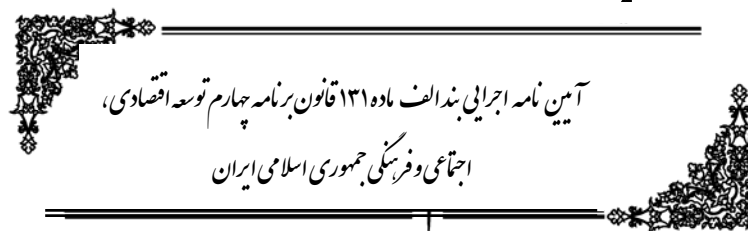
ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۸۷۲۳ - ۱۳۸۸/۵/۲۴
۱	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص طرح جامع شهر سراب
۲	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر ممقان
۳	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر ملکان
۴	تنفیذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر هادی شهر

۵	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر خمارلو
۶	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر دوزدوزان
۷	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر زرنق
۸	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر ایلخچی
۹	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر بستان آباد
۱۰	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر سیس
۱۱	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر مهربان
۱۲	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر هوراند

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۸۷۷۵ - ۱۳۸۸/۵/۲۶
۱	اصلاح آیین نامه اجرایی ماده (۱۰۵) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تفئذی در ماده (۷۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳
۲	اصلاح تبصره ماده (۷) آیین نامه اجرایی اعطای تسهیلات بانکی در سال ۱۳۸۷
۳	آیین نامه اجرایی کنوانسیون تغییر آب و هوا و پروتکل کیوتو
۴	آیین نامه اجرایی ماده (۲۹) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی
۵	آیین نامه اجرایی نحوه بلوک بندی در شرکت های تعاونی سهامی عام
۶	تصویب نامه در خصوص اجرای اجباری استاندارد اسید سیتریک خوراکی
۷	تصویب نامه در خصوص تعیین ارزش هر سهم شرکت های فولاد مبارکه و فولاد خوزستان
۸	تصویب نامه در خصوص اجرای اجباری استاندارد گازهای خنک کننده

ردیف	موارد حذف شده از روزنامه رسمی ۱۸۷۷۷ - ۱۳۸۸/۵/۲۸
۱	تصویب نامه در خصوص ترخیص محموله های فرآورده های نفتی شرکت ملی نفت ایران
۲	تفئذ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص محدوده شهر صوفیان

ضمیمه ۲:



نظر به این که اصلاحیه این آیین نامه که مصوب ۱۳۸۸/۴/۳۱ می باشد، در بخش دوم درج شده است، در اینجا متن قبلی آن که در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۱ به تصویب رسیده بود، منعکس شده است.

فصل اول:

«تعاریف»

ماده ۱ - پرونده‌های قضایی: پرونده قضایی مذکور در ماده ۱۳۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که در این آیین نامه «قانون» نامیده می‌شود شامل کلیه پرونده‌های مدنی، جزایی و امور حسبی است که در دادسراها و دادگاههای عمومی و انقلاب، انتظامی قضات، نظامی، ویژه روحانیت، دادگاه تجدیدنظر، محکمه عالی انتظامی قضات، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری و سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی و منتهی به اتخاذ تصمیم نهایی و صدور رأی گردیده و مختومه شده است.

تبصره: پرونده‌های شوراهای حل اختلاف نیز مشمول مقررات این آیین نامه خواهد بود.

ماده ۲ - اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری آنها ضروری می‌باشد.

اسناد و اوراق مذکور در قانون شامل احکام، قرارها، تصمیمات و دستورات قضایی، تحقیقات و معاینات محلی و نیز هرگونه سند، مدرک و صورتجلسات، دفاتر، گزارشهای فرم مشخصات پرونده، فرم مخصوص بایگانی راکد و مانند آنهاست که مورد استناد طرفین پرونده واقع گردیده یا در اتخاذ تصمیم توسط مراجع قضایی مؤثر بوده و نگهداری سوابق آنها و تبدیل به اسناد الکترونیکی به تشخیص هیأت مذکور در ماده ۸، این آیین نامه ضروری می‌باشد.

تبصره: علاوه بر موارد فوق هیأت مزبور می‌تواند با توجه به نوع، اهمیت دعوی یا شکایت، خواسته، خواهان، عنوان جرم، طرفین پرونده، زمان و مکان رسیدگی، ارزش قضایی و مانند آنها، نگهداری اوراق و اسناد پرونده قضایی و تبدیل آن به سند الکترونیکی را ضروری تشخیص دهد.

ماده ۳ - بایگانی قطعی: بایگانی قطعی مورد نظر همان بایگانی راکد پرونده‌هایی است که منتهی به صدور حکم یا قرار قطعی گردیده و حسب مورد مختومه شده است، تاریخ مختومه شدن پرونده شروع بایگانی قطعی محسوب می‌شود.

پرونده‌های قضایی در موارد زیر مختومه تلقی و با دستور مقام قضایی صالح بایگانی خواهند شد:

۱ - پرونده‌هایی که منتهی به اجرای کامل حکم شده است؛

۲ - پرونده‌هایی که موضوع آن مشمول مرور زمان گردیده و یا به هر علتی قرار موقوفی اجرای حکم صادر شده است؛

- ۳- پرونده‌هایی که منجر به حکم برائت، بی حقی، بطلان دعوی و مانند آن گردیده است؛
- ۴- پرونده‌هایی که منجر به صدور قرار نهایی و قطعی گردیده است؛
- ۵- پرونده‌هایی که موضوع آن تأمین دلیل یا دستور موقت است، پس از اتمام اقدامات قانونی لازم؛
- ۶- سایر پرونده‌ها به تشخیص هیأت مذکور در ماده ۸، این آیین نامه.

فصل دوم : مقدمات

- ماده ۴- مدیر دفتر مرجع قضایی یا جانشین وی موظف است مشخصات پرونده‌ای را که دستور بایگانی قطعی آن توسط قاضی صادر گردیده حداکثر ظرف یک هفته در «فرم مشخصات پرونده» درج نموده همراه پرونده در مقابل اخذ رسید به بایگانی راکد مربوط تحویل دهد.
- تبصره ۱: در شعب دادسرا منشی شعبه یا جانشین وی وظایف مدیر دفتر مرجع قضایی را به عهده خواهند داشت.
- تبصره ۲: «فرم مشخصات پرونده» که توسط اداره اسناد و بایگانی راکد قوه قضائیه تهیه و در اختیار مراجع قضایی قرار خواهد گرفت، متضمن نکات زیر می‌باشد.
- ۱- مشخصات پرونده:
 - الف- مدنی است یا کیفری یا امور حسبی؛
 - ب- موضوع پرونده؛
 - ج- کلاس پرونده؛
 - د- تاریخ تشکیل پرونده؛
 - ه- تاریخ مختومه شدن پرونده؛
 - و- تعداد اوراق پرونده
- ۲- مشخصات طرفین پرونده: اعم از خواهان و خوانده یا شاکی و مشتکی عنه.
- ۳- مرجع یا مراجع رسیدگی کننده، نظیر دادسرا، دادگاه بدوی حقوقی یا جزایی، دادگاه تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و غیره؛
- ۴- نتیجه رسیدگی؛

- الف : حکم یا قرار و غیره و موضوع آن؛
- ب : شماره و تاریخ حکم یا قرار و غیره؛
- ج : علت مختومه شدن اعم از اجرای کامل حکم، قطعیت حکم برائت یا قرار، مرور زمان و غیره؛
- ۵ - ذکر ضmann پرونده و سایر مشخصات که درج آن ضروری است؛
- ۶ - مهم و ملی بودن یا نبودن پرونده مطابق مقررات قانون سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۴۹ و مقررات این آیین نامه و سایر اوضاع و احوال پرونده؛
- ۷ - تاریخ تحویل به بایگانی راکد؛
- ۸ - مشخصات تنظیم کننده فرم مذکور و تأیید کننده آن؛
- فرم مشخصات پرونده باید در سه نسخه به نحو کامل و دقیق و خوانا تنظیم گردد، یک نسخه در دفتر شعبه دادرسی یا دادگاه یا سایر مراجع قضایی مربوط نگهداری خواهد شد و دو نسخه دیگر به پیوست پرونده به بایگانی راکد ارسال شود.
- تبصره ۳ : پرونده‌هایی که منتهی به محکومیت‌های مشروط، معلق و مانند آن گردیده‌اند تا پایان موعد تعیین شده در دادنامه، در دفتر مرجع قضایی نگهداری و سپس برای ارسال آنها به بایگانی راکد اقدام خواهد شد.
- ماده ۵ - به دستور قاضی مربوط قبل از ارسال پرونده به بایگانی راکد کلیه اسناد، وثایق و دستورات قضایی به شرح زیر باید تعیین و تکلیف و رفع اثر شود.
- ۱ - دستور احضار یا جلب؛
 - ۲ - قرار ممنوعیت خروج از کشور؛
 - ۳ - دستور ورود به منزل یا تفتیش آن؛
 - ۴ - وثایق و تأمین خواسته؛
 - ۵ - اسناد، قبوض یا وجوه نقدی؛
 - ۶ - اموال یا اشیاء مرتبط با پرونده؛
 - ۷ - دستور انسداد حساب بانکی؛
 - ۸ - دستور ممنوعیت از معامله نقل و انتقال؛
 - ۹ - سایر موارد به تشخیص قاضی مربوط.

ماده ۶ - مسؤول بایگانی راکد موظف است از تحویل گرفتن پرونده‌هایی که فاقد فرم مشخصات پرونده می‌باشند خودداری نماید.

ماده ۷ - قاضی مربوط باید نظارت کافی جهت اجرای صحیح مواد ۴، ۵ و ۶ آیین نامه و دستورالعمل مربوط داشته باشد.

فصل سوم : فرایند تشخیص ضرورت نگهداری اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی

ماده ۸ - به منظور برنامه‌ریزی، سیاست گذاری و نظارت بر اجرای کامل این آیین نامه، هیأتی به عنوان «هیأت تشخیص دهنده ضرورت نگهداری سوابق اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی و تبدیل آنها به اسناد الکترونیکی و امحا» که در این آیین نامه «هیأت تشخیص مرکزی» نامیده می‌شود تشکیل خواهد شد.

تبصره : مصوبات این هیأت پس از تنفیذ رئیس قوه قضائیه لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۹ - اعضای هیأت تشخیص مرکزی عبارتند از :

۱ - رئیس دیوان عالی کشور؛ (رئیس هیأت)

۲ - دادستان کل کشور؛

۳ - وزیر دادگستری؛

۴ - معاون حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه؛ (دبیر هیأت)

۵ - معاون اداری و مالی قوه قضائیه؛

۶ - رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح؛

۷ - رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تبصره : دعوت از سایر مسؤولان و صاحب نظران جهت شرکت در جلسه و مشاوره با موافقت اکثر اعضای هیأت بلامانع است.

ماده ۱۰ - به منظور تسهیل و تسریع اجرای این آیین نامه و اجرای وظایف مربوط به هیأت تشخیص مرکزی در استانها، هیأتی با عنوان «هیأت تشخیص استانی» با شرکت مقامات ذیل در مرکز استان تشکیل می‌گردد:

۱ - رئیس کل دادگستری استان؛ (رئیس هیأت)

- ۲ - دادستان شهرستان و مرکز استان؛
 - ۳ - نماینده سازمان اسناد و کتابخانه‌های جمهوری اسلامی؛
 - ۴ - رئیس اداره اسناد و بایگانی راکد دادگستری استان؛ (به عنوان دبیر هیأت)
 - ۵ - رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان؛
 - ۶ - مسؤولت حفاظت و اطلاعات دادگستری کل استان؛
- تبصره: دعوت از سایر مسؤولان و صاحب‌نظران جهت شرکت در جلسه و مشاوره بلامانع است.
- ماده ۱۱ - جلسات هیأت تشخیص مرکزی و استانی با حضور اکثر اعضاء رسمی و نظر اکثریت حاضر معتبر خواهد بود.
- ماده ۱۲ - مدیران بایگانی راکد مراجع قضایی، حداقل یک ماه قبل از اتمام مدد سی سال مقرر در قانون، به ترتیب تاریخ ورود، پرونده را به اتفاق کارشناسان اداره اسناد و بایگانی راکد بررسی نموده مطابق مقررات این آیین نامه و دستورالعمل‌های هیأت تشخیص مرکزی و اوراق و اسنادی که نگهداری آنها ضروری است مشخص نموده سپس مشخصات این اوراق و اسناد را در «فرم مخصوص بایگانی راکد» درج و پس از تأیید رئیس حوزه قضایی یا مسؤولان مراجع قضایی دیگر یا جانشین آنها به پیوست فرم مشخصات پرونده و در صورت نیاز و تشخیص مسؤولان قضایی مذکور در بالا همراه اصل پرونده به هیأت تشخیص استان ارسال نمایند.
- تبصره:** فرم مخصوص بایگانی راکد که باید توسط اداره اسناد و بایگانی راکد قوه قضائیه تهیه شود در چهار نسخه تنظیم خواهد شد که یک نسخه آن در سوابق بایگانی راکد حفظ و بقیه به هیأت تشخیص استان ارسال می‌شود.
- ماده ۱۳ - فرم مخصوص بایگانی راکد باید حاوی نکات زیر باشد:
 - ۱ - شماره برگ اسناد و اوراق ضروری؛ (مطابق برگ شماری نهایی پرونده)
 - ۲ - عنوان اسناد و اوراق مذکور؛ (رأی، صورت‌مجلس و غیره)
 - ۳ - کد بایگانی راکد پرونده؛
 - ۴ - مدتی که از بایگانی قطعی شدن پرونده (مختومه شدن) می‌گذرد؛
 - ۵ - آدرس و محل بایگانی راکد؛
 - ۶ - قید مهم و ملی بودن یا نبودن پرونده مطابق مقررات این آیین نامه و دستورالعمل‌های هیأت تشخیص مرکزی و سایر شرایط یا درج جهات آن؛

۷- سایر مشخصات ضروری و ملاحظات؛

فرم مذکور باید به امضای تنظیم کننده؛ مسؤول بایگانی راکد و مسؤول مراجع قضایی یا جانشین وی برسد.

تبصره: بایگانی راکد به تدریج حداکثر هر شش ماه یکبار باید فرم اسناد و اوراق مزبور را تنظیم و به هیأت تشخیص استان ارسال نماید.

ماده ۱۴ - هیأت تشخیص استان پس از وصول فرم مخصوص بایگانی راکد و پیوستهای آن (فرم مشخصات پرونده و در صورت نیاز اصل پرونده یا تصویر اسناد و اوراق مذکور) باید با بررسی دقیق فرم مذکور و در صورت نیاز محتویات پرونده و با رعایت مقررات قانون و این آیین نامه و دستورالعملهای هیأت تشخیص مرکزی ظرف شش ماه نظر هیأت را مبنی بر ضرورت نگهداری اسناد و اوراق پرونده و تبدیل آن به سند الکترونیکی و امحاء اعلام نماید. هیأت مذکور می تواند جهت تسهیل، تسریع و دقت در اجرای آیین نامه در محل بایگانی راکد حاضر و اقدام به بررسی نماید یا حداقل دو نفر از اعضای هیأت به تشخیص اکثر اعضاء به منظور فوق به محل اعزام شوند.

تبصره ۱: در صورت تردید به ضرورت نگهداری سابقه اسناد و اوراق پرونده قضایی یا عدم آن اصل بر ضرورت نگهداری سابقه و تبدیل به اسناد الکترونیکی است.

تبصره ۲: در صورت ابهام و بروز موارد استثنایی که قابل تطبیق با مقررات قانون و آیین نامه نباشد نظر هیأت تشخیص مرکزی استعلام خواهد شد.

ماده ۱۵ - تشخیص نهایی مهم، ملی و آرشیوی بودن پروندههای قضایی به عهده هیأت تشخیص مرکزی و با هماهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی است. این هیأت ضوابط و معیارهای تشخیص پروندههای مهم و ملی را طی دستورالعملی مشخص، به مراجع قضایی اعلام خواهد بود.

فرم مشخصات پروندههای مذکور در ماده پس از اعلام مسؤول بایگانی راکد و تأیید رئیس مرجع قضایی و با اطلاع هیأت تشخیص استان جهت اقدامات بعدی به هیأت تشخیص مرکزی ارسال خواهد شد.

تبصره: هزینههای تشخیص، حفظ، بایگانی، انتقال و الکترونیکی نمودن پروندههای موضوع این آیین نامه به عهده سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است.

فصل چهارم: تبدیل اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری آنها ضروری

است به اسناد الکترونیکی

ماده ۱۶- پس از تأیید فرم مخصوص بایگانی راکد، مبنی بر ضرورت نگهداری اسناد و اوراق پرونده قضایی، توسط هیأت تشخیص استان یک نسخه از فرم تأیید شده در سابقه هیأت مذکور ضبط و نسخه دیگر جهت اطلاع به هیأت تشخیص مرکزی ارسال خواهد شد و نسخه سوم به بایگانی ارسال کننده لیست اعاده می‌شود.

ماده ۱۷- کلیه پرونده‌های واصله به بایگانی راکد، می‌بایستی حداکثر ۳ ماه پس از وصول فرم تأیید شده توسط هیأت تشخیص برابر ضوابط این دستورالعمل به اسناد الکترونیکی تبدیل شود.

فصل پنجم : امحای پرونده‌ها

ماده ۱۸ - پس از تبدیل الکترونیکی اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آنها ضروری است به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی و موافقت رئیس کل استان و نسبت به سایر مراجع قضایی با پیشنهاد مدیر یا مسؤول بایگانی راکد و موافقت بالاترین مقام آن مرجع قضایی، امحای پرونده‌ها توسط مسؤول بایگانی راکد مربوط و نظارت نماینده رئیس حوزه قضایی، مسؤول حفاظت و اطلاعات دادگستری استان و نماینده تام الاختیار سازمان اسناد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد.

تبصره : علاوه بر پرونده‌های مهم و ملی در مورد سایر پرونده‌های آماده امحاء نیز چنانچه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی آمادگی خود را جهت تحویل و انتقال به سازمان اعلام نماید باید پرونده‌های مورد درخواست به جای امحاء تبدیل آن سازمان شود، مشروط بر این که حداقل یک روز قبل از زمان امحاء و سازمان مذکور درخواست کتبی خود را به هیأت تشخیص استان تحویل نمایند و موافقت هیأت را اخذ نماید در صورت پذیرفته شدن درخواست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، باید ظرف دو ماه نسبت به انتقال پرونده‌ها به سازمان مزبور اقدام نماید، در صورت کوتاهی آن سازمان جهت تحویل پرونده‌های مذکور در موعد مقرر عملیات امحاء انجام خواهد شد.

ماده ۱۹ - به منظور حفظ حقوق اشخاص و رعایت احتیاط در مورد پرونده‌هایی که ضرورت نگهداری اسناد و اوراق آن احراز نگردیده بایستی حداقل از تصمیمات قضایی و حکم یا قرار نهایی و حسب مورد سابقه اجرای حکم و مانند آن سند الکترونیکی تهیه شود.

ماده ۲۰ - هیأت تشخیص مرکزی می‌تواند پرونده‌هایی که نگهداری سابقه اسناد و اوراق آنها ضروری نباشد را قبل از سپری شدن مدت سی سال بایگانی قطعی آنها با رعایت ماده ۲۰ این آیین نامه امحاء یا به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی انتقال دهد.

ماده ۲۱ - معاونت اداری و مالی قوه قضائیه موظف است اعتبار مورد نیاز برای اجرای این آیین نامه را در ردیف بودجه قوه قضائیه تأمین نماید.

ماده ۲۲ - مسئولیت حسن اجرای این دستورالعمل با هیأت تشخیص مرکزی و رؤسای کل دادگستری استانها می‌باشد.

این آیین نامه در ۲۲ ماده و ۱۱ تبصره در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

(روزنامه رسمی شماره ۸۸۰۶۶ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۴)

نظرخواهی

به استحضار قضات و حقوقدانان محترم می‌رساند معاونت آموزش قوه قضائیه قصد دارد در راستای ارتقای سطح آگاهی مخاطبین از قوانین و مقررات و ایجاد سرعت و سهولت در این امر و آسان شدن نگهداری و آرشیو آن، هر ماه قوانین و مقرراتی را که به نحوی در امر قضاوت مورد نیاز است، به صورت ماهنامه منتشر کند. برای تشخیص میزان ضرورت این امر نظرات شما عزیزان معیار است لذا انتظار دارد پاسخ پرسش‌های زیر را به یکی از سه طریق زیر منعکس فرمایید:

الف: تهران- خیابان حافظ - نبش خیابان سمیه - ساختمان شماره سه قوه قضائیه - معاونت آموزش - اداره کل برنامه ریزی و تدوین متون آموزشی

ب: پست الکترونیکی Tadvin_motoon@yahoo.com

ج: نمابر ۸۸۹۱۹۴۱۸ - ۰۲۱

۱- این ویژه نامه نیاز شما را در خصوص اطلاع یابی از تغییرات قوانین و مقررات تأمین می‌کند.

کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ تا حدودی موافقم ☐

۲- نحوه تبویت و دسته بندی قوانین و مقررات در این ویژه نامه مناسب بوده و موجب سهولت و سرعت یافتن مطالب می‌شود.

کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ تا حدودی موافقم ☐

۳- اطلاع رسانی تغییرات قوانین و مقررات از طریق این ویژه نامه مناسب تر از دریافت روزنامه رسمی به شیوه معمول است.

کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ تا حدودی موافقم ☐

۴- اطلاع رسانی تغییرات قوانین و مقررات از طریق این ویژه نامه مناسب تر از مراجعه به سایت‌های مربوط است.

کاملاً موافقم ☐ موافقم ☐ تا حدودی موافقم ☐

۵- سایر نظرات و پیشنهادهای خودتان را مرقوم فرمایید.